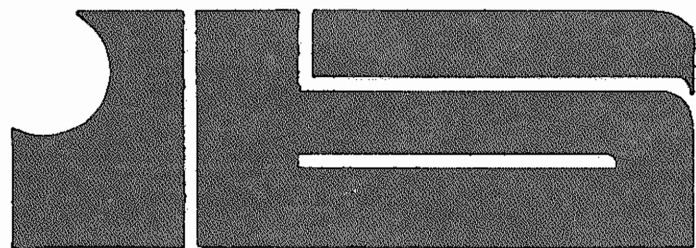
مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

((اکثریت))

سال سوم ـ سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۰

شماره ۱۰۳ ـ ۲۴ صفحه ـ ۳۰ ریال

بیانیه ۱۰ ماده‌ای آیت‌الله خمینی، اقدامی در جهت

تخفیف کشمکش میان نیروهای جمهوری اسلامی همراه با حفظ رهبری "خط امام"

درآستانه سومین سال تاسیس جمهوری اسلامی ایران مردم ما شاهد تحولات سیاسی تازه‌ای هستند که مهمترین نتیجه آن تخفیف تشنج و درگیری‌های سیاسی رئیس جمهور با دیگر مقامات طرازاول جمهوری اسلامی است

بقیه در صفحه ۲

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) به

اتحادیه کارگران نیکاراگوئه (C - S - T) به مناسبت برگزاری کنفرانس همبستگی بین‌المللی (۲۰ مارس)

رفقای رهبری و اعضای اتحادیه کارگران!

شادباش‌های صمیمانه ما را به مناسبت برگزاری "کنفرانس همبستگی بین‌المللی با اتحادیه کارگران نیکاراگوئه" بپذیرید. طبقه کارگر قهرمان نیکاراگوئه که نقشی سترگ در انقلاب رهائی‌بخش و دمکراتیک ایفاء نمود و در اتحاد با دیگرنیروهای انقلابی خلق و تحت رهبری

بقیه در صفحه ۲۳

مردم امیر انتظام و همه دوستان برژینسکی را محکوم می‌شناسند

محاکمه امیرانتظام، محاکمه لیبرالهای ایران و همه دوستان و جاسوسان امریکا در میهن ماست.

تلاش مذبوحانه بازرگان و دیگر دوستان برژینسکی برای تبرئه امیرانتظام، جزئی از نقشه امریکا برای روی کارآوردن یک "دولت میانه رو" است.

دوستان برژینسکی برای تبرئه امیرانتظام، علیه "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" و همه نیروهای مدافع استقلال و آزادی تبلیغات گسترده‌ای را سازمان داده‌اند.

تبلیغات دوستان و جاسوسان امریکا را خنثی کنیم و تلاش آنها را درهم شکنیم.

یاد شهید قاضی محمد فرزند راستین خلق گرامی باد.

در روز دهم فروردین ۱۳۲۶ قاضی‌محمد رهبر جنبش ملی خلق‌کرد همراه دو همرزم قهرمانش سیف‌قاضی و صدر قاضی در میدان "چوارچرای" شهر مهاباد به‌دار آویخته شد.

بقیه در صفحه ۸

تصفیه سپاه پاسداران از عناصر ترقیخواه خواست امپریالیسم است

در صفحه ۱۷

با آشکارتر شدن رابطه قاسملو با رژیم عراق

باند قاسملو هرچه بیشتر منزوی می‌شود

در صفحه ۹

■ رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه ترگور و مرگور، جهانگیر اسماعیل‌زاده عضو کمیته مرکزی و مسئول سومای‌برادوست، قادر عبدی عضو کمیته مرکزی و مسئول سابق پیرانشهر و سنارمامدی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه‌انزل و سلماس به همراه گروهی از مسئولین، اعضاء و پیشمرگان صادق کرد جدائی خود را از باند قاسملو اعلام کردند. آنها طی اطلاعیه‌هائی اعلام داشتند که سیاست پشتیبانی از انقلاب ایران و حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان را در چهارچوب جمهوری اسلامی می‌پذیرند و تنها چنین سیاستی را سیاستی منطبق بر منافع انقلاب ایران و منافع خلق کرد می‌شناسند.

با شرکت در راهپیمایی سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران

وحدت خلق علیه امپریالیسم را تحکیم بخشیم!

هم‌میهنان مبارز!

دشمنان خلق ما و در راس آنها امپریالیسم آمریکا توطئه‌گرانه کوشیده‌اند وحدت صفوف خلق ما را برهم زنند و انقلاب مردم ما و دستاوردهای آن را نابود سازند.

در سومین سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) به منظور تحکیم صفوف خلقمان که ضامن پاسداری از انقلاب است، در راهپیمایی بزرگداشت این روز (۱۲ فروردین ۱۳۶۰) شرکت می‌کند و از همهٔ هم‌میهنان دعوت می‌نماید که با شرکت در این راهپیمایی، آنرا به تجلی قدرت و اتحاد خلق علیه امپریالیسم مبدل سازند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

یکشنبه ۹ فروردین‌ماه ۱۳۶۰

ت ـ س ۲ ـ ۱

در این شماره:

جنبش کارگری ایران

درصفحه ۶

کارگران کارخانه کربن:

«حرکت چرخ های کارخانه (تداوم تولید) توطئه لیبرال ها را در هم شکست»

جنبش دهقانی ایران

درصفحه ۷

بند «ج» قانون اصلاحات ارضی باید اجراء گردد

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم!

بقیه از صفحه ۱

بیانیه ۱۰ ماده‌ای آیت‌الله خمینی...

روز ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در دانشگاه تهران ، فضائی آکنده از هیجان و تحریک در حالیکه هواداران و مدافعان سرشناس و گمنام آقای رئیس جمهور برایشان‌هورامی‌کشیدند ، بنی‌صدر آشکارتر از همیشه نهادهای قانونی‌جمهوری‌اسلامی را زیر ضرب گرفته بود .

میلیون‌ها تن در سراسر ایران از طریق تلویزیون مشاهده کردند که چگونه رئیس جمهور در غریو کف‌زدن‌های هواداران جریان‌های سیاسی که مردم را به سرنگونی جمهوری اسلامی ایران ترغیب می‌کنند ، مشروعیت قانونی عالی‌ترین‌ارکان‌های حاکمیت خط امام را مورد سئوال قرار داد .

این امر انعکاس وسیعی در حکومت جمهوری اسلامی و سراسر جامعه داشت و بحران سیاسی فزاینده‌ای را که در تمامی ابعاد در حال گسترش بود ، دامن زد .

عنصر اصلی در تعرض سیاسی رئیس جمهور در ماه‌های اخیر زیر سئوال قرار دادن موجودیت قانونی بسیاری از ارگان‌های اصلی جمهوری اسلامی بود . رئیس جمهور در سخنرانی‌های خود و هم در مقالات و یادداشت‌هایش در روزنامه انقلاب‌اسلامی این خط اصلی را تعقیب می‌کرد و در حد خود مشوق جریان‌هائی بود که شعارهائی مبنی بر سرنگونی دولت رجائی می‌دادند . کشمکش میان بنی‌صدر با سایر نهادهای قانونی جمهوری‌اسلامی مثل مجلس، قوه قضائیه ، دولت و غیره کار را به جائی کشانده بود که بنی‌صدر قانونی‌بودن آنها ، و آن نهادها نیز مشروعیت بنی‌صدر را زیر علامت سئوال کشیده بودند پس از واقعه ۱۴ اسفند دانشگاه تهران ، کشمکش میان رئیس جمهور و قوه قضائیه که در صدد بود بنی‌صدر را به‌خاطر وقایع دانشگاه به پای میز محاکمه کشاند ، وارد مرحله‌ای شده بود که ادامه آن می‌توانست به درگیری همه‌جانبه بنی‌صدر و یاران او با نیروهای موسوم به خط امام منجر گردد .

چنین وضعیتی ، مطلوب امپریالیسم و لیبرالها بود و نمی‌توانست موجب نگرانی عمیق نیروهای مردمی و مدافع انقلاب نباشد . چنین شکافی در جمهوری اسلامی ایران آن هم در شرایطی که به تحریک امپریالیسم امریکا ، رژیم صدام جنگ جنایتکارانه‌ای را بر مردم ما تحمیل گردده است نه‌تنها جمهوری را در مقابله با رژیم صدام ناتوان و شکست‌پذیر می‌ساخت بلکه ضدانقلاب داخلی را نیز که امروز سازمان‌یافته‌تر و مجهزتر از هر زمانی برای شکست انقلاب خونبار مردم ایران خیز برداشته است ، بیش از هر زمانی تقویت می‌کرد و در خوشبینانه‌ترین ارزیابی‌ها با افزایش تشنج و ناآرامی‌های سیاسی ، " بی‌ثباتی سیاسی " را گسترش می‌داد . به درگیری‌ها دامن می‌زد ، دشمن اصلی مردم ــ امپریالیسم امریکا ــ را از زیر ضرب خارج می‌کرد انقلاب را از حرکت باز می‌داشت و مسیر انقلاب را به دلخواه امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت آن به انحراف می‌کشانید .

وقایع ۱۴ اسفند دانشگاه تهران و پی‌آمدهای آن ، اقدام عاجل وسنجیده‌ای را برای تقویت قدرت مقاومت و مقابله انقلاب با چنین خطرات بزرگی که آن را تهدید می‌کرد ، الزام‌آور می‌ساخت . باید تدبیری اندیشیده می‌شد که تمامی نیروهای طرفدار استقلال ایران در حکومت به‌جای تشدید تضادهای خود ، به‌گونه‌ای که به تحکیم " خط امام " منجر گردد در راه وحدت گام بردارند و یکی از خطرناک‌ترین ترفندهای امپریالیسم و سیاستمداران لیبرال را خنثی کنند .

در چنین شرایطی بود که بیانیه ده ماده‌ای " امام " در آخرین ساعات ۲۵ اسفندماه ۵۹ صادر شد . با صدور بیانیه که بدون تردید با مقدمات و تمهیداتی همراه بود ، بحران،آشکارا فروکش کردو این فرصت مغتنم برای دولت رجائی فراهم آمد تا در پرداختن به مشکلات اساسی مردم که مسائل اساسی انقلاب ایران است ، با دغدغه کمتری به صلاح‌اندیشی و چاره‌جوئی بنشینند .

مضمون بیانیه ده ماده‌ای ۲۵ اسفند

آیت‌الله خمینی در بندهای ۱ و ۲ بیانیه با تاکید بر رعایت قانون اساسی و نظارت مطلق آن بر فعالیت مقامات ونهادهای جمهوری بر مشروعیت قانونی " مقامات فعلی ریاست جمهوری ، دولت ، ریاست دیوان عالی ، دادستان کل کشور ، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان "تاکید می‌ورزد و اعلام می‌دارد " کسی حق ندارد در مصاحبه‌ها و نطق‌ها و رسانه‌ها به یکی از این مقامات توهین و یا آنان را تضعیف نماید و متخلف به ملت معرفی و مورد مواخذه قرار می‌گیرد . "

در این قسمت از بیانیه بر موقعیت قانونی رئیس جمهوری تاکید می‌شود اما بنی‌صدر از یکی از مهم‌ترین مواضع سیاسی کنونی خود به عقب رانده می‌شود و ملزم می‌گردد که به مشروعیت قانونی حاکمیت دولت رجائی و دیگر نهادهای اصلی جمهوری اسلامی گردن گذارد . امری که در ماه‌های اخیر از جانب رئیس جمهور در سطح وسیع و گسترده‌ای و به نحو آشکاری زیر پا گذاشته شده و مسیر متضادی را طی می‌کرد .

از طرف دیگر در بند ۳ و ۴ و به ویژه بند ۵ بیانیه امام ، موقعیت رئیس جمهور به عنوان فرمانده کل قوا تحکیم می‌یابد .

به‌خاطر داریم که بنی‌صدر بارها عضویت رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس : حجت‌الاسلام محمدمنتظری و پرورش نماینده اصفهان را در شورای‌عالی دفاع نقض قانون اساسی اعلام کرد و حتی در مواردی به همین دلیل از حضور در شورای عالی دفاع سر باز زد .

بند ۴ بیانیه آیت‌الله خمینی بر این خواست رئیس جمهور ، با ظرافت سیاسی خاصی‌که تنها برای فعالین سیاسی به سرعت قابل درک است ، صحه می‌گذارد و اعلام می‌کند که : " شورای عالی دفاع به نحوی‌که در *قانون اساسی است معمول می‌شود .* " این جمله به معنی آن است که رئیس مجلس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی از این پس دیگر سمتی در شورای عالی دفاع برعهده نخواهند داشت .

بند ۵ بیانیه امتیاز بزرگی برای رئیس جمهور قائل می‌شود . در این بند گفته شده است " مسائل دفاع در شورا مطرح و رسیدگی می‌شود وپس از تصویب ، *تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند .* "

در این بند بطور آشکاری به رئیس جمهور عملا اجازه داده شده است که مصوبات شورای عالی دفاع را به نوعی " وتو " نماید و چنانچه مایل بود ، از اجرای مصوبات شورای عالی دفاع ممانعت به عمل آورد و یا دست کم اجرای آن را به تعویق اندازد .

درست است که تحکیم موقعیت رئیس جمهور در شورای عالی دفاع و مآلا در نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران در عین حال ناظر بر توجه مسئولانه بر ضرورت تحکیم موقعیت نیروهای مسلح و تامین وحدت فرماندهی درشرایط جنگی کنونی است و در اساس بر منافع انقلاب تاکید دارد و باید با توجه به اهمیت پیروزی ایران در جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه رژیم صدام که به تشویق امپریالسسم امریکا برای به زانو درآوردن انقلاب ایران ، تامین منافع امپریالیسم و تقویت دولت‌های ارتجاعی منطقه به مردم ما تحمیل شده است ، مورد ارزیابی قرار گیرد ، اما این مانع از آن نیست که خطراتی را که از این رهگذر انقلاب خونبار مردم ایران را تهدید می‌کند ، متذکر نگردیم و مهم‌تر از آن اینکه اگردرست‌است‌که‌بر اساس همین بیانیه ، " معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است " باید انطباق تفویض چنین قدرتی به‌رئیس‌جمهور با قانون اساسی مورد تدقیق قرارگیرد .

دیگر بندهای بیانیه بطور مشخص بر تخفیف درگیری و تشنج سیاسی تاکید دارد و برای مهار بحران فزاینده سیاسی است . بندهای ۷ و ۸ بیانیه دارای اهمیت تاکتیکی قابل تاکیدی است و رئیس جمهور را در استفاده از بخشی از امکاناتش در زمینه بسیج نیرو علیه رقبایش موقتا محدود می‌سازد .

بیانیه در عین‌حال برای مهار یکه‌تازی‌ها و قانون‌شکنی‌ها و خودسری‌های بسیاری از مقامات جمهوری که زیر نام دفاع از " انقلاب " و " خط امام " عملا علیه انقلاب و " خط امام اقدام میکنند ، تمهیدات لازم را فراهم آورده و امکانات قانونی را در اختیار می‌گذارد .

امروز آشکار است که بخشی از ناآرامی‌های سیاسی محصول اقدامات خودسرانه و قانون‌شکنانه محافل منتسب به " خط امام " و به‌ویژه " حزب جمهوری اسلامی " است . بیانیه به این خودسری‌ها که آب به آسیاب امپریالیسم و لیبرالها می‌ریزد و ضربات سختی به وحدت توده‌های مردم در دفاع از انقلاب وارد آورده ، توجه داشته و درصدد مقابله با آن است .

یک بررسی کاملا عینی از وضعیت طبقات و مرحله تکامل انقلاب ایران نشان می‌دهد که تا چه میزان سیاستی که می‌کوشد رئیس جمهور را علیرغم تمایزات او با سیاستمداران لیبرال که فاقد هرگونه گرایش ضد امپریالیستی هستند ، به آغوش لیبرالها سوق دهد ، سیاستی نادرست و به زیان انقلاب است .

همچنان که بارها تاکید کرده‌ایم ، گرایشی که بخواهد رئیس جمهور را با لیبرال‌ها یکی کند و او را از صف نیروهای استقلال و آزادی براند ، گرایشی خطرناک و به زیان انقلاب است . هل‌دادن نیروهای ملی به خارج از جبهه نیروهای طرفدار انقلاب صرفا در خدمت تضعیف جبهه انقلاب و تقویت دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد و خواست امپریالیسم است . در برابر گرایش مذکور ، گرایش بغایت نادرست دیگری وجود دارد که عملا در جهت سرکردگی رئیس جمهور در جنبش خلق و در حکومت جمهوری اسلامی تلاش می‌کند . (چنین گرایشی در برخی‌ازروحانیون ، در برخی‌نمایندگان مجلس و در سازمان‌مجاهدین‌خلق‌مشاهده می‌گردد .)

پیام آیت‌الله خمینی درواقع با هر دوی این گرایش‌ها مقابله می‌کند و بر موارد زیر تاکید دارد :

۱ــ تلاش درجهت تقویت‌وحدت نیروهای استقلال و آزادی در حکومت جمهوری اسلامی و نگهداشتن رئیس جمهور در صف این نیروها .

۲ــ تلاش درجهت حفظ موقعیت برتر آیت‌الله خمینی و نیروهای خط امام در حکومت جمهوری‌اسلامی و اعمال هژمونی بر رئیس جمهور و یاران او .

از این نظر پیام آیت‌الله‌خمینی ماهرانه و سنجیده است و تقریبا می‌توان گفت که ایشان در این شرایط و در این زمینه مناسب‌ترین تصمیم ممکن را برای تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی دربرابر رژیم صدام و بطور کلی دربرابر جبهه ضدانقلاب گرفته است . تصمیم ایشان دست‌کم تا پایان جنگ از شدت و حدت تضاد میان جناح‌های مختلف جمهوری اسلامی جلوگیری می‌کند .

اگر حکومت جمهوری اسلامی همین سیاست را نه فقط برای نیروهای درون حاکمیت بلکه نسبت به کل نیروهای ماهیتا ترقیخواه و ملی در پیش می‌گرفت ، قطعا چنین سیاستی می‌توانست یکی از مهم‌ترین موانعی را که امروز در راه وحدت همه نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران پدید آمده است ، از سر راه بردارد . همان‌گونه که تشدید تضاد میان بنی‌صدر و خط امام در حکومت موجب تضعیف جبهه انقلاب می‌شود ، قطعا تشدید تضاد میان خط امام و سازمان مجاهدین خلق ایران نیز که فعلا برای مقابله با سیاست‌های نادرست خط امام در کنار لیبرالها قرار گرفته ، سخت موجب تضعیف انقلاب و تقویت‌لیبرالها می‌گردد . سازمان مجاهدین که ماهیتا نیروئی خلقی و ملی است ، امروز در مقابله با سیاستی که آزادی‌های سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی نمی‌پذیرد ، برمبنای تحلیلی نادرست سیاستی نادرست در پیش گرفته است . به اعتقاد ما تامین و تضمین آزادی‌های سیاسی درچهارچوب قانون اساسی می‌تواند گامی بزرگ در راه تصحیح سیاست‌های سازمان مجاهدین ، خط امام و سایر نیروهای درون جبهه خلق گردد و از همین رو است که ما بر لزوم برداشتن گام‌های بلندتری از طرف آیت‌الله خمینی و جمهوری اسلامی برای تحکیم وحدت خلق تاکید می‌کنیم .

به‌هر حال آنچه که از تحولات سیاسی اخیر برای انقلاب ایران حائز اهمیت است ، این است که در مقابل سیاست " تشنج‌فزائی " که سیاست امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت آن است ، سیاست تخفیف

بقیه در صفحه ۲۲

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ـ شماره ۱۰۳ ـ صفحه ۳

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت هفتم)

سیاست قطع وابستگی صنعت اتوموبیل چگونه باید باشد؟

درشماره پیشین صنعت اتوموبیل سازی را به عنوان نمونه‌ای ازصنایع وابسته مورد بررسی قرار دادیم . دیدیم این صنعت درپیوندهای گسترده و عمیقی با انحصارات امپریالیستی قرار دارد . همچنین ، دیدیم این انحصارات از طریق این پیوندها ثمره کار کارگران و زحمتکشان میهن را چپاول کرده و بروابستگی اقتصادی جامعه ما افزوده‌اند . راه مقابله با این انحصارات چیست چگونه می‌توان در جهت برپایی صنعتی مستقل که رشد آن در جهت رشد بخشیدن به نیزوهای تولید ملی باشد و نیازهای مردم میهن و نه سود انحصارات امپریالیستی را تامین کند ، پیش رفت نخست این موضوع را در مورد صنعت اتوموبیل سازی (تولید اتوموبیل سواری ، اتوبوس و کامیون) که به عنوان نمونه برگزیده‌ایم دنبال می‌کنیم و سپس به بحث درباره سیاستی که می‌تواند صنایع‌کشور را در جهت استقلال پیش برد ، می‌پردازیم .

سیاست قطع وابستگی صنعت اتوموبیل سازی

در بررسی سیاست قطع وابستگی صنعت اتوموبیل سازی بایدبه‌سه‌نکته‌اساسی‌توجه‌داشته باشیم (۱) ترکیب صنعت اتوموبیل سازی و پیوند آن با دیگر بخش‌های اقتصادی ، (۲) پیوند این صنعت با صنایع جنبی آن و (۳) رابطه این صنعت با اقتصاد جهانی .

۱ ـ ترکیب صنعت اتوموبیل سازی ایران ترکیبی است که تجلی بارز وابستگی اقتصاد کشور ما است .

در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۱۰۷ هزار دستگاه اتوموبیل سواری در ایران تولید شده است . و در مقابل،تعداد اتوبوس‌های تولید شده تنها ۱۷۰۰ دستگاه بوده است . چرا ؟ چرا باید در اقتصادی که جمع عظیم مردم آن از ابتدایی ترین امکانات رفاهی زندگی ،بهداشت ،آموزش،تغذیه و . . . . محروم هستند چنین تعدادی‌اتوموبیل سواری به بازار عرضه شود (و این بدون درنظر گرفتن تعداد اتوموبیل‌های سواری وارداتی است) ؟ در مقابل چرا تعداد اتوبوس‌های عرضه شده به بازار این چنین قلیل بوده است ؟

دراقتصادهای وابسته که توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان در فقر و تنگدستی ناشی از استثمار و ستم امپریالیستی زندگی می‌گذرانند ، بخش کوچکی از جمعیت که ریزه‌خوار سفره چپاولگری انحصارات امپریالیستی هستند از شرایط ممتازی برخوردارند اینان از یک سوی چوب‌بست انحصارات امپریالیستی را برپا می‌کنند و از سوی دیگر ، بوجودآورنده تقاضا برای بخش قابل توجهی از محصولات صنایع وابسته هستند گذشته از سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ که کارگزاران انحصارات امپریالیستی هستند ، مدیران صنایع ، بوروکرات‌های دولتی ، متخصصان بالامرتبه فنی اداری ، مالی و حقوقی ، دلالان ، زمین‌بازان و بسازو بفروش‌ها و . . . حقوق‌های کلان و منافع سرشاری بدست می‌آورند . اینان خریداران عمده محصولات صنایع وابسته هستند . رشد صنعت اتوموبیل سازی در زمینه مونتاژ اتوموبیل سواری اساسا ، و به‌ویژه در ابتدای کارآن ، بر تقاضای این اقشار مرفه متکی بود .

اما این یک سوی قضیه است . سوی دیگر سیاست‌های آگاهانه‌ای بوده است که دولت وابسته شاه برای بوجود آوردن بازار برای محصولات صنعت اتوموبیل سازی دنبال می‌کرد . ایجاد شبکه حمل و نقل عمومی مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی است که انجام آن بر عهده دولت است و ثمره آن رفاه بیشتر برای توده مردم و امکان رشد مستقل برای صنایع و کشاورزی کشور است . اما دولت وابسته ،بودجه‌ای را که در اختیار داشت (که حاصل فروش نفت خام و مالیات بر کارگران و زحمتکشان بود) نه در جهت تامین رفاه توده مردم و رشد مستقل اقتصاد داخلی ، بلکه در جهت تسهیل رشد و انباشت سرمایه‌های وابسته امپریالیستی به‌کار می‌گرفت . از این رو گسترش شبکه حمل و نقل عمومی نه تنها باید بخشی از بودجه دولت را به خود اختصاص می‌داد که دولت وابسته حاضر به چنین کاری نبود ، بلکه " صرفه‌جویی " مفرط در این نوع سرمایه‌گذاری‌های دولتی خود وسیله‌ای بود برای رشد دادن بازار محصولات صنعت وابسته اتوموبیل سازی ایران .

بدین گونه است که شبکه راه‌آهن ایران پس از پنجاه سال حکومت‌ننگین‌شاه‌وپدرش درحدمحدود وغیرکارآمدی باقی‌مانده که‌تاسیس‌آن دراوائل قرن بیستم بوده است . دولت وابسته شاه نه تنها سیاست گسترش شبکه راه‌آهن را (که می‌تواند تمامی مراکز اقتصادی کشور را به هم متصل کند و حتی روستاهای میهن را در ارتباط با این مراکز قرار دهد) دنبال نکرد ، بلکه دیگر وسایل حمل و نقل عمومی را نیز در سطحی بسیار ناچیز نگه داشت . حمل بار و مسافر در شهرهای بزرگ میان شهرها و میان شهرها و روستاها ، با امکانات حمل و نقل عمومی غیر کارآمد و غیر مناسب انجام می‌شد . اما تمرکز روزافزون حاصل از رشد سرمایه‌داری وابسته که با تجمع فزاینده جمعیت در مراکز شهری به همراه است رفت و آمد در مسافت‌های دور شهری را ضروری ساخت . در مواردی در شهر تهران برای‌رسیدن از محل سکونت به محل کارباید ۱۰ کیلومتر و حتی بیشتر راه طی شود . این وضع ، همراه با افزایش رفت‌وآمد میان شهرها و نیز با محدودیت امکانات حمل و نقل عمومی، باعث شد که اقشار نیمه‌مرفه و حتی در مواردی زحمتکشان شهری ناگزیر به تهیه اتوموبیل سواری شوند و با خرید قسطی اتوموبیل سواری بخش قابل توجهی از درآمد خود را به جیب انحصارات تولید کننده اتوموبیل سرازیر کنند نمونه‌ای اغراق آمیز نیست اگر بگوییم در مواردی هم‌میهنان ما بایدمعادل ۲ سال درآمد خود را برای خرید اتوموبیلی که عمر آن ۶ یا ۷ سال است پرداخت می‌کردند . به عبارتی دیگر باید نزدیک به نیمی از درآمد خود را صرف هزینه حمل و نقل می‌کردند . این همان سیاستی بود که هویدای معدوم با افتخار در محلس فرمایشی با عنوان یک پیکان درهر گاراژ اعلام کرد و نمایندگان سرمایه‌داران وابسته برای‌او کف زدند و هورا کشیدند ! و این چنین بود که کارخانه‌های اتوموبیل سازی ایران در سال ۱۳۵۶ بیش از یکصدهزار اتوموبیل سواری به مردم ایران فروختند .

آیا امروز باید بسان گذشته به تولید اتوموبیل سواری ادامه داد ؟ مسلما خیر سیاست مبارزه در راه قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل‌سازی باید در وهله نخست با ایجاد تغییری اساسی در ترکیب این صنعت همراه باشد . باید تولید اتوبوس مینی‌بوس ، وانت و واگن قطار جانشین تولید اتوموبیل سواری شود . این کار مستلزم تغییری اساسی در امکانات فنی این کارخانه و قطع پیوندهای وابستگی آنها به انحصارات امپریالیستی است که در زیر بدان خواهیم پرداخت .

در دوسال گذشته دولت جمهوری‌اسلامی گامی اساسی در این جهت برنداشته‌است هرچند از برخی جهات امکانات آن فراهم بوده است **تغییر در ترکیب صنعت اتوموبیل سازی و کاهش تولید اتوموبیل سواری باید با برنامه‌ای اساسی برای گسترش شبکه حمل و نقل عمومی همراه باشد .** دولت در این مدت نه‌تنها به سرمایه‌گذاری در توسعه شبکه راه‌آهن سراسری دست نزده (که می‌تواند بطور قابل ملاحظه‌ای ایجاد اشتغال نماید و بسیاری از صنایع جنبی را به کاراندازد) بلکه حتی برنامه‌ریزی آن رانیز آغاز نکرده است هرچند جنگ تحمیلی رژیم ضدمردمی صدام و محدودیت تولید بنزین سبب شد که عملا تاکید بر وسایل حمل و نقل عمومی بیشتر شود ، اما در این راه نیز جز اقدامات موضعی و موقتی،جمهوری اسلامی نه طرحی تهیه کرد و نه دست به کار اقدامی اساسی شد . حتی در این میان شهردار سابق تهران " **توسلی** " که در زمره لیبرال‌هاست این را که شبکه اتوبوسرانی برای دولت خرج برمی‌دارد منتی بر سر زحمتکشان تهرانی دانست

بقیه در صفحه ۲۳

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی ، سیاسی ،نظامی ، وفرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

از یادداشت های فدائیان خلق در جبهه های جنگ

پیروزی چون گل سپیدی در تنگه حاجیان شکوفه کرد

★خورشید آرام، آرام در مغرب فرو می‌رود که حرکت می‌کنیم. مقصدمان ارتفاعات حاجیان ـ کورک است. جسته گریخته از محل ماموریت‌مان چیزهائی شنیده‌ایم و اینکه تاکنون تلفات زیــــادی در آنجا داشته‌ایم.

خودروها به حرکـــت درمی‌آیند. در اولین خودرو خود من هستم و دو نفر دیگر از هواداران سازمان. من فرمانده دسته گروهی هستم که می‌خواهیم به طرف تنگه حاجیان حرکت کنیم.

حرکت باید شبانه صورت گیرد. دور از چشمان پلید دشمن. گلوله توپ‌های متجاوزین مدام در دور و بر ما به زمین می‌خورد. دشمن به ما "خوش‌آمد" می‌گوید و با خاک و خاشاکی که بر اثر اصابت گلوله‌ها با زمین بر سر و رویمان می‌ریزد، ناقوس مرگ را بر بالای سرمان به صدا در می‌آورد.

به راهمان ادامه می‌دهیم تا به مقر فرماندهی می‌رسیم در آنجا به ما می‌گویند:

ـ قبل از شما یک گروه پاسدار را فرستاده‌ایم، امشب دیگر امکان دادن راهنما را نداریم.

در خطوط چهره فرماندهان بی‌تفاوتی و انفعال دیده می‌شود. می‌گویند:

ـ در زیر پلی که در این نزدیکی است، مستقر شویم تا خبرتان کنیم.

شب که گوئی روسیاهی دشمنان را به نمایش گذاشته است، رفتن را مشکل می‌کند به هرترتیبی که هست، پل را پیدا می‌کنیم و زیر آن مستقر می‌شویم.

***

روز بعد (یکشنبه ۲۱ دی) هوا گرگ و میش است که بچه‌ها را به موضع جدید انتقال می‌دهم. در دهانه پل، تنگه حاجیان را نظاره می‌کنیم. تنگه حماســــه و مقاومت، گوئی ما را می‌خواند از پشت بی‌سیم صدائی مرا به خود می‌آورد. فرمانده گروه پاسداران مستقر در تنگه است. با پشت جبهه صحبت می‌کند. از لحن مصمم‌اش برمی‌آید که فردی شجاع و دلاور باشد. ناخودآگاه دلم می‌خواهد که او را از نزدیک ببینم.

لحظه‌ای بعد از طرف فرماندهی مرا می‌خواهند. در آنجا گفته می‌شود:

ـ همگی باید به موضعی در تنگه حاجیان بروید.

حال عجیبــــــی دارم. از فکـــــــر تنگه خلاص نمی‌شوم. فورا بچه‌ها را به طرف ارتفاعات تنگه به حرکت درمی‌آورم. قرار است تا پای کوه با خودرو برویم. دشمن ما را زیر آتش خمسه ـ خمسه‌های خود گرفته است. تا قبل از اینکه خودرو ها از راه برسند، به سرعـــــت می‌دویم. چندبار به زمین می‌خوریم و برمی‌خیزیم اما ما آموخته‌ایم بعد از هر زمین‌خوردن، استوار و مردانه بپا خیزیم. این را آموزگاران ما و پیشروان طبقه کارگر به ما آموخته‌اند.

به هر ترتیبی که هست خود را با خشاب و تانکر آب به پای کوه می‌رسانیــــم. لحظات حساس فرا رسیده است. بچه‌ها را در سه گروه سازمان می‌دهم. ارتفاعی ۲۰۰ متری را طی می‌کنیم تا به مواضع مورد نظر که آخرین موضع خودی است، برسیم. مسئول فرماندهی آن موضع که یک پاسدار است به ما خوش‌آمد می‌گوید. تا ساعتی دیگر شب تمامی دشت و کوه را یکپارچه سیاه خواهدکرد.

هنوز در موضع جدید درست مستقر نشده‌ام که چند پاسدار از درون تنگه، جنازه شهیدی را با خود می‌آورند. شهید، همان فرمانــــــده عملیاتی است که صدای مصمم و مردانه‌اش را امروز صبح از بی‌سیم شنیده‌ام. صبح، من آرزوی دیدارش را داشتم و حالا او چون سرو بلندی که طوفان آن را از پا درآورده باشد، بر شانه پاسداران به استقبالمان آمده است. تفنگ در دستم سنگینی می‌کند. جنازه فرمانده را با رگبار گلوله‌ای بدرقه می‌کنیم. باد چون صدای مادری که از دوردست‌ها ضجه می‌کشد، در دشت و کوه می‌پیچد.

روز بعد دوشنبه ۲۲ دی صبح زود با اولین آواز "تذرو" پیشروی را آغاز می‌کنیم. یکی از بچه‌ها نگران جناح چپ تنگه است که هنوز پاکسازی نشده است شهادت فرمانده عملیاتی نیز در همین رابطه بوده‌است.

قبل از اینکه به سمت تنگه حرکت کنیم فرمانده قبلی که یک سرهنگ ارتش بود، به ما گفته بود که جناح چپ تنگه در دست نیروهای خودی است اما حالا دشمن درست از همان جناح ما را زیرآتش تیربارهای خود گرفته است! با وجود این، به پیشروی ادامه می‌دهیم تا بعد از مدتی به نقطه تدارکاتی می‌رسیم. بچه‌های سپاه به استقبالمان می‌آیند. همان‌هائی هستند که فرماندهشان در این عملیات شهید شده است. از روحیه‌شان نیرو می‌گیریم. یکی از آنها مسئله عدم امنیت راه تدارکاتی را پیش می‌کشد و می‌گوید:

ـ به ما خیانت شده است از این راه که‌می‌خواهیم برویم، هر آن امکان دارد که همه‌مان کشته شویم.

در این‌باره مدتی با هم صحبت می‌کنیم. بعد با راهنمائی آنها چند سنگر خالی را اشغال کرده و شروع به کار گذاشتن تیربارهای‌مان می‌کنیم.

روز سوم سه‌شنبه ۲۳ دی باز خروسخوان به راه می‌افتیم. ما با اجرای مانور و آتش، حمله را آغاز کرده‌ایم. با آر.پی.جی، مواضع دشمن را به زیر آتش می‌گیریم. خمپاره‌های ۶۰ ما به صدا در می‌آیند. بچه‌ها با دلاوری به پیشروی ادامه می‌دهند. از کوه‌ها، زمین و آسمان آتش و گلوله می‌بارد. بچه‌ها برای پیشروی و درهم کوبیدن دشمن هیچ حد و مرزی نمی‌شناسند و به همین دلیل است که با قهرمانی‌های آنها تعدادی از سنگرها را از دشمن پس می‌گیریم. حالا دشمـــــن مذبوحانه مقاومت می‌کند. ما برای درهم کوبیدن آخرین مقاومت تجاوزگران، یکبار دیگر از توپخانه تقاضای آتش می‌کنیم اما از حمایـــــــت توپخانه خودی خبری نمی‌شود.

دشمن از نفس افتاده است. ما با تمام قدرت از سنگرهائی که به دست آورده‌ایم، حفاظت می‌کنیم منطقه آرام شده است. صدای شلیک هیچ گلوله‌ای شنیده نمی‌شود اما هنوز ساعتی نگذشته است که آتـــــش توپخانه دشمن دوباره شروع می‌شود. آتشی آنچنان سنگین که انگار بر سرمان بارانی از آتش می‌بارد. حفظ مواضع، تلفاتی سنگین دربی خواهد داشت.

ناچار بازهم سنگرهائی را که به قیمت دلاوری‌ها، فداکاری‌ها و مقاومت باور ـ نکردنی گروهمان به دست آورده‌ایم، خالی کرده و عقب‌نشینی می‌کنیم.

در صبحدمی به رنگ سرب دوباره حمله را آغاز می‌کنیم

چهارشنبه ۲۴ دی حمله را آغاز می‌کنیـــــم، در صبحدمی به رنگ سرب. حمله‌ای که اگر با تدارکات کامل صورت می‌گرفت در همان مرحله اول به پیروزی می‌رسید اما عدم همکاری، عدم امکانات، عدم تدارکات عدم هماهنگی و خیانت برخی از فرماندهان دردهائی هستند که بر قلب‌های ما سنگینی می‌کنند و ما باید هر روز به خاطر همین نارسائی‌ها، سربازان و پاسداران زیادی را از دست بدهیم. چه مسئولانه و واقع‌بینانه بود که سازمان ما از اولین روزهای جنگ بانگ برداشت که:

پاسداران باید به‌سلاح‌سنگین‌مسلح شوند

ما در عمل هر روز با دادن چند شهید به حقانیت این مسئله پی‌می‌بریم.

حالا ما باز با سلاح‌های سبک‌مان به سمت دشمن می‌رویم. فاصله دشمن با ما بیش از ۵۰متر نیست.

درگیری آغاز می‌شود و تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه پیدا می‌کند. ما هنوز کاری نتوانسته‌ایم از پیش ببریم. تا اینکه از طرف سپاه یک نیروی کمکی برای ما فرستاده می‌شود. حالا قوی‌تر از پیش از همه سو به دشمن یورش می‌بریم و او را سنگر به سنگر عقب می‌نشانیم. بچه‌ها از بالا و پائین بر تجاوزگران آتش گشوده‌اند. در مدت کوتاهی به مواضع متصرف شده شب قبل می‌رسیم و با آتش مجدد، دشمن را از شیارها پاک می‌کنیم و آنها را به سمت دشت می‌روبیم. بچه‌ها خستگی نمی‌شناسند. نیروی عظیمی در وجودمان می‌جوشد. با دادن ۱۰ نفر شهید تنگه حاجیان را از لوث وجود ناپاک دشمن، پاک می‌کنیم. اشک بی‌اختیار از چشمانمان سرازیر شده است. شادی و پیروزی در تنگه حاجیان مثل گل سپیدی شکوفه کرده است.

از یادداشت‌های یک‌فدائی
افسرمنقضی ۵۶
اواخر اسفند ۵۸

■

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

با انقلاب یا علیه انقلاب

هان ای شکسته دیوار سست نهاد

■ بهار از راه رسیده است. در جلگه‌های خونین مقاومت مردم،جوانه‌های سبز بهاری قد می‌کشند، زمین زنده می‌شود، نفس می‌کشد و زندگی بر خرابه‌های مرگ می‌روید. بهار امسال بهار دسترنج مقاومت‌های دردآلود و طولانی است. دیوار شکسته و سست‌نهادی که سالها میان خلق و توان تاریخی‌اش. میان مردم و شکوفایی آنها میان توده و رسالت او به‌همت نظم غارتگرانه سرمایه‌سالاری امپریالیستی کشیده شده بود اکنون، گرچه نه به‌تمامی، فرو ریخته است. نسیم آزادی و استقلال دو سال است که بر زحمتکشان می‌وزد. بر دست‌های کار در تلاش توانفرسای کارخانه، بر بازوان خسته کشت و برداشت در کوشش عرق ریز مزرعه، بر فوج بی‌شمار زحمت در عرصه‌ای به بزرگی ایران می‌وزد و رویای واقعی شکوفایی و بی‌نیازی و آبادی را خشت خشت بنا می‌نهد. روزهای آینده و ماه‌های پیشاروی،شاهد کوشش‌های همچنان استوار مردم ماست برای فصل‌های خوشبختی. روزهای آینده نظاره‌گر جانفشانی‌های ادامه‌دار خلق ماست برای دست‌یابی به افق‌های استقلال و آزادی. در این راه رنج هست، سختی و درد و مرارت هست، گلوله و بمباران هست، توطئه و دسیسه، دشنام و بند و زنجیر نیز خواهد بود. ما بقایای این شکسته دیوار را سرنگون خواهیم کرد، ما به پیش می‌رویم، ما امپریالیسم را به‌گور خواهیم سپرد و سوسیالیسم را خواهیم ساخت و در همیشه بهار آن به تماشای آزادی خواهیم نشست.

آقای بازرگان ما هم موافقیم!

■ از روز سه‌شنبه بیست و ششم اسفندماه ۵۹ محاکمه عباس امیرانتظام معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت و سفیر سابق دولت جمهوری اسلامی ایران در سوئد به اتهام داشتن رابطه با امپریالیسم آمریکا و ملاقات با برخی از آمریکائی‌های مقیم ایران آغاز شد. در این دادگاه مهندس بازرگان شرکت کرده و طی بیانات مبسوطی از امیرانتظام و فعالیت‌هایش در سمت‌های یاد شده دفاع کرد. مهندس بازرگان کوشید تا تماس‌های امیرانتظام با جاسوسان آمریکائی را در حد "مبادله اطلاعات" رایج بین دیپلمات‌ها و مقامات رسمی کشورهاپائین آورده و بدین‌وسیله خیانت‌های امیرانتظام را موجه و قانونی جلوه دهد. ما بررسی مشروح سخنان بازرگان در دفاع از امیرانتظام را موکول به رای نهایی دادگاه می‌کنیم. اما، بی‌مناسبت نمی‌دانیم که موافقت خود را با پیشنهادی که مهندس بازرگان در دفاعیات! خود به‌عنوان شاهد بیان کرد اعلام نمائیم. بازرگان در بخشی از این سخنان در توجیه فعالیت‌های امیرانتظام اظهار داشت:

" در محضر محترم دادگاه هم بگویم اگر جرم است، گناه است، خیانت است، بنده باید به دادگاه بیایم نه ایشان."

ما معتقدیم که فعالیت‌های امیرانتظام نه‌تنها جرم و گناه بوده بلکه قطعا خیانت به‌اهداف مردمی انقلاب و مبارزات خلق‌های قهرمان ایران نیز بوده است. از این رو معتقدیم دادگاه امیرانتظام می‌بایستی به دادگاه محاکمه سیاست‌های سازشکارانه و خیانت‌آمیز دولت موقت تبدیل گردد و مردم ما از طریق این دادگاه در جریان مماشات‌ها و سازش‌های‌پشت پرده این دولت و گردانندگان آن در مسخ آمال ضدامپریالیستی انقلاب قرار گیرند.

سریال شاه دزد

■ یکی از برنامه‌های پرسروصدای تلویزیونی در ایام عید نوروز، سریال "شاه دزد" بود که میلیون‌ها نفر از مردم میهنمان به تماشای آن نشستند. نمایش این سریال در چهار قسمت، علیرغم آنکه به افشای ضدانقلاب ساواکی‌ها و وابستگان به‌دربار و رژیم سلطنتی می‌پرداخت و به‌رغم آنکه به‌درستی سرنخ این فعالیت‌ها را در آمریکا و اروپا می‌جست با ضعف‌ها و نارسایی‌های قابل ملاحظه‌ای نیز همراه بود. این نارسایی‌ها را می‌توان بطور مجمل در تصویر ناقص و گاه غیرواقعی که سریال از ضدانقلاب ارائه می‌کرد جست. تصویر کاریکاتورگونه و شخصیت‌های شدیدا ابلهی که از ضدانقلاب در این فیلم ارائه شده بود، گرچه می‌تواند بیانگر جنبه‌هایی از واقعیت ضدانقلاب مغلوب باشد اما قطعا همه آن نیست. زیان چنین روایتی از ضدانقلاب حداقل این است که به‌خطر عوامل رژیم منفور پهلوی، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و مزدوران امپریالیسم جهانی کم بها می‌دهد و هشیاری لازم را از مردم در مقابله با توطئه‌های آنها نمی‌طلبد. این درست است که دست‌اندرکاران رژیم گذشته شاهزادگان و اشراف و درباریان فاسد و منحط بوده‌اند و هستند ولی اشاعه این پندار که گویا ضدانقلاب در وجود مشتی واداده و سرخورده فاسد و ابله خلاصه می‌شود از واقع‌گرایی به‌دور است. جا دارد هنرمندان متعهد و ملی با تولید آثار هنری مسئول هوشیاری و بیداری توده‌ها را افزایش دهند و واقعیات را در جهت نابودی دشمن طبقاتی توده‌ها بنمایانند.

تجارت خارجی ملی باید گردد

■ روابط عمومی دادگاه ویژه امور صنفی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که ماموران این دادگاه در حدود ۱۰۰ هزار کلید و پریز (احتکار شده) را توقیف کرده و در اختیار تعاونی صنف الکتریک قرار داده است تا با قیمت واقعی در اختیار مصرف کنندگان گذارده شود. این خبر نشانگر دامنه وسیع احتکار و سودجوئی تجاری است که شرایط نابسامان اقتصادی را بهترین محمل برای سودجوئی‌های خود یافته‌اند و با ایجاد بازار تقاضای کاذب از طریق احتکار و کم‌فروشی و گرانفروشی سودهای سرسام آور به‌جیب می‌زنند. اینگونه اخبار همچنین بیانگر این واقعیت است که هرلحظه تاخیر در تصویب و اجرای سریع و قاطع و انقلابی اصل ۴۴ قانون اساسی برای ملی کردن تجارت خارجی‌کمکی است به ازدیاد قیمت‌های مصنوعی و تورم‌زا. تنها کوتاه کردن دست تجار بزرگ و محتکران از گلوی اقتصاد کشور می‌تواند ضربه‌ای کاری به این سودجوئی‌ها وارد آورد و قیمت اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم را در سطحی قابل قبول تثبیت نماید.

●

موضع‌گیری اصولی و مثبت آیت‌اله منتظری

■ بارها گفته‌ایم که درگیری و تشنج خواست امپریالیسم آمریکا، سیاست و سلاح آن در مقابله با انقلاب است. بارها گفته‌ایم حل اختلافات نیروهای درون جبهه انقلاب نه‌از راه ایجاد جو خشونت و برخوردهای‌تن‌به‌تن و گروهی، بلکه از طریق بحث و گفتگو و انتقاد سازنده امکانپذیر است. تنها به‌کار گیری چنین شیوه‌ای قادر است صفوف مردم و نیروهای سیاسی ضدامپریالیست را علیرغم اختلافات فرعی متحد گرداند و همه را یکپارچه در برابر دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا قرار دهد. اما متاسفانه درگیری و تشنج که هر روز در گوشه‌ای از میهنمان همراه با قتل و جرح و آتش‌سوزی و ... نیز همراه می‌شود، اکنون تبدیل به پدیده دامن گستری شده که ضرباتش یکی پس از دیگری به پیکر انقلاب فرود می‌آید.

اخیرا آیت‌الله منتظری نیز در دیدار با گروهی از خانواده شهدای قائم شهر بر همین واقعیت تاکید کرد و ضمن دعوت گروه‌ها به وحدت در موارد مشترک، مردم و گروه‌های سیاسی را از به‌کار بردن خشونت در برابر یکدیگر برحذر داشته و گفت:

" برادران و خواهران بخصوص در منطقه شمال توجه داشته باشند که ... نباید با خشونت و اهانت رفتار شود، بلکه با مهربانی و دوستی باید مصلحت‌ها را یادآور شویم".

(۹ فروردین ـ کیهان)

ما ضمن استقبال از این موضع آیت‌الله منتظری در شیوه حل اختلافات گروه‌های سیاسی ضد امپریالیست یک‌بار دیگر نهادهای مختلف جمهوری اسلامی و گروه‌های سیاسی ـ بخصوص آنها که سیاست خود را بر ایجاد جو تشنج و خشونت بنا نهاده‌اند ـ را دعوت می‌کنیم تا با توسل به شیوه‌های اصولی حل اختلافات، ایجاد درگیری و خشونت یعنی سلاح خطرناک امپریالیسم آمریکا و ایادی و متحدان داخلی آن را از دست این دشمن خونخوار خلق‌ها خارج سازند.

***

پیروزباد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

کار

جنبش کارگری ایران
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم — شماره ۱۰۳ — صفحه ۶

کارگران کارخانه کربن:
«حرکت چرخ های کارخانه (تداوم تولید) توطئه لیبرال ها را در هم شکست»

کارخانه کربن ایران (اهواز) که تولید کننده دوده برای لاستیک اتومبیل مرکب، رنگ، انواع پلاستیک و... است، در اواخر شهریور ماه ۵۹ به علت نقص فنی و تعلل عامدانه برخی از مدیران و مهندسین لیبرال کارخانه از کار افتاده بود. کارگران و کارمندان متعهد کارخانه به لحاظ اهمیت تولید دوده (در تامین لاستیک خودروهای نظامی و...) با پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیرشان، پس از مدتی موفق به راه‌اندازی کارخانه شدند. لیکن شدت حملات نظامی رژیم صدام و حملات شدید هوائی و توپخانه دشمن، امر راه‌اندازی کارخانه را به تعویق انداخت. سنگ‌اندازی‌ها و بهانه‌جوئی‌های مدیران و مهندسین لیبرال نیز در به تعویق انداختن تولید کارخانه مکمل حملات ویرانگرانه دشمن بود و مزید بر علت شد.

علیرغم همه کارشکنی‌ها، مدیران کارخانه نتوانستند مانع از تصمیم و عمل انقلابی کارگران مبارز کربن ایران گردند. کارگران و کارمندان پیگیرانه مشکلات را یکی پس از دیگری از پیش پا برداشتند. آنها شبانه روز کار می‌کردند تا آنجا که یکبار یکی از کارگران از فرط خستگی در یک مخزن سرپوشیده کربن سقوط کرد و بیهوش شد. کارگران و کارمندان مبارز کربن، ضرورت راه‌اندازی کارخانه و تداوم تولید را بمثابه یک وظیفه انقلابی و یک حربه مبارزاتی علیه توطئه‌های امپریالیستی به درستی درک کرده بودند. آنچنانکه در جشنی که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب بهمن در کارخانه برپا کرده بودند، ضمن برپائی نمایشگاه عکس و نمایش فیلم، پرچم امریکا را به نشانه نفرت و انزجار از جنایات امپریالیسم امریکا به آتش کشیدند و بر پلاکاردی نوشتند:

"صدای چرخ‌های کارخانه بار دیگر توطئه‌ها را نقش بر آب خواهد کرد."

سرانجام بعد از ماه‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر کارکنان قهرمان کارخانه کربن، روز پنجم اسفند چرخ‌های کارخانه به گردش درآمد تا صدای پرخروش آن گوش امپریالیست‌ها و رژیم متجاوز صدام را کر کند و به این ترتیب خواست کارگرانی که در راه به حرکت درآوردن چرخ‌های تولید مبارزه می‌کردند، یکبار دیگر تحقق یافت.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) صمیمانه‌ترین درودهایش را نثار کارگران و کارمندان مبارز و انقلابی کارخانه کربن — این رزمندگان جبهه تولید — می‌کند و برای تضمین تداوم تولید و اثربخشی اقدامات انقلابی کارگران کربن به کارکنان، مسئولین کارخانه و همچنین مقامات استانداری خوزستان هشدار می‌دهد:

۱— با هشیاری انقلابی مراقب لیبرالها بوده و توطئه‌های آنها را خنثی کنند مقامات استان و مدیران مسئول کارخانه به خود آیند و بیش از این در مقابل مدیران لیبرال و کارشکن که مورد حمایت امپریالیسم هستند مماشات ننمایند.

۲— از آنجا که عمر استاندارد قطعات و ماشین‌های کارخانه به سر آمده و اغلب مستهلک شده و پوسیده‌اند، بایستی هرچه زودتر یدکی آنها تهیه و به کارخانه منتقل شود تا در صورت خراب شدن بلافاصله یدکی آن به کار گرفته شود.

۳— مدیران مسئول کارخانه، کلاس‌های آموزشی برای کارگران و فراگیری تعلیمات فنی و تکنیکی لازم را دایر و فراهم نمایند تا سطح دانش علمی و کارآئی فنی کارکنان افزایش یابد و بدین‌طریق از انحصاری بودن بعضی از تخصص‌ها، من‌جمله "نوشتن برنامه تولید" جلوگیری شود.

۴— برای مقابله با حملات احتمالی هوائی دشمن، پناهگاه‌های بتونی در نقاط مختلف کارخانه ایجاد گردد.

۵— کارخانه کربن باید هرچه زودتر ملی شود تا تداوم تولید بیش از پیش به حربه‌ای انقلابی و موثر علیه فشارهای اقتصادی امپریالیست‌ها، تخریب نظامی رژیم صدام و اخلالگری لیبرالها بدل شود. ■

تجار بزرگ همچنان حاصل دسترنج کارگران را به یغما می برند

کارخانجات نورد و لوله، با تولید سالیانه ۱۰۰ هزار تن ورق فولادی و لوله از جمله مهم‌ترین مراکز صنعتی کشور محسوب می‌شود. این مجتمع تنها واحد صنعتی ایران است که قادر به تهیه ورق فولادی می‌باشد. ورق تولید شده، مهم‌ترین ماده اولیه برای تهیه انواع پروفیل لوله، بدنه کولر، یخچال، بخاری و... است. صنایع داخلی به علت نیاز شدید به ورق، سالیانه با مقادیر معتنابهی کمبود مواد مواجه می‌شوند که این کمبود عمدتا از طریق وارد کردن ورق فولادی از خارج جبران می‌شده است. با تحریم و محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیست‌ها و درگیر شدن ایران در جنگ تحمیلی، وارد کردن ورق از خارج نیز متوقف شد که این امر بر کمبود این کالا در بازار داخلی دامن زد. در چنین شرایطی موجودی انبار کارخانجات نورد و لوله اهواز که بالغ بر ۳۲ هزار تن لوله فولادی بود، نظیر سرمایه‌داران و تجار بزرگ را به خود جلب کرد. این سرمایه‌داران پس از انجام مراحل اداری خرید در تهران، با این نیت که با خرید لوله و ورق و ایجاد کمبود مصنوعی و بازار سیاه می‌توان به سودهای کلان دست یافت، روانه اهواز می‌شوند. از آنجا که آنها (مطابق قانون تجارت موجود) می‌توانند برای یک هزار تن لوله، حواله خرید دریافت دارند و با توجه به نفوذ و بند و بستی که با دفتر مرکزی در تهران دارند و حتی گاه بیش از یک حواله نیز دریافت می‌کنند و با توجه به اینکه لوله هر کیلو ۶۰ الی ۷۷ ریال به آنان فروخته می‌شود و قیمت آن در بازار هر کیلو ۱۱ تومان است، با یک حساب سرانگشتی می‌توان به ابعاد غارت و چپاولی که این سرمایه‌داران و تجار بزرگ از دسترنج کارگران و زحمتکشان می‌برند، پی برد. تجاری که هزارتن لوله با نرخ کیلوئی ۷۰ ریال خریداری کرده و با فروش آن در بازار به‌نرخ فعلی بیش از ۴ میلیون تومان سود می‌برند، یقینا با احتکار موجودی فعلی انبارها و افزایش مصنوعی قیمت‌ها، سودی به‌مراتب بیش از این را عاید خود خواهند ساخت. این سود که چیزی جز حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان میهن ما نیست، با کمک هیئت مدیره کارخانجات نورد و لوله اهواز، دفتر مرکزی تهران و بویژه با برخورداری از "موهبتی" که دولت جمهوری اسلامی به واسطه تزلزلش در ملی کردن تجارت بزرگ نصیب سرمایه‌داران می‌کند، به قیمت فلاکت روزافزون زحمتکشان به جیب سرمایه‌داران و تجار بزرگ سرازیر می‌شود. براستی در شرایطی که کارگران و زحمتکشان مناطق جنگی و بویژه کارگران نورد و لوله، در زیر فشار اقتصادی ناشی از جنگ و خانه‌خرابی و آوارگی کمر خم کرده‌اند و بار اصلی جنگ را بر دوش می‌کشند، چرا باید هستی‌شان این‌چنین توسط مشتی سرمایه‌دار غارتگر به تاراج رود؟ دولت جمهوری اسلامی ایران باید بداند که آزاد گذاشتن تجار بزرگ و سرمایه‌داران در احتکار و سوداندوزی از طریق انبارداری و مبادلات عمده و افزایش بیش از پیش قیمت‌های تورمی، موجب تشدید فقر و تیره‌روزی توده‌های زحمتکش و بدبینی آنان نسبت به انقلاب می‌شود. دولت باید در چهارچوب شعار انقلابی ملی کردن تجارت خارجی و خلع ید از توزیع‌کنندگان عمده، هرچه زودتر از عمده‌فروشی لوله و ورق به تجار بزرگ جلوگیری به عمل آورده و فروش این کالاها را از طریق انبارهای دولتی خود راسا در اختیار گیرد و با در اختیار گرفتن توزیع عمده آن موجبات کاهش و تثبیت قیمت آن را فراهم آورد. دولت جمهوری اسلامی تنها با صحه‌نهادن بر شعارهای انقلابی زحمتکشان و خلع ید از سرمایه‌داران بزرگ از مالکیت‌های صنعتی، تجاری و... است که شایستگی‌اش را در برخورداری از حمایت بی‌دریغ زحمتکشان نشان خواهد داد. ■

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی — دمکراتیک خلقهای ایران

— بند «ج» قانون اصلاحات ارضی — باید اجراء گردد

زحمتکشان روستاهای سراسر کشور همچنان به‌ارسال نامه‌ها و طومارهای خود به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ادامه داده و خواهان اجرای هرچه سریع‌تر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی می‌گردند. تعدادی از این نامه‌ها به دست ما رسیده است که در زیر مشاهده می‌کنید:

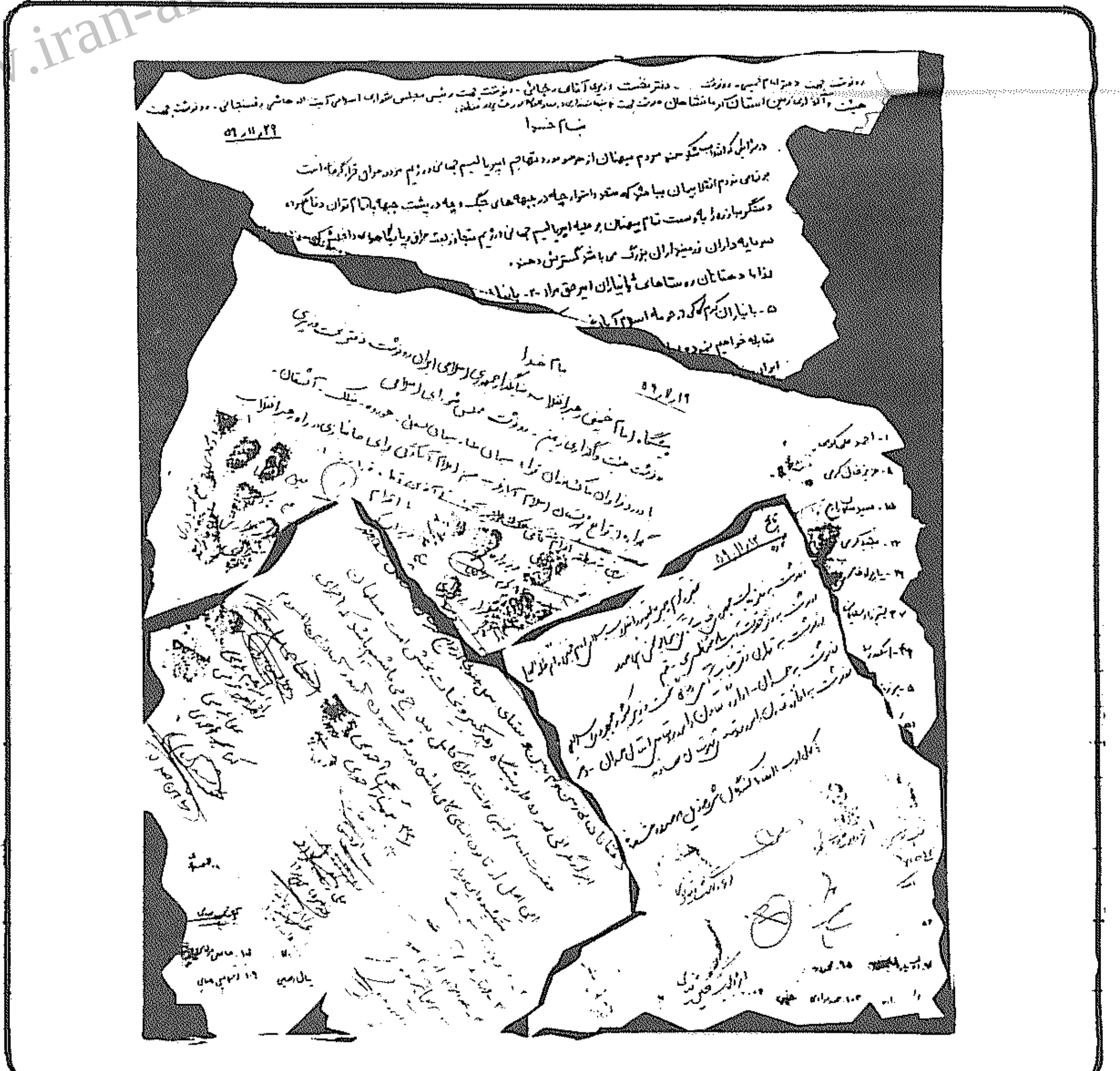
— زحمتکشان روستاهای **سیمانی‌علیا، سیمانی سفلی، هوروه، نیلک، آتشقان و گهواره** از توابع **اسلام‌آباد غرب** در نامه‌ای به حضور امام‌خمینی و مقامات مسئول دولتی، ضمن پشتیبانی از انقلاب و اعلام آمادگی برای مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و رژیم تجاوزگر صدام، متذکر شدند که سالهای متمادی زیر فشار ظلم و ستم فئودالهائی چون **جهان‌بخش فتاحی، علی‌یوسفی، پاشا یاسمی و داریوش یاسمی** به‌سر برده و خواستار آن شدند که با اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی دست این ضد انقلابیون از سر آنان کوتاه گردد.

— دهقانان‌زحمتکش‌روستای **کیان** از توابع **نهاوند** ضمن ارسال طومار طویلی که به امضای ۸۰۰ خانوار خوش‌نشین این روستا رسیده بود، به شرح فشارهای وارد بر خود پرداخته و خواستار آن شدند که هیئت هفت‌نفره واگذاری زمین، زمین‌های متعلق به فئودال‌ها را مصادره و در اختیار آنان قرار دهد.

— زحمتکشان روستاهای **بانیاران‌امیرحق‌مراد، بانیاران‌عزیزمراد، بانیاران میرزاحسین، بانیاران الهقلی و بانیاران‌کرم‌کاکی** از منطقه **گوران کرند غرب** طی طوماری که برای مسئولین جمهوری اسلامی ارسال داشتند ضمن حمایت از انقلاب و اعلام آمادگی برای مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و رژیم تجاوزگر صدام، خواهان ادامه فعالیت‌های هیئت هفت نفره واگذاری زمین و اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی شدند.

— دهقانان‌زحمتکش‌روستای **سمل‌جنوبی** از توابع **تنگستان‌بوشهر** طی تهیه طوماری که برای امام خمینی و مسئولین دولت جمهوری اسلامی ارسال داشتند، خواستار اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی‌شدند.

— نمایندگان روستاهای استان **هرمزگان** در هیئت هفت‌نفره واگذاری زمین پس از سمیناری که در روزهای ۲۱ تا ۲۳ بهمن ۵۹ در بندر عباس برگزار شد، نامه‌ای به حضور امام خمینی نوشته و ضمن برشمردن رنج‌ها و ستم‌هائی که طی سالیان دراز از طرف فئودال‌ها متحمل شدند، خواهان اجرای هرچه سریع‌تر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی شدند.



خبرهائی از روستاهای کشور

با اجرای بند (ج) مانع تعرض تازه خوانین و زمینداران بزرگ شویم!

جیرفت، کهنوج — بزرگ مالکان و هواداران تیمسار مدنی در منطقه کرمان که در اثر مبارزات دهقانان انقلابی عناصر ضدامپریالیست و نهادهای انقلابی متحمل ضرباتی شده‌بودند، به‌تدریج با حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم امام جمعه کرمان، دادگاه انقلاب کرمان و دفتر همکاری‌های رئیس جمهور در تهران، جان تازه‌ای گرفته و تعرض خویش را با به زندان کشیدن بخشداران "جبال بارز" و "ساردوئیه" آغاز کردند و با ادامه تعرض بر دیگر ارگان‌ها و عناصر انقلابی کمر به قتل آنها بستند. دو پاسدار اهل اسلام‌آباد کهنوج و دو دهقان زحمتکش را با شلیک گلوله کشتند و اتومبیل جهاد سازندگی را به گلوله بستند، شهادت "اکبر پناهنده" کارگزار چندپیشه شهرستان کهنوج که قبلا خبر آن درج گردید، از آخرین کارهای آنها می‌باشد.

این توطئه‌ها و تعرضات بزرگ‌مالکان علیه زحمتکشان تنها در حوزه قضائی نمی‌گنجد بلکه نشانگر حرکات وسیعی است که از جانب خوانین و بزرگ مالکان و حامیان آنها تقریبا در تمامی نقاط ایران علیه دستاوردهای انقلاب و برای به شکست کشانیدن آن آغاز شده است. زحمتکشان منطقه می‌گویند بخاطر اینکه خوانین و دیگر ضدانقلابیون را در منطقه سرکوب و جبهه انقلاب را تحکیم بخشیم باید:

۱— اصلاحات ارضی و بخصوص بند "ج" و "د" آن تا به آخر و پیگیرانه اجرا شود.

۲— سپاه پاسداران منطقه جیرفت و کهنوج به کلیه وسایل جهت مقابله با زمینداران بزرگ و مالکان تجهیز شوند.

۳— خوانین دستگیر شده و مجازات گردند.

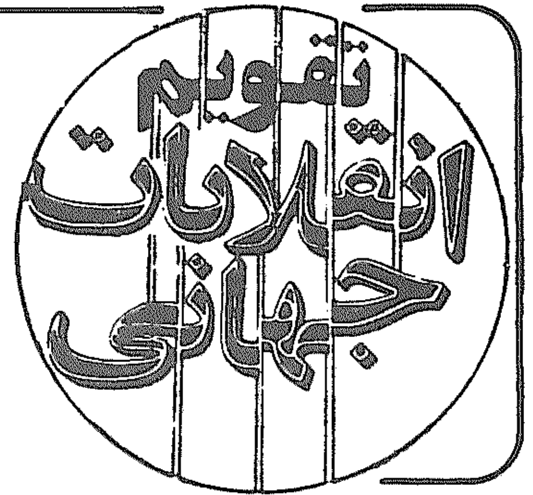
توطئه جدید بزرگ مالکان و سرمایه‌داران کرمانشاه را خنثی کنیم

کرمانشاه — یکی از توطئه‌های جدید ملاکان منطقه کرمانشاه انجام سفرهائی به منظور کسب حمایت از روحانیون می‌باشد. ملاکان، سرمایه‌داران بزرگ و روحانیون مرتجع منطقه، به دنبال نامه‌پراکنی‌ها و طومار—نویسی‌های قبلی، یک هیئت ۲۰۰ نفره متشکل از افرادی همچون سنجابی‌ها، معتضدی‌ها، معینی‌ها، عده‌ای از وکلای طاغوتی، رئیس ساواک یکی از شهرستان‌ها، رئیس یکی‌از بخش‌های شرکت نفت کرمانشاه و عده‌ای از سرمایه‌داران و تجار محتکر به‌سرکردگی آیت‌الله جلیلی را در اوایل بهمن‌ماه به منظور مقابله با هیئت‌های هفت‌نفره و جلوگیری ازاجرای بند "ج" به تهران و قم رهسپار کردند.

در تهران دفتر امام که از ماهیت این هیئت آگاهی یافته بود از پذیرفتن آنان خودداری کرد ولی این مرتجعین در ادامه سفر خویش به قم، با استقبال آیت‌الله گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی مرعشی مواجه شدند. اینها نیز بنوبه خود پس از اعلام همبستگی با دشمنان انقلاب و اعلام همکاری در جهت مقابله با هیئت‌های هفت‌نفره ودهقانان زحمتکش رای به "غیراسلامی" بودن بند "ج" اصلاحات ارضی دادند. از این دار و دسته تنها دو نفر پس از پافشاری زیاد با آیت‌الله منتظری ملاقات کردند که جواب مساعدی دریافت‌نداشته‌اند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ــ شماره ۱۰۳ ــ صفحه ۸



به مناسبت ۱۴ آوریل (۱۵ فروردین) ۱۹۴۵

روز رهائی کامل مجارستان از اشغال آلمان نازی و جنبش ملی مردم مجارستـــان

مجارستـــان: رهـائی از اسـارت فاشیسـم و پیشـــروی در راه سـوسیـالیســم

به‌دنبال شکست جمهوری شوروی مجارستان و به‌پایان رسیدن عمر ۱۳۳ روزه این دولت انقلابی جوان در سال ۱۹۱۹ (اندکی پس از انقلاب اکتبر روسیه) دیکتاتوری فاشیستی بر مجارستان حاکم شد. در فاصله بین دو جنگ، حکومت ارتجاعی "هورتی" که منافع بزرگ‌مالکان و اشرافیت مالی را نمایندگی می‌کرد، پای مجارستان را به‌تدریج به بلوک تجاوزکار فاشیستی کشانید. مجارستان "هورتی" در سال ۱۹۳۹ به پیمان "ضدکمینترن" و در سال ۱۹۴۰ به پیمان سه قدرت فاشیستی آلمان، ایتالیا و ژاپن پیوست. فاشیست‌های آلمانی نیز به هر اقدام ممکن برای ارضاء امیال غارتگرانه ارتجاعیون مجارستان دست زدند. نازی‌ها در مقابل حمایت حکومت مجارستان از بلوک فاشیستی به این حکومت اجازه دادند تا از تجزیه خاک چک‌اسلواکی استفاده کرده و قسمتی از اسلواک و مناطقی از بخش‌ماورای کارپاتی اوکراین را در اختیار خود بگیرد.

مجارستان "هورتی" به عنوان یکی از اقمار آلمان نازی در آوریل ۱۹۴۱ در حمله‌به‌یوگسلاوی و نیز در ژوئن همان سال در تهاجم خائنانه به اتحادشوروی شرکت کرد. در طول جنگ بر میزان سربازان مجاری در جبهه‌های شرقی بطور مرتب افزوده شد. بطوری‌که در نیمه دوم سال ۱۹۴۴ بین ۱۵ تا ۲۷ گردان مجاری در جنگ علیه ارتش سرخ شرکت داشتند.

اتحاد دولت ارتجاعی مجارستان با آلمان نازی و تهاجم علیه اتحادشوروی در تضاد بنیادی با منافع مردم مجارستان قرار داشت و بنابراین نمی‌توانست مورد تائید آنها باشد. بدین‌خاطر با پیشرفت جنگ و عیان‌شدن عواقب وخیم آن از یک‌طرف و گسترش مبارزه حزب کمونیست مجارستان در راه خاتمه جنگ و ایجاد جبهه متحدی از نیروهای میهن‌پرست دمکرات موج نارضایتی وسیعی علیه سیاست حکومـــــت ارتجاعی مجارستان و اربابان آلمانی آن به وجود آمد.

موج نارضایتی پس از شکست بزرگ نیروهای مجاری در سال ۱۹۴۳ و شکست نیروهای آلمانی در جبهه‌های شوروی دامنه بازهم گسترده‌تری یافت. اعتصابات کارگری مختلف و تظاهرات‌های توده‌ای ضدجنگ از علائم آشکار رشد شرایط انقلابی بودند. در چنین‌شرایطی، حکومت مجارستان برای نجات سرمایه‌داری درصورت شکست ائتلاف هیتلری دست به مانور بین دولت‌های امپریالیستی مختلف زد و تماس‌های مخفیانه‌ای با دولت‌های امریکا و انگلستان برقرار کرد. براساس این‌سیاست، مجارستان می‌بایست‌در اتحادباآلمان‌هیتلری‌بااتحادشوروی‌بجنگدولی در صورت شکست آلمان، از امریکا و انگلستان برای سرکوب جنبش توده‌ای و نجات سرمایه‌داری یاری گیرد. اما دولت فاشیستی آلمان از این مانور باخبر شد و مجارستان را به‌تلافی،تحت اشغال خود درآورد. آلمان نازی در این اشغال و تهاجم هدف اسارت کامل مجارستان، غارت ثروت‌های ملی مردم این کشور و استفاده از نیروی انسانی این کشور برای اهداف غارتگرانه و تجاوزکارانه خود را دنبال می‌نمود. در ۱۹ مارس ۱۹۴۴ هشت لشکر نازی به مجارستان حمله کرد و بدون روبرو شدن با هیچ‌گونه مقاومتی از طرف ارتش مجارستان،خاک این کشور را به اشغال درآورد. نازی‌ها حکومت مطیع‌تری را برای مجارستـــــان منصوب نمودند و کنترل کاملی بر نیروهای مسلح مجارستان برقرار کردند.

اشغال مجارستان توسط نازی‌ها، تشدید مقاومت ضدفاشیستی را به‌دنبال آورد. در ماه مه ۱۹۴۴ به‌ابتکار کمونیست‌ها، جبهه واحدی از تمام نیروهای مترقی مجارستان تشکیل گردید این جبهه هدف خود را استقلال ملی قرار داد. در پائیز همان سال به دنبال تشکیل جبهه واحد حزب کمونیست مجارستان موافقت‌نامه‌ای برای اتحاد عمل با حزب سوسیال دمکرات منعقد نمود در این هنگام‌تعداد گروه‌های پارتیزانی ضد فاشیستی که در داخل خاک مجارستان عمل می‌کردند از ده‌گروه تجاوز کرده بود.

اشغال فاشیستی مجارستان بیش از چند ماه طول نکشید ولی در همین مدت کوتاه، خسارات جانی و مالی عظیمی بر مردم مجارستان وارد ساخت و بالاخره در ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۴ با ورود ارتش سرخ به مجارستان، جریان رهائی این کشور از قید بندگی فاشیسم آغاز شد. ۱۴۰هزار تن از رزمندگان انترناسیونالیست ارتش سرخ در نبرد برای رهائی کامل خلق مجارستان از یوغ فاشیست‌ها و متحدان داخلی آنها جان خود را از دست دادند و در ۴ آوریل (۱۵ فروردین) ۱۹۴۵ مجارستان بطور کامل از یوغ فاشیســـم نجات یافت.

***

در جریان رهائی مجارستان از یوغ فاشیسم، تار و مار شدن نیروهای ارتش آلمان نازی توسط ارتش سرخ به بلوغ هرچه سریع‌تر شرایط انقلابی در این کشور یاری رسانید. در نوامبر ۱۹۴۴ حزب کمونیست مجارستان" برنامه بازسازی و تکامل دمکراتیک مجارستان" را منتشرکرد. به دنبال این اقدام، حزب کمونیست در راس "جبهه استقلال ملی مجارستان" به استقرار ارگان‌های قدرت خلق دست زد و اجرای وظایف انقلاب دمکراتیک را آغاز نمود.

انقلاب دمکراتیک مجارستان در جریان رشد و تکامل خود و در مبارزه‌ای شدید و حاد با نیروهائی که مخالف گام‌گذاشتن مجارستان در راه سوسیالیسم بودند، به انقلاب سوسیالیستـــــی فراروئید. این جریان در سال ۱۹۴۸ به پایان رسید. از آن زمان به بعد حکومت دمکراســـی توده‌ای انجام وظایف دیکتاتوری پرولتاریا را بر عهده گرفت و ساختمان سوسیالیسم را آغازنمود.

مردم مجارستان سوسیالیستی تحت رهبری "حزب سوسیالیست‌کارگری" با پشت‌سر گذاشتن مشکلات و عواقب ناشی از سلطه فاشیستی بر کشور و در مبارزه و غلبه بر گرایشات انحرافی و ناسیونالیستی که در صدد منحرف کردن مسیر پیشرفت سوسیالیستی بر می‌آمدند، در حال‌حاضر در راه ساختمان سوسیالیسم پیشرفته گـــــام برمی‌دارند.

مـا سی‌وششمین سالروز رهائی کامل مجارستان از اشغال فاشیستی و روز جشن ملی خلق مجارستان را گرامی داشته و برای خلق برادر مجارستان آرزوی موفقیت و دستاوردهای بازهم بیشتری می‌نمائیم. ■

بقیه از صفحه ۱

یاد شهید قاضی محمد فرزند راستین خلق...

قاضی محمد همواره براین حقیقت که آزادی خلق کرد تنها در چهارچوب ایرانی مستقل و آزاد معنی دارد، اعتقاد داشت. او نه‌تنها در عرصه اعتقاد و اندیشه بلکه در صحنه عمل نیز به این اصل وفادار بود. از این رو قاضی محمد تنها یک رهبر و رزمنده رهائی خلق کرد نیست بلکه دمکرات انقلابی بود که در راه رهائی همه خلقهای ایران از سلطـــه امپریالیسم و متحدان آن مبارزه می‌کرد و به تمام مردم ایران تعلق دارد.

مبارزه قهرمانانه قاضی محمد و یارانش با حکومت امریکائی شاه برای همه رزمندگان استقلال و آزادی ایران مایه الهام بوده است یکی از ویژگی‌های بارزقاضی محمد، این پایه‌گذار راستین حزب دمکرات کردستان‌ایران آن بود که مبارزه بـــــا امپریالیسم را وظیفه اصلی خلق کرد به منظور دستیابی به خودمختاری می‌شناخت. در دامن حزبی که او پایه‌گذارش بود، رزمندگان بسیاری که در مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن به شهادت رسیدند، پرورش یافتند. به همین دلیل هیچکس و هیچ نیروئی نمی‌تواند زیر پرچم شهید قاضی‌محمد نیات ضدانقلابی و اساسا متضاد با آرمان‌های قاضی‌محمد را به‌پیش برد.

راه قاضی‌محمد که راه مبارزه با دشمن اصلی خلق کرد و دیگر خلقهای یعنی مبارزه علیه امپریالیســـــم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و همه متحدان داخلی و خارجی آن است، ادامه دارد و هر روز شکوفان‌تر می‌گردد.

سازمان ما ضمـــــن گرامی‌داشت خاطره شهید قاضی‌محمد و یارانش از همه نیروها و عناصرصدیق‌دمکرات و از کلیه پیشمرگان کرد دعوت می‌کند که در حفظ اصالت آرمان و راه قاضی محمد با مسئولیت و هشیاری تمام بکوشند. توطئه‌هـــای باند قاسملو را که زیر نام این فرزند بزرگ خلق علیه مصالح خلقهای ایران و بیش از همه علیه خلق کرد اقدام می‌کنند خنثی و آنها را از صفوف خود طرد نمایند تا پاســدار واقعی آرمان مقدس قاضـــی محمد باشند.

با آشکار تر شدن رابطه قاسملو با رژیم عراق

بانـد قاسملو هرچه بیشتر منـزوی می‌شود

در پی پشت‌پا زدن باند قاسملو به مصوبات کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران که کوشش به‌خاطر حل صلح‌آمیز مسئله کردستان در چارچوب جمهوری اسلامی ایران و دفاع از انقلاب در مقابل توطئه‌های امپریالیسم را اساسی‌ترین وظیفه خود اعلام کرده بود. و همچنین در ادامه گسترش همکاری همه‌جانبه این دارو دسته با رژیم صدام و عناصر و نیروهای ضدانقلابی در کردستان و سراسر ایران در خرداد ۵۹ بخشی از رهبری حزب که به مصوبات کنگره‌پای بند مانده و سیاست باند قاسملو را خیانت آشکار به منافع خلق کرد و انقلاب ایران می‌دانست ، تحت عنوان حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) اعلام موجودیت نمود.

در آن‌هنگام باند قاسملو با توسل به حربه ارعاب ، شانتاژ و عوامفریبی تلاش نمودمواضـع "پیروان کنگره چهارم" را در نظر مردم مخدوش ساخته و با تحریک مردم ، آنها را به انزوا کشانیده و نابود سازد. در ماه‌های بعد همین کوشش ضدانقلابی از جانب باند قاسملو نسبت به سیاست‌های سازمان نیز درکردستان اعمـــال گردید. بسیاری از گروه‌های آنارشیست نیز در این حرکت ضدانقلابی علیه سازمان و پیروان کنگره چهارم، باند قاسملو را تشویق کردند. در آن روزها نشریات این گروهها انباشته بود از حمله به سیاست انقلابی و اصولی سازمان نسبت به مسئله کردستان.

از آن روزها تاکنون بیشتر از شش ماه نمی‌گذرد همین مدت زمان کوتاه کافی بود تا بطلان توهمات و شعارهای به‌ظاهر انقلابی و در واقع ارتجاعی و راست آنها را به اثبات رساند. جریانی که رهبری جنگ علیه دولت جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان دفاع از حقوق ملی خلق کرد به دست دارد، اکنون در موضعی قرار گرفته که حتی تحمل شنیدن انتقاد از نیروهای متحد خود را نیز ندارد و در پاسخ یک اعلامیه روز روشن و در وسط شهرستاد آنها را با کالیبر ۵۰ و آر. پی. جی درهم می‌کوبد. این جریانی است که در مقابل نارضایتی روزافزون مردم از سیاست‌هایش بیش از پیش به حربه سرکوب متوسل شده و با کمک وزارت جنگ عراق نقشه حمله به پادگان‌های منطقه را طرح‌ریزی می‌نماید. و این نیست جز ورشکستگی آشکار که منجر به انزوا و نابودی آن‌خواهد گردید. خوابی که باند قاسملو و سایر گروه‌های آنارشیست برای نیروهای طرفدار انقلاب در کردستان دیده بودند بیش از هر زمان دیگر نسبت‌به خود آنها مصداق یافته است و این سرنوشت تمام عناصر و نیروهایی است که بر خلاف مسیر و حرکت انقلابی تاریخ سمت‌گیری می‌نمایند.

در ماه‌های اخیر در ارتباط با پیام اول بهمن ۵۹ امام خمینی تعداد زیادی از افراد وابسته به باند قاسملو و سایر گروه‌های مسلح صحنه نبرد علیه جمهوری اسلامی ایران را ترک گفته و پیام آشتی و برادری آیت‌الله خمینی را استقبال کردند. امامتاسفانه هنوز دولت جمهوری اسلامی اقدامی جدی در جهت پاسخگوئی به مسائل کردستان نکرده است. در حالی که تامین حقوق عادلانه خلق کرد ، ضمن جلب اعتماد از دست رفته توده‌ها در کردستان بزرگترین حربه در مبارزه با ضدانقلاب است.

در روزهای گذشته چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی گروه قاسملو به‌همراه تعدادی از مسئولیـــن اعضاء و پیشمرگان صادق که بعد از مدتها کشاکش به ماهیت‌واقعی باند قاسملو پی برده بودند طی نامه‌ها و اطلاعیه‌هایی‌که در کردستان انتشار یافت ، جدایی خود را از باند قاسملو اعـــلام داشتند. در این اطلاعیه‌ها ، آنها ضمن نشان دادن وابستگی باند قاسملو به رژیم صدام و سیاست‌های امپریالیسم ، پشتیبانی خود را از انقلاب ایران و حل مسالمت آمیز مسئله کردستان در چارچوب جمهوری اسلامی اعلام نمودند. این افراد عبارتند از :

۱ــ رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه ترگور و مرگور

۲ــ جهانگیر اسماعیل زاده عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه سوماوبرادوست.

۳ــ قادر عبدی عضو کمیته مرکزی و مسئول سابق منطقه پیرانشهر.

۴ــ سنار مامدی عضو کمیته مرکزی و مسئول منطقه انزل و سلماس.

باند قاسملو که پیش از آن از تصمیم افراد فوق اطلاع یافته بود، با اعلام حکومت نظامی در منطقه و ترتیب دادن توطئه و توسل به دستگیری و زندانی ساختن مخالفین از اعلام رسمی انشعاب این افراد سرشناس جلوگیری می‌نماید. در نتیجه این توطئه‌ها تعداد بسیار زیادی از مخالفین توسط باند قاسملو دستگیر و زندانی شدند که در میان آنها افراد سرشناس نیز وجود دارند: قادر عبدی عضو کمیته مرکزی ، رحیم ملا (مسئول امور مالی سابق هیزی تاواره) ، پیروت اسکندری معاون‌هیزی‌تاواره ، زرارخشت‌زر کادر سیاسی ، سلیمان آریانپور معاون دوم هیزی تاواره ، رحیم امیری مسئول تشکیلات هیزی، محمد امین طاهری مامندامینی رحمان کسرائی ، سید خالد سیلوه باقی‌سبیل و قادرنامی. علاوه بر این افراد تعداد زیادی از پیشمرگان هیزی‌تاواره که پیش از آن رحمان کریمی فرمانده آنها بود ، دستگیر و خلع سلاح شدند. همچنین چندین نفراز هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در منطقه پسوه بازداشت شده‌اند.

رحمان کریمی . در جنگ پیرانشهر که در مهر ۵۹ با کمک وزارت جنگ عراق و همکاری باند قاسملو سازمان یافته بود، از دستور قاسملو مبنی بر حمله به پادگان پیرانشهر خودداری نمود و در نتیجه نیروهای دولتی در مقابله با ارتش صدام امکان یافتند در منطقه استراتژیک تمرچیان استقرار یابند. در این رابطه کریمی از جانب قاسملو شدیدا مورد توبیخ قرار گرفت و از فرماندهی هیزی‌تاواره برکنار گردید. جدایی این افراد که عموما از افراد سرشناس و ذینفوذ در منطقه می‌باشند ، ضربه سختی است بر پیکر پوسیده دارودسته قاسملو که به‌واسطه سیاست‌های ضدانقلابی‌شان هر زمان با بحران‌های بیشتری مواجه خواهد گردید. اعلام جدایی‌رحمان کریمی و سایر همفکران وی بدون شک گامی است در جهت تقویت نیروهای انقلابی مدافع حقوق واقعی خلق کرد. آنها در آخرین اطلاعیه همبستگی خود را با حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) اعلام کرده‌اند. سازمان ما از موضع ترقیخواهانه آنها علیه باند قاسملو قاطعانه حمایت می‌کند.

ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که دولت جمهوری اسلامی ایران در سال جدید باید بر خلاف گذشته در جهت‌تامین حقوق ملی خلق کرد و برقراری صلح و آرامش در کردستان که ضرورت انقلاب ایران است ، گام بردارد. بدون‌شک هر گامی که دولت در این زمینه به پیش بردارد ، ضمن تضعیف ضدانقلاب با حمایت مردم و نیروهای مدافع انقلاب همراه خواهد بود. دفاع از نیروهای طرفدار صلح در کردستان ، دفاع از انقلاب ایران است ما همچنان که در پیام نوروزی سازمان تاکید کرده‌ایم ، حل عادلانه مسئله‌کردستان و تحقق خواسته‌های عادلانه خلق کرد ضامن یکپارچگی میهن و وحدت مردم مبارز ایران است و برای انقلاب ایران اهمیت حیاتی دارد. دولت جمهوری اسلامی و همه نیروهای جمهوری اسلامی که خواهان استقلال و یکپارچگی ایران‌اند ، لازم است که شرایط حساس کردستان را درک کنند و فرصتی را که به‌ویژه در شرایط امروز برای حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و انزوای ضدانقلاب در این منطقه از میهن به‌وجود آمده است ، غنیمت شمارند.

در زیر متن دو سند افشاگرانه‌ای را که توسط رحمان کریمی و دوستانش علیه باند قاسملو و در دفاع از مواضع ترقیخواهانه خود منتشر ساخته‌اند، می‌آوریم ما درآینده اسناد باز هم بیشتری در این مورد در نشریه کار درج خواهیـــم نمود.

دوستان عزیز کاک دکتر شرفکندی‌ه کاک مصطفی شلماشی (درون حزبی)

نامه شما را دریافت کردم. کارهایتان بسیار ماجراجویانه است. برادر عزیز این ژنرال بازی‌ها را کنار بگذارید. به آینده این خلق ستم‌دیده بنگرید. از قرار معلوم همین استدلال‌های منفی و سفسطه‌بازی‌های از تفکر علمی دور برای اقناع مردم می‌آورید ، عجیب است. می‌ترسم در این چند روز دیوانه هم شده باشید. چون تصور نمی‌کردم هیچ‌کدامتان دروغگو باشید.

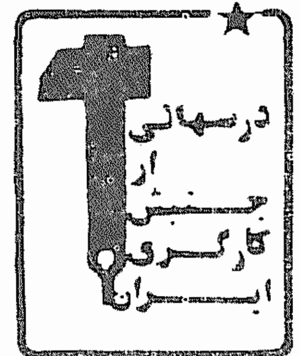
کاک مصطفی از یک طرف برایم نامه نوشتی که حتی بدون تفنگ می‌آیم. از طرفی هم جاش‌های بعثی را جمع کرده و به‌قصد لشگر کشی آمده‌ای. رفیق خداوند عقل بیشتری به شما بدهد! اگر منطق نبود، فریب و زور هست!

کاک‌دکتر و کاک‌مصطفی دفتر به اصطلاح سیاسی‌تان بازهم حکم داده ، خیلی خوب ما این حساب‌ها را روزی در محضر خلق قهرمان کرد و انقلابیون این خلق خواهیم کرد. بازهم تذکر می‌دهم ما قصد دستگیری شما را نداشته‌ایم چون شماها را عروسک‌های کوکی بیشتر به حساب

بقیه در صفحه ۲۰

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانـه درکردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ـ شماره ۱۰۳ ـ صفحه ۱۰



شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری

(قسمت هفتم)

در شرایطی که سندیکای انقلابی هنوز به‌وجود نیامده ولی به‌عوض آن کمیته فابریک به‌مثابه پایه عینی آن کم و بیش شکل گرفته است و عملکرد عمدتا مضمونی صنفی ـ طبقاتی دارد، کارگران می‌توانند با این اهرم صنفی ـ طبقاتی به‌تدریج سندیکاهای انقلابی را پایه‌ریزی کنند. ضمن آنکه نمایندگان آنها در تشکل‌های مدیریت واحد نیز برای اداره امور واحدها شرکت و نظارت فعاله می‌توانند و باید داشته باشند و به‌اتکای منافع صنفی ـ طبقاتی‌شان نظم انقلابی در واحدها را تامین نموده و در جهت تداوم تولید و پایه‌ریزی استقلال اقتصادی بکوشند.

این مسئله که شوراهای موجود تشکل‌های صنفی طبقاتی کارگران نبوده و نیستند، حقیقتی مسلم بوده و هست. ولی گفتن این حقیقت ما را از ارائه رهنمودهای عملی بی‌نیاز نمی‌گرداند، همراه با این حقیقت که شوراهای موجود تشکل صنفی ـ طبقاتی نیستند یک واقعیت نیز وجود داشته و دارد و آن این است که توده کارگران بنا به دلایل عینی بسیاری‌امر مبارزه به‌خاطر مطالبات صنفی ـ سیاسی روزمره خود را عمدتا از طریق همین شوراها پیش برده و می‌برند. بنابراین پایه‌ریزی تشکل‌های سندیکائی مناسب‌ترین زمینه عینی خود را در همین تشکل‌های مبارزاتی داشته و دارد. کارگران انقلابی باید در همین شوراهای موجود با مضمون متناقض و دوگانه‌شان به‌نحوی پیگیر و مستمر شرکت جسته و روند ایجاد تشکل سندیکائی کارگران را تسریع نموده و سازماندهی کنند. وحدت و تشکل صنفی ـ طبقاتی کارگران در جائی نکوین می‌یابد که مبارزه به‌خاطر مطالبات صنفی ـ طبقاتی بطور عینی در آنجا جریان داشته باشد. **و واقعیت آن است که این مبارزه در طول دو ساله پس از انقلاب بیش از هر جا در همین شوراها جریان داشته است و نه در تشکل‌های صنفی ـ طبقاتی‌ای که می‌بایست و باید به‌تدریج شکل بگیرد.**

بدون تردید عدم موضع‌گیری در قبال شوراها در کنار تبلیغ یکجانبه تشکل‌های صنفی، عملا بر پیشداوری‌های موجود (در ذهنیت توده کارگران) دامن زده و برداشت‌های مخدوش کارگران و نیروهای انقلابی غیرپرولتری را از سندیکا و مبارزه سندیکائی تقویت نموده و می‌نماید. این بود عمده‌ترین وجوه خطاهای دیدگاه «حزب توده» از تشکل‌های کارگری. و اما آنچه که به بینش سازمان ما و سهم ما در مخدوش کردن مفاهیم اصولی و واقعی این تشکل‌ها مربوط می‌شود، به‌قرار زیر است:

سازمان ما در نخستین ماه‌های پس از انقلاب به‌منظور پاسخ به مطالبه عینی وحدت و تشکل در صفوف طبقه‌کارگر، ابتدا به‌درستی بر ضرورت تشکل صنفی ـ طبقاتی (سندیکایی) کارگران تاکید کرد و آن را درمرکز ترویج و تبلیغ خود قرار داد. در همین رابطه توسط سازمان ما در اسفندماه ۵۷ جزوه‌ای با عنوان "بحثی درباره سندیکا" انتشار یافت که در آن بر این موضوع چنین تصریح شده بود:

" **واضح است که در مقابل زورگویی‌ها و غارتگری‌های سرمایه‌داران، کارگران باید وسیله مقاومتی داشته باشند. این وسیله همانا تشکیلات کارگری است که ابتدائی‌ترین شکل آن همان سندیکاست. زیرا در این صورت کارفرما نه با کارگران پراکنده بلکه بااتحاد متشکل آنها روبروست".**

در همان زمان مشخص بود که طرح مجرد تشکل‌یابی صنفی ـ طبقاتی کارگران به‌خودی خود نمی‌توانست پاسخگوی مسائل و نیازهای مبرم جنبش کارگری میهنمان باشد. در آن زمان شوراها به‌سرعت پروسه تکوین و گسترش خود را طی می‌کردند و کارگران در ابعاد توده‌ای خود بطور عینی در آنها متشکل می‌شدند. سازمان ما هم‌بنا بر نقش موثر خود در جنبش کمونیستی ـ کارگری میهنمان نمی‌توانست بدین پدیده بی‌اعتنا و بی‌تفاوت باشد و لذا ایجاد تشکل‌های شورایی را به‌مثابه مبرم‌ترین وظیفه به کارگران توصیه نمود. سازمان اگرچه در ابتدا، در فعالیت تبلیغی و عملی خود به مضمون و خصلت دوگانه این شوراها بطور مبهم اشاره داشت ولی این توجه در حد اشارات مبهم باقی‌ماند. زیرا پایه‌های تئوریک مضامین سندیکائی و شورائی و کمیته‌های فابریک برای ما روشن نبود و توجه سازمان به این قانونمندی سازمان‌یابی کارگران در این تشکل‌ها پیش از آنکه آگاهانه و مطابق برنامه باشد، خودانگیخته و ناشی از فشار جنبش کارگری بود از این رو به‌تدریج، هم‌روند با تشدید تضاد بین شوراها و دولت موقت لیبرال‌ها بر سر چگونگی اداره واحدهای تولیدی و صنعتی و تغییر نسبی توازن موجود بین وجوه متفاوت فعالیت آنها به سود وجه شورایی این وجه از فعالیت آنها، به‌گونه‌ای یکجانبه در مرکز تبلیغ و ترویج قرار گرفت و هم‌زمان با آن ضرورت اتحاد صنفی طبقاتی کارگران عملا و به‌تدریج و بیش از پیش در هاله ابهام ماند. این امر حتی تا بدانجا پیش رفت که **از یک سو اهمیت تشکل سندیکایی طبقه کارگر اساسا مورد نفی و انکار! قرار گرفت و از سوی دیگر شوراهای موجود اهرم شرکت طبقه کارگر در قدرت سیاسی دانسته شد.**

" آیا در این مرحله سندیکا می‌تواند جوابگوی خواست‌های‌ما باشد و یا اینکه ما نیاز به تشکیلات جدیدی داریم که بتوانیم به‌توسط آن در دولت شرکت کنیم و نمایندگان واقعی خود را برای دفاع از حقوق کارگران انتخاب کنیم. این تشکیلات جدید همان شورای کارگری است که تا به‌حال در برخی از کارخانجات تشکیل شده است".

(کار شماره ۱۵)

چنین موضعی در قبال تشکل‌های شورایی جدا از آنکه متاثر از اغتشاش موجود در مضمون عملکرد آنها از سویی و برآمد عینی وجه شورایی فعالیت آنها در مقاطعی، از سوی دیگر بود، در اساس ناشی از علل و عواملی بودکه ذیلا نقل می‌کنیم:

اولا: عدم درک عمیق و همه‌جانبه ضرورت تشکل سندیکایی طبقه کارگر به‌مثابه وسیله‌ای ضرور برای دفاع از منافع صنفی ـ طبقاتی کارگران، تامین وحدت و یکپارچگی در صفوف طبقه کارگر و افزایش وزن و اعتبار آن در روند انقلاب.

ثانیا: نداشتن درک نظری و شناخت عملی صحیح از "سندیکا"، "کمیته فابریک"، "شورای واحد (مدیریت)" و "شورای قدرت" و از کاراکتر، نقش مضمون وظایف مبانی فعالیت هر یک و چگونگی مناسبات متقابل بین آنها.

ثالثا: نداشتن تصویر صحیح و عینی از سرشت و مضمون دوگانه "شوراهای موجود" و درآمیختن مفهوم آنها با "شوراهای واحد" و حتی "شوراهای قدرت".

رابعا: برآورد ذهنی از ظرفیت انقلابی شوراهای موجود بر زمینه ارزیابی نادرست از آرایش و توازن واقعی قوای طبقات.

در واقع درکی که سازمان ما در این زمان از شوراهای موجود داشت. بیش از آنکه انعکاس مبارزه قانونمند پرولتری بوده و از اصول علمی ناظر برآن تاثیر پذیرفته باشد، بازتاب خودانگیختگی حاکم بر جنبش کارگری بوده و از واقعیات پراکنده‌ای که در این یا آن واحد تولیدی جریان داشته، متاثر بوده است. برآمد عمل مستقیم انقلابی کارگران تا حد اداره مستقل تعدادی‌از واحدهای تولیدی توسط شوراها، موجداین توهم گشته بود که این تشکل‌ها در مجموعه خود، ارگان‌های اعمال کنترل کارگری! بر موسسات تولیدی بوده و حتی از آن فراتر کارگران می‌توانند و باید، با اتکاء به‌آنها، در قدرت دولتی موجود نیز شرکت جویند.

چنین بینشی با تکیه بر اسلوب غیرعلمی تعمیم ویژگی‌های خاص به قوانین عام و اخذ نتایج دلخواه از روندهای عینی، در تداوم خود اعلام نمود که:

" **شوراها این نطفه‌های اعمال اراده توده‌ای باید به ارگان‌های حاکمیت تبدیل گردند و دولت نوع جدید را به وجود آورند".**

(نبرد خلق ـ مرداد ۵۸ ـ صفحه ۳۰)

تذکر این نکته در همینجا لازم است که اگر چه در این مقطع سازمان ما همچنان به ایده تشکل صنفی ـ طبقاتی کارگران اشاره داشت لیکن توجه به آن هرگز از حیطه ترویج مجرد مبانی تئوریک آن (مقالهٔ "درباره اتحادیه" شماره‌های ۶ و ۷ نبرد خلق) به عرصه عمل مشخص، آگاهانه و هدفمند برای پایه‌ریزی آن وارد نشد و آنچه که عملا در این زمان، در مرکز فعالیت تبلیغی سازمان قرار داشت و به آن تکیه می‌شد، رهنمود کارگران برای تشکل در "شوراها"یی بود که مضمون فعالیت آنها را از دیدگاه سازمان فوقا اشاره کردیم.

ضمنا تاکید بر این نکته نیز ضروری است که یکی از عوامل موثر در طرح و تبلیغ پیگیرانه شعار "شوراها" به مثابه پایه "سازمان قدرت" عدم شناخت صحیح از ترکیب و ماهیت طبقاتی حاکمیت، ارزیابی نادرست از انقلاب بهمن و روند و سمت آتی تحول و پیشرفت آن بود. این موضع‌گیری عملا تا مقطع تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و برآمد ضدامپریالیستی وسیع توده‌ها تداوم یافت.

تسخیر لانه جاسوسی و سقوط دولت موقت لیبرال، هم‌زمان با تحولات ایدئولوژیک سازمان از دو نظر بر کیفیت مواضع سازمان در قبال تشکل‌های شورایی موجود اثر نهاد. از یک سو این رویداد، سنگین‌ترین ضربه را بر بنیاد ارزیابی نادرست سازمان از انقلاب و چشم‌انداز آن وارد آورد و اساس شناخت توهم‌آلود آن را از ماهیت طبقاتی جناح‌های گوناگون حاکمیت تغییر داد و این خود سبب شد تا سازمان به عمق خطای موجود در درک خود نسبت به "شوراها" پی ببرد. از سوی دیگر خیزش عظیم ضدامپریالیستی میلیون‌ها توده خلق، در سراسر ایران که بیانگر تعمیق خصلت ضدامپریالیستی

بقیه در صفحه ۱۹

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ـ شماره ۱۰۳ ـ صفحه ۱۱

باندهای سیاه را افشاء کنیم

کارنامه سیاه آقای فهیم کرمانی

از آنجائی که هدف ما در این ستون نشان دادن عملکردهای ضدانقلابی ، تروریستی و سرکوبگرانه سازمان‌یافته باندها و عناصر ضدانقلاب و یا در خدمت ضدانقلاب است ، این شماره را به افشای عملکردها و کارنامه سیاه آقای " فهیم کرمانی " حاکم شرع دادگاه انقلاب اختصاص می‌دهیم . زیرا با توجه به اثرات و نتایج مخرب اعمال ایشان که عملا و به شکلی گسترده در خدمت ضدانقلاب و باندهای سیاه قرار گرفته است ، اعمال ایشان را می‌توان در ردیف عملکردهای ضدانقلابی باندهای سیاه دانست . ترور دبیر مبارز "علی‌فدائی" و پیآمدهای آن نیز در این اواخر بر این واقعیت صحه می‌گذارد . ضمنا رفقای هوادار سازمان در جزوه‌ای تحت عنوان " خواسته‌های اصلی مردم از انقلاب و کارنامه سیاه آقای فهیم کرمانی " به افشاء چهره و کارنامه سیاه فهیم کرمانی پرداخته‌اند .

عملکردهای آقای " **فهیم‌کرمانی** "مجموعا در خدمت ضدانقلاب است ایشان که‌دادگاه اسلامی کرمان را به بیدادگاه فرمایشی خویش تبدیل ساخته است تاکنون جز تقویت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ حز تقویت باندهای سیاه ، ساواکی‌ها وعناصر خودفروخته ، جز دفاع از منافع فئودال‌ها و خان‌های مرتجع جز سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی کاری انجام نداده است . برای ترسیم چهره این فرد کافی است ورق‌های سیاه پرونده قطور اعمال ضدانقلابی ایشان را ورق بزنیم .

او در اولین جلسه دادگاه انقلاب اسلامی کرمان ، ساواکی‌های خودفروخته‌ای نظیر **سرهنگ معتمد** که در آتش زدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم دست داشتند آزاد کرد و در پاسخ اعتراضات مردم نسبت به این عمل ، مزورانه اعلام می‌کند که آنها شاکی نداشتند !؟

با دفاع از فئودال‌های منطقه ، خان‌های مرتجعی چون " **توکلی** " " **ابوسعیدی** " و فاریابی ساواکی را بدون قید و شرطی آزاد کرده و در مقابل دهقانان و زحمتکشان منطقه به حمایت از جنایتکاران سرگردنه‌گیری مانند " **نظرخان فارویی** " " **شیرانی** " و " **مالکی‌ها** " و دیگر خان‌های مرتجعی برمی‌خیزد که دهها هزار دهقان زحمتکش را چپاول کرده و با مالکیت غاصبانه خویش بر بزرگترین اراضی حاصلخیز آنان ریشه بیکاری فحشاء و اعتیاد را آبیاری کرده‌اند .

با هیئت‌های هفت نفره واگذاری‌زمین به هنگام تقسیم اراضی فئودال‌های غاصب در جیرفت ، درگیرشده آنها رابه محاکمه تهدید می‌کند و به پاسداران مبارز جیرفت که تاکنون در نبرد با فئودال‌ها و عوامل ضدانقلاب منطقه چندین شهید داده‌اند ، برخوردی خصمانه کرده و حمایت آنها رااز هیئت‌های هفت نفره و مقابله‌شان را با فئودال‌ها مورد نکوهش قرار داده است . در بیدادگاه فرمایشی خویش از " **عباس خان** "ارباب ظالم ده خرپشت جیرفت حمایت کرده و دهقانان زحمتکش جوانان مبارز انقلاب آن روستا را به محاکمه می‌کشد .

آقای " **فهیم** " به جای مبارزه با سرمایه‌داران و تجار بزرگ به حمایت از آنها برخاسته و به نوبه خود از حمایت مادی و معنوی‌تجار بزرگی مانند " **حاجی کارتی** "برخوردار بوده است . در این اواخر پس از اینکه صاحبان کوره‌پزخانه‌ها ، کوره‌ها را تعطیل کردند آقای " **فهیم** "به جای آنکه صاحبان کوره‌پزخانه‌هارا که با تعطیل کوره‌ها عامل اصلی بیکاری‌و فحشاء و ... هستند ، به محاکمه بکشد ، برعکس ماموران خود را به محل کوره‌ها فرستاده و کارگران مبارز و معترض را تهدید به محاکمه می‌کند .

همواره کارگران مبارز راکه‌به‌خاطر اضافه کار یا دستمزد ناچیز خود علیه سرمایه‌داران مبارزه کرده‌اند ، تهدید به زندان ، اعدام و یا اخراج نموده و در این رابطه سوابق ننگینی دارد نمونه آن برخورد ایشان با کارگران و کارکنان ذوب‌آهن ، ممانعت از تشکیل شوراهای آنها زندانی کردن نمایندگان کارگران و حمایت از " **سالور** " و سایر روسای ضدانقلابی ذوب‌آهن است .

به مقابله با بخشداران انقلابی "ساردونیه" و " حیالبارز " که‌مردم را علیه فئودال‌های ساواکی آگاه می‌ساخته‌اند ، پرداخته و آنها را بازداشت می‌کند .بخشدار انقلابی " حیالبارز" را بدون مجوز قانونی یک‌ماه در زندان نگاه می‌دارد و آنها را از کرمان تبعید می‌کند .

آقای " **فهیم** " علیه شوراهای مردم هر کجا که توانسته اقدام نموده و علیه حقوق سیاسی ـ صنفی مردم به وحشیانه‌ترین شکلی عمل کرده است . ازجمله در اواخر آذر ماه دراجتماع فرهنگیان با کمال وقاحت به آنان حمله‌ور شده و می‌گوید :

" دردهان آنهایی که بحث سیاسی در مدارس می‌کنند باید سرب داغ ریخت و آنها را به قبرستان مفسدین فرستاد . "

به جای مبارزه واقعی که همان مبارزه با سرمایه‌داران و فئودال‌هاست با سنگسار کردن فجیع چند نفر از فواحش که خود قربانی نظام طبقاتی هستند با تظاهر به مبارزه علیه فحشاء از یک سو بر علل اجتماعی آن که همان زمینداری بزرگ و سرمایه‌داری است ، سرپوش نهاده ، از سوی دیگر بهترین سوژه تبلیغاتی را علیه انقلاب و رهبری آن برای امپریالیست‌ها و لیبرال‌ها فراهم آورد .

آقای " **فهیم** " در تمام موارد دستگیری عناصر سیاسی و مبارز همه آنها را مورد تفتیش عقاید قرار داده و به وحشیانه‌ترین‌شکلی مورد بازجویی قرار داده و شیوه‌های ارعاب و تهدید ساواک را به خدمت گرفته است . و تاکنون نیز انقلابیونی چون رفقا " **علي ميرشكاری** " ، " **محمدرسول عزیزیان** " ، " **صديقي‌پور** " را در بیدادگاه فرمایشی خویش تفتیش عقاید کرده و تنها به جرم عقیده محکوم به اعدام نموده است حتی در مورد فدایی شهید " **محمدرسول عزیزیان** " از آنجا که نتوانست مدرکی ارائه دهد بیشرمی رابه جایی رساند که بطری آب خوردن را که از یخچال او برداشته بودند ، به عنوان بطری مشروب ضمیمه پرونده او کرده . تا بدین وسیله اعدام او را توجیه کنند !؟

همچنین داردوسته آقای " **فهیم** " همواره به تحریک و فرمان وی به اجتماعات دانشجویان انقلابی حمله کرده و نمایشگاه‌های ضدامپریالیستی مجامع مترقی و ...را برهم زده

بقیه در صفحه ۱۹

ضدانقلاب را افشاء کنیم

افراد مشکوک درکمیته میاندوآب

میاندوآب ـ در راس کمیته میاندوآب‌افراد مشکوک و ضدانقلابی چون " **غلام‌نژاد** " "**زیاد** " " **مهراب** (**برادرحاجی جمشید**) و اعوان و انصارشان قرار دارند که هدفی جز ایجاد درگیری و تشنج و دامن زدن‌به جنگ برادر کشی بین‌کردو ترک ندارند .

خوانین بلوچستان باید دستگیر شوند

بلوچستان ـ بازماندگان خانواده " **علم** " وزیر دربار شاه خائن با همکاری خوانین و افغانی‌های مزدور مسلح و ضدانقلابیون فراری دست در دست هم مشغول توطئه علیه انقلاب ایران هستند . این جنایتکاران به طرق گوناگون زحمتکشان منطقه را که حاضر به همکاری با آنان نیستند ، زیر فشار قرار داده‌اند .

خوانین: "ما را مسلح کنید"!!

کهگیلویه ـ خوانین کهگیلویه که تعداد زیادی از آنان پس از انقلاب دستگیر و سپس‌آزاد شدند جلساتی در " **کلک** " از توابع بهبهان تشکیل داده‌اند . آنها از دولت تقاضای اسلحه کرده‌اند و می‌گویند :

" چون خوانین کردستان و بلوچستان مسلح هستند ، خوانین جنوب نیز باید مسلح شوند " !!

همکاری نزدیک گروه(شیت) با حزب رنجبران

کرمانشاه ـ گروهی از عناصر معلوم‌الحال سه‌جهانی که در حزب رنجبران متشکل شده‌اند با سردمداران باند سیاه " **شیت** " درخانه دکتر " **شمسی پور** "(شوهر خواهر **سیاوش کرم** کاندیدای حزب رنجبران) جلساتی توطئه‌آمیز ترتیب می‌دهند . در این جلسات " **سیاوش کرم** " ، " **هادی میرمعینی** " ، **جعفر کرم** (**برادر سیاوش کرم**) ، **صادق کرم** (**برادر سیاوش‌کرم معروف به صادق شیت**) ، **شاهرخ دایی‌پور** ، **رمضان رحیمی** ، **جلیل کرم** (پسر عموی سیاوش کرم) **امیر کرم** (پسر عموی سیاوش کرم) ، **مرتضي ارشادی و مجتبي ارشادی** شرکت کردند .

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ـ شماره ۱۰۳ ـ صفحه ۱۲

اخبار شهرستان‌ها

برخوردهای خونین در بندرعباس و قزوین و شهرهای شمال زمینه‌ساز توطئه‌های جدید است

وقایعی که از یک ماه‌ونیم پیش در بندرعباس با ایجاد اغتشاش و درگیری از جانب گروهک‌ها و اقدامات غیر مسئولانه بعضی‌از مقامات و نهادها (آشوب‌طلبی‌های عناصری همچون **آقای شریفی** و ...) جریان داشت با ترور یکی از هواداران مجاهدین در آخرین روزهای سال گذشته ، ابعاد تازه‌ای یافت . مادر شماره‌های گذشته نشریه کار در رابطه با اوضاع متشنج این شهر و ضرورت برخورد مسئولانه با نیروهای انقلابی و مقابله منطقی با گروه‌های چپ‌رو و لیبرال‌ها مطالبی نوشتیم . اما متاسفانه برخوردهای تنگ ـ نظرانه و نسنجیده بعضی از مسئولان و نهادهای انقلابی و تشخیص ندادن دوست و دشمن از هم و نیز توطئه‌های سازمان یافته ضد انقلاب بر ناآرامی و تشنج در بندرعباس افزوده است . این وضعیت هم اکنون در بسیاری از شهرها از جمله شهرهای شمالی کشور حکمفرماست . در این میان عده‌ای از پاسداران و مسئولان شهرها نیزبه دام این تحریکات می‌افتند و با اعمال تنگ‌نظرانه و نادرست کار را به خشونت‌و زد و خورد می‌کشانند باندهای سیاه ، عناصر مشکوک و ساواکی به همراه لیبرال‌ها نیز بهترین فرصت را برای ضربه زدن به انقلاب و بهره‌برداری از اوضاع بدست می‌آورند .

جنایات توطئه‌آمیزی که در اواخر سال گذشته در بندرعباس ، لاهیجان قزوین (دستگیری تعداد زیادی از هواداران مجاهدین و ترور یکی از آنها) و چندین شهر دیگر به وقوع پیوست نشانه‌های تازه‌ای از به آشوب کشاندن شهرها و رویارویی نیروها دارد . در ایام عید در رامسر و تنکابن و چند شهر شمالی دیگر نیز درگیری‌هایی وجود داشت که اگر ادامه یابداین مناطق را به آشوب خواهدکشید . این درگیری‌ها و نتایجی که به دنبال خواهد داشت بهترین خوراک برای ضدانقلاب و لیبرال‌هاست . بی توجهی و ندانم‌کاری مسئولان جمهوری اسلامی که تاکنون بیشترین ضربه را به اتحاد نیروهای انقلابی و موجودیت انقلاب وارد آورده ، چنانچه مانند گذشته ادامه یابد ، معنایی جز زمینه‌سازی برای توطئه‌گران نخواهد داشت .

اهواز ـ بازداشت و محاکمه نیروهای انقلابی تنها امپریالیسم امریکا و لیبرالها راخشنود می‌کند

دادگاه انقلاب اسلامی اهواز سه تن از رفقای ما به نام‌های **علی مهداد** ، **اردشیر سراج** و **محمود رضوان** را به اتهام شرکت در وقایع یک سال گذشته دانشگاه اهواز به حبس‌هایی از ۳ماه تا ۲ سال محکوم کرد ! این عمل ، گذشته از واهی بودن اتهامات و ناعادلانه بودن محاکمه نشانگر سیاست کینه‌توزانه و انتقام‌جویانه مسئولان دادگاه اهواز است . محاکمه و به زندان افکندن نیروهای انقلابی ، در شرایطی که دشمن متجاوز با موشک‌و خمپاره مردم عادی را در کوچه و خیابان اهواز ودیگر شهرها به خاک و خون می‌کشد ، جز شکاف انداختن میان صفوف خلق و شاد کردن دشمن ، نتیجه دیگری دربر ندارد . کسانی که دستشان به خون پاک پزشک فداکار فدایی خلق **دکتر نریمیسا** و کارگر پیشرو رفیق **ناصر بهرامی** و تعدادی دیگر از انقلابیون آغشته است کسانی که در وقایع دانشگاه اهواز نیروهای انقلابی را در سالن شهرداری و بازداشتگاه زرگان به گلوله بستند و اجساد غرقه به خون آنان را به کنار رودخانه کارون انداختند کسانی که صحنه‌های دلخراش از جنایت و قساوت آفریدند و ... یا همچنان بر مسند قضاوت‌اند ! و یا آزادانه‌در شهر گردش می‌کنند و آن وقت به جای آنکه در این شرایط حساس تمام نیروها در جهت مبارزه با دشمن مشترک بسیج شوند ، پرونده‌های واهی یک سال پیش به میان کشیده می‌شود و نیروهای مبارز به میز محاکمه کشانده می‌شوند !!

هم اکنون تعداددیگری از رفقای ما که هواداران راستین انقلاب‌اند ، به همین اتهامات واهی در زندان‌ها به‌سر می‌برند . از آن جمله می‌توان به پزشک انسان‌دوست دکتر **سبزه‌قبایی** اشاره کرد که هنگام عزیمت به جبهه‌های نبرد ، بازداشت شد .

ما ضمن آنکه اقدام اخیر دادگاه انقلاب اسلامی اهواز را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی فوری رفقای زندانی خود هستیم آن گروه از مسئولان راکه به‌عواقب ناگوار اینگونه اقدامات واقف هستند مخاطب قرار می‌دهیم و یادآور می‌شویم که محاکمه و بازداشت نیروهای متحد انقلاب و جمهوری‌اسلامی ، تنها امپریالیسم آمریکا و لیبرال‌ها را خشنود می‌سازد . ما همچنانکه درعمل‌نیز نشان داده‌ایم معتقدیم باید تمامی نیروها و امکانات را در جهت مبارزه با دشمن متجاوز به کارگرفت و صفوف خلق را برای رویارویی با توطئه‌های پی‌درپی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا متشکل کرد .

معلمان انقلابی مسجد سلیمان را به کار بازگردانید

مسجد سلیمان ــ نزدیک به شش‌ماه از اخراج و پاکسازی ! ده‌ها معلم متعهدو انقلابی **مسجدسلیمان** می‌گذرد . در این مدت علیرغم وعده‌هایی که داده شده ، نه تنها هیچگونه اقدام مثبتی انجام نگرفته بلکه خودسری و کوته ـ فکری عده‌ای از مسئولان آموزش و پرورش مسجد سلیمان مشکل‌را پیچیده‌تر کرده است . فرهنگیان متعهد که با هوشیاری انقلاب و درک حساسیت شرایط جلو هرگونه توطئه،درگیری و سوءاستفاده عوامل ضدانقلاب را گرفته‌اند ، ضمن پشتیبانی از اخراج عوامل وابسته به رژیم سابق ، خواهان بازگشت خود به کلاس‌های درس هستند .

■

خبرهای کوتاه از شهرستانها

سیستان و بلوچستان ــ قاچاقچیان ، فئودال‌های افغانی و عوامل ضدانقلاب بر فعالیت‌های خود در منطقه سیستان و بلوچستان افزوده‌اند . آنها در اوایل اسفند ۷ پاسدار را در جاده خاش ـ ایرانشهر به شهادت رساندند و چند روز بعد در جاده راسک و"گرم بیط"به افراد ژاندارمری حمله می‌کنند که دو سرباز کشته می‌شوند . در یک درگیری دیگر دونفر از ضدانقلابیون کشته و دو پاسدار مجروح می‌شوند .

اخیرا ماشین‌های دزدی را از شهرهای مختلف ایران به زاهدان می‌آورند و آنها را قیمت ارزان به فئودال‌های افغانی می‌فروشند . این مزدوران از ماشین‌ها برای حمل قاچاق و اعمال ضدانقلابی دیگر استفاده می‌کنند

شهر کرد ــ یکی از هواداران سازمان با همکاری سپاه پاسداران منطقه . نزولخوار و محتکر معروف شهر و عده‌ای از یاران وی را دستگیر می‌کنند . پاسداران پس از انجام عملیات به رفیق ما می‌گویند :

" **ما چه کاری می‌توانیم برایت انجام بدهیم ؟**" رفیق در جواب می‌گوید :

" **بهترین خدمت شما این است که مرا به جبهه بفرستید** " سپاه چند روز بعد رفیق را به جبهه اعزام می‌کند .

ماهشهر ــ در حمله هواپیماهای متجاوز عراقی‌به ماهشهر در تاریخ بیست و هشتم بهمن‌ماه ۵۹ کارخانجات شیمیایی رازی و چند کارخانه دیگر هدف بمب‌افکن‌ها قرار می‌گیرند . با اینکه حملات از ماه‌ها پیش قابل پیش‌بینی بوده و اطراف کارخانجات شیمیایی رازی نیز توپ ضدهوایی کار گذاشته شده بود اما به علت نداشتن خدمه ، خساراتی به کارخانه و قسمتی از شهر وارد می‌شود .

اخبار کردستان

سردشت ـ راه‌های ورودی شهر باز شده است

مدتی است راه‌های ورودی شهر باز شده و مغازه‌داران کالاهای مورد لزوم مردم را وارد می‌کنند . البته حزب دموکرات باج خود را از آنان می‌گیرد ! قیمت‌ها سرسام‌آور است .

چندی پیش مسئولین آموزش و پرورش که عمدتا خط امام هستند از معلمین در تمام مدارس (شهر و روستا) خواستند که درپی جلساتی نظریات خود را نسبت به چگونگی حل مسئله کردستان جمعبندی و به مسئولین بدهند که مستقیما برای امام فرستاده شود . این مسئله گام مثبتی بود و مورد استقبال تمام معلمین مترقی قرار گرفت . در یکی از مدارس (مدرسه شریفزاده) پیشنهاد شده بود که این جلسات در تمام مدارس استان مطرح و عمومیت داده شود .

سنندج ـ اوضاع متشنج

حملات پیشمرگان مسلح به مقرهای نظامی و نیروهای دولتی و در جاده‌ها که از مدتی پیش

بقیه در صفحه ۱۹

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

ضدانقلاب در بندرعباس توطئه می‌کند

* — هواداران سازمان در استان ساحلی با انتشار تراکتی اعلام داشتند :

" ... درگیری‌ها ، اغتشاشات ،ترور و ناامنی که اخیرا در شهرمان صورت گرفته است از سلسله توطئه‌های گسترده امپریالیسم آمریکا علیه جنبش انقلابی مردم میهنمان است . "

اخراج صدها کارگر، عیدی مدیران لیبرال به زحمتکشان

* — هواداران سازمان در میاندوآب اعلامیه‌ای منتشر کردند و ضمن محکوم کردن حرکت‌های ضد انقلابی و ضدکارگری مدیران لیبرال کارخانه قند میاندوآب که منجر به اخراج ۳۰ نفر از کارگران قسمت قند (حبه) شده است یادآور شدند :

" ... ماهواداران فداییان خلق (اکثریت) از خواست‌های به‌حق کارگران اخراجی تا بازگشت همه آنها بر سر کار و تضمین آن از طرف مسئولین قاطعانه پشتیبانی کرده و ندای آنها را به گوش سایر زحمتکشان خواهیم رساند "

جمهوری اسلامی به‌دست خود در ارومیه تشنج می‌آفریند

* — شاخه آذربایجان سازمان با انتشار اعلامیه‌ای ، ضمن اشاره به تحریکات و اعمال ضدانقلابی " ملاحسنی " و دارودسته‌اش ، تصفیه عناصر انقلابی از سپاه پاسداران را محکوم کرده است

در منطقه غرب ضدانقلاب مشغول سازماندهی است

* — هواداران سازمان در منطقه کرمانشاهان بیانیه‌ای درمورد توطئه‌های ضدانقلاب در منطقه غرب منتشر کردند . در این بیانیه ضمن افشاء و محکوم کردن باندهای سیاه و دستجات ضدانقلابی " شیت " و " قارعه " آمده است :

" ... بسیاری از عوامل و عناصر این دستجات برای مقامات و ارگان‌های ذیصلاح شناخته شده‌اند هم اکنون این ضدانقلابیون ، بسیج عشایری را که (اخیرانام آن به "گروه مشترک جنگ‌های نامنظم عشایری غرب کشور " تغییر یافته) به تیول خویش تبدیل کرده و آن را قبضه نموده‌اند . رهبری بسیج به دست فئودال‌ها و سران عشایر از جمله " فرخ‌خان سنجابی " و " خسروخان رضایی " و دیگر زمینداران بزرگ سپرده شده‌است که از حمایت فرماندهان ارتش و جبهه ملی و رئیس جمهور نیز برخوردارند " .

آیا مشکلی بزرگتر از تغییرنام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی وجود ندارد

* — شاخه لرستان سازمان اعلامیه‌ای در رابطه با حوادث اخیر لرستان منتشرکرد . در این اعلامیه با اشاره به مسافرت آقای هاشمی رفسنجانی به استان لرستان و تغییر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی به بیمارستان شهدا آمده است :

" ... این اقدام با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته و یا از جانب هر مقامی که اجراء شده باشد بهیچوجه مردمی نیست و جز تقویت دشمنان انقلاب حاصل دیگری نخواهد داشت . "

(لازم به توضیح است که بر اثر مقاومت توده‌های مردم نام اصلی شهید دکتر هوشنگ اعظمی به بیمارستان برگردانده شد)

با همکاری و اتحاد همه نیروهای مبارز نظم انقلابی شهر را تحکیم بخشیم

* — هواداران سازمان در دزفول با انتشار اعلامیه‌ای خطاب به مردم مبارز دزفول و نهادهای انقلابی این شهر اعلام داشتند :

" ... مسئولین امور و بسیج محلات باید ، از تمام نیروهایی که برای دفاع از شهر آمادگی خود را اعلام می‌دارند ، بدون هیچگونه مرزبندی‌های عقیدتی کمال استفاده را نموده و راه را بر دزدی‌های شبانه و به دنبال آن تبلیغات لیبرال‌ها و سوءاستفاده عناصر ضدانقلاب ببندند همچنین بسیج در هر محله باید به خانواده‌ها و افرادی که توانایی تامین مایحتاج روزانه خود را ندارند ، کمک رسانند

بازگشت کارکنان مبارز اخراجی خواست کارگران است

* — کارگران پیشرو تبریز با انتشار اعلامیه‌ای با عنوان " بازگشت کارکنان مبارز اخراجی و تعقیب مدیران " طاغوتی" خواست کارکران است " اعلام داشته‌اند :

" ... بعد از ماهها تلاش و مبارزه کارکنان شاغل و پیگیری اصولی کارکنان تعلیقی ، اکنون تعدادی از آنان موفق شده‌اند به کارخانه‌ها بازگردند این اقدام از طرف مسئولین اکرچه ناقص و همراه با تاخیر فراوان بوده است ، اقدامی مثبت ارزیابی شده و مورد پشتیبانی تمام کارگران می‌باشد " .

اجرای توطئه‌های کنفرانس طائف در بلوچستان

* — هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان با انتشار اعلامیه‌ای به توطئه‌های ضدانقلاب در منطقه و اجرای عملیات کنفرانس امریکایی طائف اشاره کرده و چنین می‌نویسند :

" ... توطئه‌های کنفرانس طائف که طبق دستور آمریکا و با همکاری کشورهای مرتجع منطقه نظیر پاکستان و عربستان و ... ترتیب یافت ، در منطقه بلوچستان به‌تدریج به اجراء درمی‌آید یکی از این توطئه‌ها اجرای طرح کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکااست که گفته بود " با همکاری پاکستان باید آمریکا و دوستانش پیشقدم شوند و ... کمک اهل تسنن در نقاط سنی‌نشین خراسان و بلوچستان و بندرعباس ایجاد اغتشاش کنند و یک جمهوری اسلامی بلوچ تشکیل دهند !»

از میان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

مرگ بر امپریالیسم . مرگ بر سرمایه دار

زنده باد انقلاب

من مادر چند هوادار هستم ، اوایل شما را قبول نداشتم ولیکن فرزندانم برایم توضیح دادند و علت این رنج‌ها و ناراحتی‌ها را برایم گفتند من در این مدت زندگیم رنج‌ها و سختی‌ها کشیدم ولی علتش را نمی‌دانستم و همیشه هم مخالف سرمایه‌داری بودم و وقتی که فرزندانم برایم گفتند عشقم به کارگران فراوان شد و تنفرم به سرمایه‌داران زیادتر شد .

همیشه آرزو می‌کردم که یک روز زندگی راحتی داشته باشم چون نه از پدر و مادر راحتی دیدم و نه از شوهر تنها دلخوشی من بچه‌هایم هستند و آنها هم که این همه رنج و کمبود را در زندگی من دیده‌اند ، جبران می‌کنند .

داستان زندگی‌ام طولانی است و احتیاج به یک کتاب دارد . این را هم می‌دانم که ریشه تمام اینها سرمایه‌داری است و ما باید متحد شویم و ریشه سرمایه‌داری را از بن ببریم

از شما می‌خواهم که این شعر را که من گفته‌ام در روزنامه " کار " چاپ کنید و ۵۰۰ ریال از خرجی روزانه‌ام را که جمع کرده‌ام ، به شما می‌دهم هرچند کم است ولی با همین‌ها می‌توانید مبارزه در راه مردم کم درآمد را پیش ببرید به امید روزی که ما پیروز شویم و تجاوزات رژیم عراق را درهم کوبیم ، لازمه این کار وحدت و اتحاد است .

درود بر فدائی حامی زحمتکشان
مرگ بر امریکا
مرگ بر سرمایه‌دار

●

وقتی در خود فرو می‌روم
می‌فهمم زندگی چیست
می‌فهمم که درد چیست
می‌فهمم که درد یک کارگر چیست
می‌فهمم که درد یک زحمتکش چیست
و بعد که علتش را در می‌یابم ، احساس سبکی می‌کنم
وقتی درخود فرو می‌روم ، اشکهایم سرازیر می‌شود
و می‌گویم : ای خلق من ، ای کارگر
و تو ای زحمتکش! با من همصدا شو
که با هم ریشه استبداد را برکنیم
چقدر دلپذیر است وقتی که مرگ یک سرمایه‌دار را می‌بینم
چقدر قشنگ است وقتی که با هم همصدا می‌شویم
و می‌گوئیم :
" مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر امپریالیسم "
این کلمات چه زیباست ، وقتی به تحقق بپیوندد
وقتی تو ای کارگر زحمتکش بدانی دشمنت کیست
و تو و من که قلبمان آکنده از عشق به مردم و
نفرت از سرمایه‌داران است ،
همصدا شویم و بگوئیم :
" مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر سرمایه‌دار "
" زنده باد انقـلاب "

* * *

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ــ شماره ۱۰۳ ــ صفحه ۱۴

رویدادهای ترکمن صحرا

گنبد

شوراهای محلی :

انتخابات شوراهای محلی در دوماه گذشته ادامه داشت و تاکنون ۱۰ شورای محلی در مناطق ترکمن نشین و ۱۸ شورا در مناطق غیر ترکمن نشین تشکیل شده است. در روزهای دهم و چهاردهم اسفند در محل هلال احمر گنبد جلساتی با شرکت اعضای شوراهای محلی، مسئولین شهربانی، ژاندارمری، فرمانداری، شهرداری، سپاه پاسداران، هیئت کشت، هیئت هفت نفره، جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، آموزش و پرورش، بسیج مستضعفین دادستانی انقلاب و... تشکیل گردید که موضوع آن انتخاب شورای مرکزی محلات و شورای شهر بود. در این جلسات **حجت‌الاسلام عمادی** امام جمعه گنبد در مورد شورای شهر اظهار داشت که این شورا دارای اختیارات زیادی است و در تعیین فرماندار و شهردار و بسیاری امور دیگر نقش خواهد داشت لذا لازم است که انتخابات شورای شهر به نحوی دمکراتیک و با شرکت کلیه افراد واجد شرایط که بیش از ۱۶ سال دارند انجام گیرد و هیچ لزومی هم ندارد که اعضای شورای شهر، عضو شورای محلات نیز باشند. این سخنان مورد تائید حاضرین قرارگرفت. امام جمعه گنبد سپس در مورد وظایف شورای مرکزی محلات صحبت کرد که عبارتست از هماهنگی و جمع‌بندی کارها و احتیاجات مناطق مختلف شهر. آنگاه با توافق حاضرین در جلسه، ۳ نفر از محلات ترکمن‌نشین، ۳ نفر از محلات غیر ترکمن‌نشین به اضافه حجت‌الاسلام عمادی امام جمعه گنبد به عنوان **شورای مرکزی محلات گنبد** انتخاب شدند.

وضع بهداشت و درمان :

از نظر کادر پزشکی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های موجود گنبد ضعیف بوده و با کمبود پزشک و پرسنل درمانی مواجه‌اند. این امر موجب گردیده که مردم شهر از نظر درمان و بهداشت زیر پوشش قرار نگیرند تا چه رسد به حومه شهر. دارو به حد کافی در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها یافت نمی‌شود و مراجعه کنندگان اکثرا ناراضی برمی‌گردند. بیمارستان قابوس نیز که زیر نظر جهاد سازندگی اداره می‌شود و بیشتر مراجعه کنندگان آن زحمتکشان هستند نمی‌تواند پاسخگوی همه آنها باشد و رفتارکارکنان این مرکز درمانی نسبت به مریض‌ها با سایر مراکز تفاوت چندانی ندارد. وضع بهداشت شهر اسف‌انگیز است و شیوع بیماری اسهال در یک ماه گذشته بیانگر این وضع نابسامان می‌باشد و موجبات نگرانی و ناراحتی توده‌های مردم را فراهم آورده است.

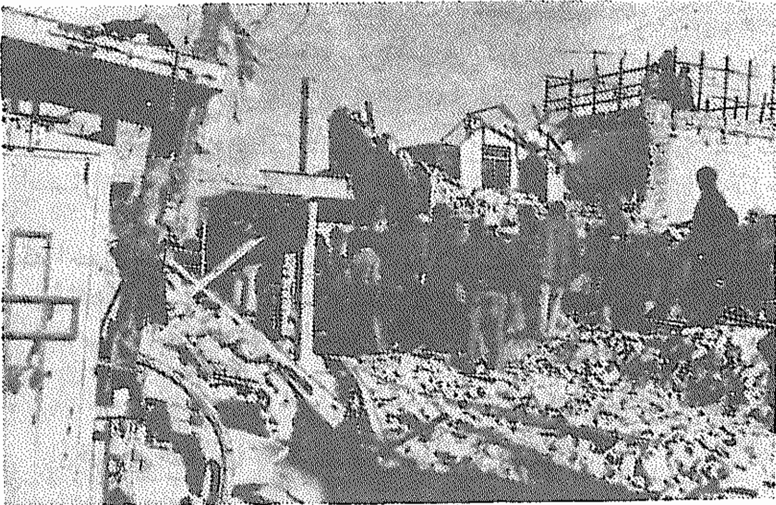
تنها پزشک بیمارستان که نمی‌تواند پاسخگوی همه مراجعین باشد، استعفا داده و اظهار داشته است تا جراح به این بیمارستان نفرستند، نمی‌تواند به کار خود ادامه دهد. اینها همه در شرایطی است که چندین‌نفر پزشک، دندانپزشک و داروساز ترکمن شهر بر اثر سیاست نادرست دادگاه انقلاب گنبد تحت تعقیب قرار گرفته و اجبارا از منطقه خارج شده‌اند

■ در زندان شهربانی گنبد حدو د ۳۵۰ نفر زندانی وجود دارد که عمدتا ترکمن، بلوچ و سیستانی هستند. ترکمن‌ها که اکثرا روستائی می‌باشند به خاطر عضویت در شورا و یا به اتهام داشتن اسلحه دستگیر شده‌اند. وضع غذا و بهداشت زندان بد است و از نظر کمبود سوخت، زمستان سختی را پشت‌سر گذاشتند.

بندرترکمن : فشارهای ناشی از مشکلات اقتصادی، فقدان برنامه اصولی و عدم برخورد قاطع دولت برای حل این مشکلات، موجب ناتوانی مردم زحمتکش شهر در تامین حداقل مایحتاج زندگی خود و در نتیجه نارضایتی آنان گردیده است. و بعضی از حرکات غیر دمکراتیک سپاه نیز به این نارضایتی دامن می‌زند.

*

خشونت، خشونت هر ویرانه سنگر است



مردم می‌پرسند : **آیا ما به جنایتکارانی که شبانه زنان و کودکانمان را با موشک قتل عام می‌کنند، نباید باموشک جواب بدهیم؟ آیا جواب‌موشک، موشک نیست؟**

ما می‌گوئیم : **موشک**، سلاح سرکوبگران و جنایتکاران، سلاح غارتگران و سرمایه‌داران علیه **مردم** بپاخاسته و **انقلابی است**.

ما می‌گوئیم : آن کسانی که خانه‌های زحمتکشان ما را بر سرشان ویران می‌کنند، مسلما کارگران، دهقانان و زحمتکشان عراق **نیستند**.

این **رژیم صدام حسین** است که به جرم **مبارزه** به‌خاطر استقلال و آزادی، به جرم دفاع از انقلاب، مردم میهن ما را به موشک می‌بندد.

این **رژیم** صدام حسین است که مردم مبارز و آگاه عراق را هم به همین جرم به زندان می‌افکند، به جوخه اعدام می‌سپرد و سرکوب می‌کند.

ما و مردم عراق هر دو با یک دشمن درجنگیم.

سلاح ما باید صدام و حامیانش را به زانو درآورد و نه مردم ستمدیده عراق را به خاک و خون بکشد.

سلاح ما وحدت رزمنده کارگران، دهقانان، کسبه، پیشه‌وران، روشنفکران انقلابی و روحانیون مبارز است.

سلاح ما پایمردی دلیرانه ماست در جبهه‌های نبرد.

سلاح ما اتحاد انقلابی خلقهای ایران و عراق است در پیکار مشترک علیه امپریالیسم.

ما جواب موشک را با شعله‌ورتر ساختن هرچه بیشتر آتش مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و سردسته آن امریکای تبهکار در میهن خود و در سراسر منطقه خواهیم داد.

بگذار صدام مثل همه جنایتکاران تاریخ به کشتار مردم بی‌دفاع و ویران کردن خانه‌های خشت و گلی آنها به‌خود ببالد.

برای ما، خشت خشت هر ویرانه سنگری است برای دفاع از انقلابمان و قطره قطره‌ٔ خون هر رزمنده‌ای، بذری است که نهال پیروزی را بارورتر و بارورتر خواهد ساخت.

پیروزی از آن ماست!

سازمان‌چریکهای فدائی خلق‌ایران (اکثریت)
شاخه‌خوزستان ۵۹/۱۲/۲۰

ایجاد تشنج در قزوین عیدی به امپریالیزم و ضدانقلاب بود

در پی درگیری‌هائی که از آغاز سال جدید در شهر قزوین اتفاق افتاد، در روز چهارشنبه ۵ فروردین درگیری شدیدی بین گروه‌های چپ‌رو، سازمان مجاهدین خلق و سپاه پاسداران رخ داد که منجر به دستگیری عده‌ای از هواداران سازمان مجاهدین توسط سپاه پاسداران شد. کشته شدن یکی از هواداران مجاهدین خلق پس از دستگیری، فضای شهر را متشنج‌تر ساخت و امکان بهره‌برداری جریانات ضدانقلابی ــ که مجاهدین خلق هم با اتخاذ سیاستهای غیراصولی و نادرست خود، آب به آسیاب آنها ریختند ــ را کاملا فراهم ساخت.

هواداران سازمان‌چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) در قزوین با صدور اطلاعیه‌ای تحت عنوان: "درگیری و تشنج به نفع امریکاست" ضمن محکوم کردن حادثه آفرینی‌های گروه‌های غیر مسئول از یک طرف و انحصارطلبی‌های سیاسی حزب جمهوری اسلامی و محافلی در درون سپاه پاسداران که در عمل به تخطی از قانون و خودسری‌ها منجر می‌گردد، گفته‌اند:

"**در شرایطی که هنوز جنگ در جبهه‌های جنوب و غرب ادامه دارد و قسمتی از میهن انقلابی ما در اشغال تجاوزگران است، دامن زدن به درگیری‌ها در پشت جبهه، صف نیروهای مقاومت در خط مقدم جبهه را سست و روحیه مدافعان انقلاب را تضعیف می‌نماید.**".

در این اطلاعیه پس از اشاره به این نکته که تشنج‌فزائی و حادثه‌جوئی‌های غیر مسئولانه گروه‌ها و به‌ویژه سازمان خلقی**مجاهدین** تنها به نفع لیبرالها و ضد انقلابیون دیگر قرار خواهد گرفت، آمده است:

"**از روز ۵ فروردین ۶۰ سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب به دنبال اطلاعیه‌ای شروع به جلوگیری از فعالیت گروه‌های سیاسی نمودند. مسئله‌ای که موجب حیرت و نگرانی نیروهای اصیل و طرفدار انقلاب شده است، این است که اگر هدف ارگان‌های جمهوری اسلامی**

بقیه در صفحه ۲۲

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم — شماره ۱۰۳ — صفحه ۱۵

سوءِ قصد به جان آیت الله ربانی شیرازی را محکوم می‌کنیم

در اوایل هفته جاری آیت‌الله ربانی شیرازی نماینده امام در استان فارس و عضو شورای نگهبان، در شهر شیراز مورد سوء قصد قرار گرفت. به دنبال این واقعه، از سوی مقامات مسئول ۲ تن دستگیر شدند و بنا بر گزارش روزنامه‌ها افراد دستگیر شده منتسب به گروه "فرقان" می‌باشند. -

سازمان ما در ادامه روش اصولی خود مبنی بر محکوم نمودن هرگونه اقدامات آنارشیستی، ترور آیت‌الله ربانی شیرازی را محکوم می‌سازد. توسل به شیوه‌های تروریستی به زیان انقلاب است. اینگونه اعمال با توجه به اهداف امپریالیسم امریکا و لیبرالها مبنی بر ایجاد آشوب و بلوا در سطح کشور عملا در خدمت سیاست‌های دشمنان انقلاب قرار گرفته، موجبات بهره‌برداری آنان را فراهم ساخته و همچنین باعث رشد باندهای سیاه و گسترش عملیات ضدانقلابی آنان می‌گردد.

علیرغم مواضع روشن ما آیت‌الله ربانی‌شیرازی که هیچ فرصتی را در کینه‌توزی و جعل و افترا نسبت به نیروهای انقلابی از دست نداده، با استفاده از موقعیت به دست آمده کوشید افکار عمومی را علیه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما تحریک کند. - وی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان تلویحاً نشریات "کار" و "امت" را مورد حمله قرار داد. او گفت:

" **اما حدود ۲۰ روز قبل روزنامه کار و امت شروع کردند به فحاشی علیه من... معلوم می‌شود این گروه‌ها از رژیم شاه هم ناجوانمردانه‌تر عمل می‌کنند** "!! (۹ فروردین کیهان)

پس از دستگیری ۲ تن از اعضای منسوب به گروه تروریستی فرقان و کشف اعلامیه‌های این گروه در رابطه با ترور آیت‌الله ربانی شیرازی، ایشان نیز مجبور شد ادعای قبلی خود را پس گرفته و اعلام دارد:

" **اطلاعاتی هم به‌من داده بودند که گروه فرقان می‌خواهند مرا ترور کنند.** ..."!!

(۱۰ فروردین روزنامه جمهوری اسلامی)

سازمان ما بار دیگر ضمن محکوم ساختن عمل‌تروریستی فوق، افترا و جعل حقایق را ازجانب آیت‌الله‌ربانی شیرازی نسبت به سازمان ما و دیگر نیروهای‌انقلابی شدیداتقبیح می‌کند.

در شهرهای امریکا تظاهرات بسود انقلاب السالوادور اوج می‌گیرد



به‌دنبال اوج‌گیری جنبش توده‌ای در السالوادور تحت رهبری جبهه دمکراتیک انقلابی (F.D.R) و جبهه رهائیبخش ملی فارابوندو‌مارتی (FLMN) تظاهرات و دیگر فعالیت‌های مبارزاتی در دفاع از مبارزات برحق خلق السالوادور در سراسر امریکا انجام شده و می‌شود تظاهرات ۱۷ ژانویه در شهر برکلی شمال کالیفرنیا یک نمونه رزمنده و موفق از این تظاهرات بود. این تظاهرات که با شرکت بیش از ۵۰۰۰ نفر برگزار شد، خاطرات تظاهرات عظیم ضد جنگ ویتنام را در دلها زنده می‌کرد. در تمام طول روز شعارهای " **نه سربازگیری، نه جنگ، دست امریکا از السالوادور کوتاه** "، "**نیکاراگوئه پیروز شد، السالوادور پیروز می‌شود**" و " **مردم متحد هرگز شکست نخواهند خورد** " فضای شهر را انباشته بود. در خاتمه، تظاهرات با پیام نماینده جبهه دمکراتیک انقلابی و پیام‌های سازمان‌های مترقی و اتحادیه‌های کارگری به کارخود خاتمه داد. اعضاء و هواداران سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا هواداران سازمان‌چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) با شرکت فعال خود در این تظاهرات و در کلیه فعالیت‌های مبارزاتی در دفاع از خلق السالوادور که در سراسر امریکا برگزار شد همبستگی انقلاب ایران با مبارزات خلقهای تحت ستم جهان‌را خاطر نشان کردند. در تمام طول تظاهرات اعلامیه‌های افشاگرانه در مورد سیاست امپریالیسم امریکا و تجاوز ددمنشانه رژیم صدام و همچنین اعلامیه‌های ترجمه‌شده از سازمان (رژیم مرتجع عراق در خدمت امپریالیسم امریکا — کار شماره ۷۷) پخش گردید.

قابل توجه است که خبر این تظاهرات از طرف دستگاه‌های خبری متعدد مخابره گردید.

●

گزارشی از شرکت در تظاهرات و اجتماعات مختلف ۲۰ ژانویه

در رابطه با افتتاحیه رئیس جمهوری ریگان که در روز ۲۰ ژانویه برگزار شد، تظاهرات و اجتماعات متعدد در سراسر امریکا و در اعتراض به سیاست‌های آینده وی صورت گرفت. سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا در این فعالیت‌های مبارزاتی شرکت فعال داشت و با پخش اعلامیه‌های افشاگرانه در رابطه با جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام و توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران و همچنین ارائه پیام‌های همبستگی ابعاد دسایس امپریالیسم امریکا را هرچه بیشتر افشاء نمود.

■

قسمتی از نامه یک رفیق کارگر به نشریه کار از زندان جمهوری اسلامی

«میهن و انقلاب عزیز ما دشوارترین روزهای خود را می‌گذراند»

رفقای عزیز مدتی است که از شما دوریم. در زمانی از شما دوریم که جنبش با شتابی روزافزون به پیش می‌رود وما اینجا دربندیم ولی قلبمان با شماست و طپش آن هماهنگ است با هر گامی که توده‌ها به خاطر استقلال و آزادی میهن از زیر ستم امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا به پیش برمی‌دارند.

بعد از توطئه‌های بسیار که با عزم توده‌های مردم زحمتکش به شکست انجامید، اینک این جنگ تحمیل شده از سوی صدام مزدور، دندان نشان دادن ریگان که فکر می‌کند جهان هم یکی از فیلم‌های وسترنی است که او دارد بازی می‌کند و لاجرم می‌تواند برای خلقهای رها شده از قید امپریالیسم ششلول بکشد و هزاران دسیسه رنگارنگ دیگر که هر روز شاهدش هستیم. -

آیا اینها برای بیداری ما کافی نیست. کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ما این را خوب می‌دانند و به خاطر همین بیدارند و دریاوار پیش می‌روند و هر توطئه‌ای را در نطفه خفه خواهند کرد. ولی آیا رهبران هم مانند آنها بیدارند یا نه؟ اگر بیدارند بدانند فدائیان خلق (اکثریت) این انقلاب را که در ستیز با امپریالیسم جهانخوار بسرکردگی امپریالیسم امریکاست قبول داشته و تا پای جان از آن دفاع می‌کنند و بدانند زندان هم نمی‌تواند هیچگونه خللی در روحیه و عزم انقلابی ما وارد سازد. همانطور که فشارها نتوانست فدائیان خلق (اکثریت) را از میدان نبرد با صدام خارج سازد.

رفقا! ما در زندان هستیم و افسوس می‌خوریم که در شرایطی این‌چنین طوفانی چرا باید توان و انرژی انقلابی‌مان در پس دیوارها و آهن‌ها به هرز برود. آن هم در شرایطی که انقلاب مردم از هر سو دستخوش توطئه است. شاید باور نکنید که ما امروز در کنار کسانی زندانی هستیم که آن روزها به شکار انسان می‌پرداختند و خون ما و برادرانمان را بر خاک می‌ریختند و ما با بغضی در گلو فریاد می‌کشیدیم:

می‌کشم، می‌کشم آنکه برادرم کشت. -

آری رفقا! امروز با آنها در زنجیریم. باآنها که بر گرده‌هایمان سوار بودند و فریادهایمان را در گلو خفه می‌کردند. - هم‌آنهائی که ستم می‌کردند، هم‌آنهائی که تازیانه می‌زدند و ما که در آن زمان تازیانه می‌خوردیم. بله رفقا! هر دو زندانیم. -

البته اینها حقشان است و باید در اینجا باشند و باید که با آنها قاطعانه‌تر برخورد کنند زیرا که ستم کرده‌اند و جنایت. ولی آیا ما هم باید اینجا باشیم؟

ما باید هم‌اکنون درجبهه جنگ یا در پشت جبهه باشیم تا در کنار توده‌های‌مبارز به مبارزه ادامه دهیم.

۱۰ اسفند

زندگی سخت و مشقت بار

کپرنشینان بندرعباس

■ زنان زحمتکش کپرنشین از طریق جمع‌آوری گندم، جو و ذرت کف خیابان اسکله بندر عبـــــاس امرار معاش می‌کنند.

در محله‌های **شمیلی‌ها**، **سورو**، **بهشت زهـــــرا** و **رودباری‌های** بندرعباس زحمتکشانی زندگی می‌کنند که اکثر آنها کشـــــاورزان بی‌زمینی هستند که از روستاهای **منوجان**، **کشکو**، **تخت** و دیگر روستاهای دور و نزدیک به بندرعباس آمده‌اند.

مخارج زندگی اکثر این خانواده‌ها بر دوش زنان است. چون بیکاری و خانه‌نشینی دامنگیر مردهای این خانواده‌ها هم شده است. مردها قبلا کم و بیش یا به کارهای ساختمانی مشغول بودند و یا در اسکله کار می‌کردند اما از زمانی که تعداد افغانی‌ها زیاد شده و بسیاری از آنها به بندرعباس روی آورده‌اند و با هر دستمزدی تن به کار می‌دهند بیشتر خانه‌نشینان که جز کارهای ساده ساختمانی و یا باربری در اسکله وغیره کاری نمی‌دانند، خانه‌نشین شده‌اند.

زنان زحمتکش ایـــــن خانواده‌ها که این روزها بیشتر از پیش سنگینی بار خانواده‌ها بر دوش آنهاست، از طریق جمع‌آوری و یا فروش غله، به سختی زندگی خود را می‌گردانند.

این زنان محروم از دو راه گندم، جو و ذرت تهیه کرده و به فروش می‌رسانند. عده‌ای از آنها گندم و جو را از پشت بازار خریده و در کنار خیابان خرد، خرد می‌فروشند. عده‌ای دیگر هم از طریق جمع‌آوری گندم، جو و ذرت کف خیابان‌های نزدیک اسکله امرار معاش می‌کنند. آنها هر روز صبح زود با یک جارو، یک کیسه و یک غربال به‌خیابان اسکله آمده و گندم، جو و ذرتی را که بر اثر سرعت کامیون‌ها و تریلرهای حامل بار غله از دور و بر آنها به زمین ریخته می‌شود، با جارو جمع‌آوری کرده و در کیسه‌ای می‌ریزند

■ ما بارها شاهد مرگ فجیع این زنان درمانده در زیر چرخ‌های کامیون‌ها و یا تریلرهای حامل غله بوده‌ایم.

و بعد کنار خیابان، مخلوط غله و خاک و شنی را که جمع کرده‌اند، غربال می‌کنند و پس از جدا کردن غله و نیز جداکردن گندم از ذرت و جو گندم را برای روستائیان می‌فرستند تا برایشان نان درست کنند. ذرت و جو را هم کیلوئی ۵۰ـ۴۰ ریال به فروش می‌رسانند.

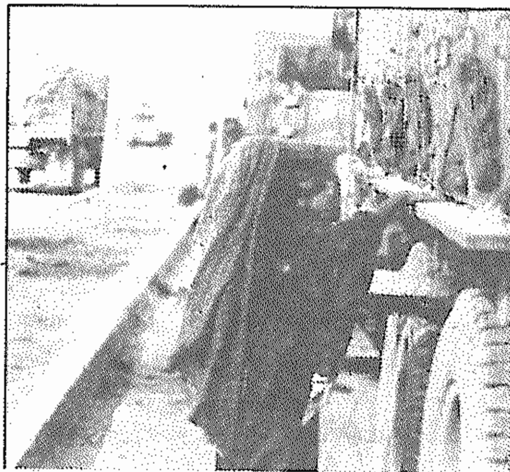
جمع‌آوری غلات از وسط خیابان‌ها همیشه برای این زنان محروم خطرهای زیادی داشته است. خیابان‌هائی که معمولا این زنان برای جمع‌آوری غله به آن روی می‌آورند یک خیابان کمربندی و جاده اسکله است این خیابان‌های شلوغ محل رفت و آمد کامیون‌ها و تریلرها است. اکثر این ماشین‌ها نیز با سرعت زیاد از این خیابان‌ها رفت و آمد می‌کنند. ما بارها شاهد مرگ فجیع این زنان درمانده در زیر چرخ‌های یک کامیون یا تریلر حامل غله بوده‌ایم و می‌شود به راحتی در میان این محرومان، زنانی را دید که بر اثر تصادف با کامیون‌ها و تریلرها دست، پا و یا قسمت دیگری از بدنشان آسیب دیده و یا فلج شده‌اند و هنوز با همان وضع به جمع‌آوری غله ادامه می‌دهند

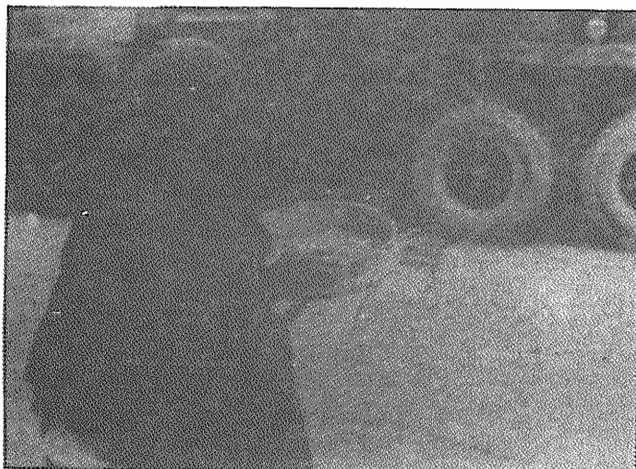
اکثر این زنان زحمتکش با خانواده‌های‌شان در محله‌های فقیرنشین شهر و در کپرهای بسیار محقری که با برگ خرما و یا حصیر درست کرده‌اند زندگی می‌کنند. ایـــــن زحمتکشان از حداقل امکانات زندگی هم بی‌بهره‌اند. نه آبی و نه برقی و نه ...

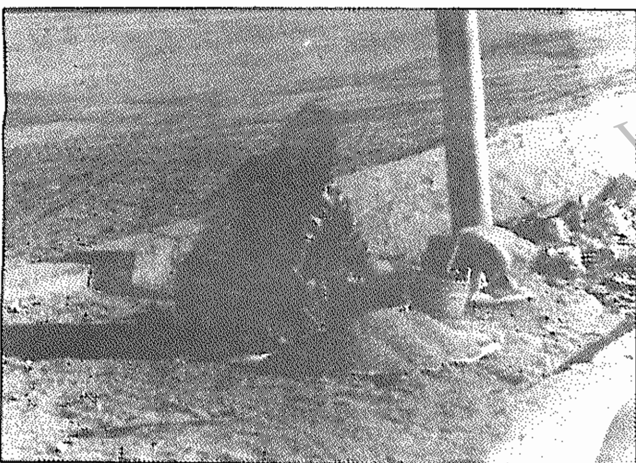
در تابستان بخاطر گرمای طاقت‌فرسای بندرعباس و در زمستان به علت نداشتن وسایل گرم‌کننده، زندگی در داخل این کپرها تحمل ناپذیر می‌شود. کافیست در نظر بگیریم که در تابستان با حرارت بسیار سوزان و صد در صد شرجی در درون یک کپر حصیری با تعداد حداقل ۴ـ۳ نفری که در آن زندگی می‌کنند، ساکنان کپر چه روزهای سخت و چه تابستان عذاب‌آوری را پشت ســـر می‌گذارند و این زندگی پرمشقت در شرایطی است که در تابستان به علت کمبود آب و گرانی یخ یک کاسه آب خنک هم به دستشان نمی‌رسد در کنار این زندگی دردآور این روزها گرانی و باز هم بیکاری در میان‌شان بیداد می‌کند. کپرنشینان بندر عباس با اینکه در اعماق اجتماع زندگی می‌کنند، با اینکه گرسنگی می‌کشند، از بیکاری رنج می‌برند، از گرما جانشان به لب می‌رسد، اما همه‌وقت و همه‌جا بخاطر انقلاب در صحنه حضـــــور داشته‌اند. از روزهای پرشور و پرتلاش انقلاب تا حالا که بر سختی‌ها لب فروبسته با امید درانتظارند که انقلاب لااقل به حداقـــــل خواسته‌هایشان پاسخ دهد.

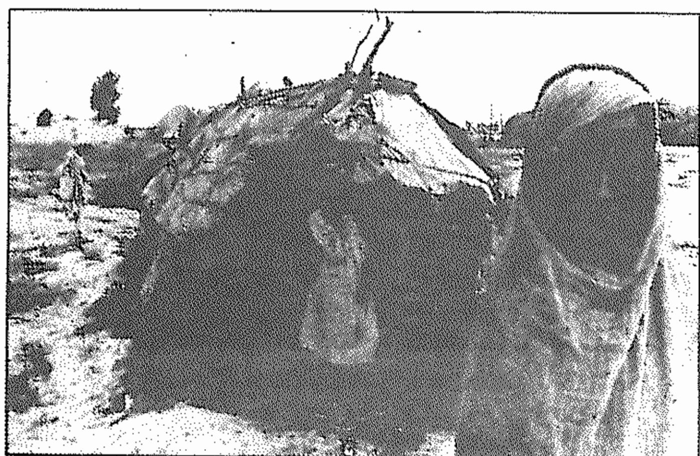
از سوی دیگر نباید فراموش کرد که بقای انقلاب دقیقاً در پاسخ دادن به خواسته‌های همین زحمتکشان است.

●









مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیســـــم امریـــــکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ــ شماره ۱۰۳ ــ صفحه ۱۷

تصفیه سپاه پاسداران از عناصر ترقیخواه خواست امپریالیسم است

○ ملاحسنی و دار و دسته ارتجاعی او تاکنون جنایات بی‌شماری علیه انقلاب و مردم ایران بویژه خلق ستمدیده کرد انجام داده‌اند.

سپاه پاسداران ارومیه و سایر نهادهای وابسته بدان در اسفندماه گذشته بطور وسیع و همه‌جانبه‌ای مورد تصفیه قرار گرفته و بسیاری از افراد مترقی و مبارز آن از جمله اعضای شورای فرماندهی سپاه توسط هیئت به‌اصطلاح پاکسازی به سرپرستی "آیت‌الله محلاتی" از کار برکنار شدند. این تصفیه به‌دنبال تلاش‌های قبلی از جانب حاکمیت و حزب جمهوری اسلامی که هر بار به ناکامی انجامیده بود، صورت گرفت.

پس از انقلاب و به‌ویژه از تابستان ۵۸ بدینسو عملکرد ترقیخواهانه و مواضع مردمی سپاه ارومیه و شورای فرماندهی آن قطب اصلی مبارزه با حرکات ارتجاعی ملاحسنی و دار و دسته‌او از یک‌سو و از سوی دیگر استاندار (حقگو) و سایر لیبرال‌ها بود. سپاه در مدت کوتاهی توانست مدارک و اسناد زیادی از استاندار و معاون او "اتابک" در رابطه با مسلح کردن فئودال‌ها، ارتباطات مشکوک با عناصر ضدانقلاب و اعمال دیگری که منجر به لطمات زیان‌باری به انقلاب می‌شد، جمع‌آوری کرده و در اختیار مقامات جمهوری اسلامی قرار دهد. تداوم این حرکات سپاه منجر به برکناری این اشخاص از استانداری ارومیه گردید. شورای فرماندهی سپاه در طی دو سال اخیر همچنین مدارک مستندی در رابطه با جنایات ملاحسنی جمع‌آوری کرده و برای مسئولین سپاه و جمهوری اسلامی ارسال کرد. به‌هنگام کشتار وحشیانه روستائیان "ایندرگاش" توسط عمال "ملاحسنی" افراد سپاه از اجساد و خانه‌های روستائیان عکس و فیلم تهیه کرده و همراه با گزارش مفصلی به تهران فرستادند. در مورد ارتباط ملاحسنی با عناصر معلوم‌الحالی چون معبودی مراد قطاری و محرر و نیز فئودال‌ها و سرمایه‌داران و مقابله با آنها، شورای سپاه تلاش‌های قابل تحسینی انجام داده‌است.

سپاه ارومیه در ضمن مبارزه جدی با لیبرال‌ها و دارودسته ملاحسنی، به انحصارطلبی و تنگ‌نظری جمهوری اسلامی نیز گردن ننهاد و این امر موجب ضدیت حزب جمهوری اسلامی و پاره‌ای مقامات بالای حکومتی با آن گردید. به همین دلیل همه جریاناتی که عملکردهای مترقیانه سپاه ارومیه و سایر نهادهای نظیر آن را مخالف خود می‌دیدند، سعی در تضعیف فرماندهی سپاه و برکناری آن داشتند. برهمین اساس چندین بار هیئت‌هائی برای رسیدگی به وضع شورای فرماندهی سپاه از تهران به ارومیه آمدند (از جمله بعد از حمله حزب دمکرات به روستای بند و شهادت ۱۴ تن از پاسداران) اما هر بار با مقاومت یکپارچه اعضای سپاه روبرو شده و بی‌نتیجه به تهران بازگشتند.

در گذشته تضادهای موجود مابین ملاحسنی و استاندار نیز از جمله عواملی بود که موجبات کاهش فشار بر روی شورای فرماندهی سپاه را سبب شده بود ولی با تغییرات استاندار قبلی و روی کار آمدن استاندار جدید (طاهری، از منسوبین حزب‌جمهوری اسلامی) تضادهای مابین ملاحسنی و استانداری فروکش کرد و هر چند که ملاحسنی وابسته به حزب جمهوری اسلامی نمی‌باشد و از آن تبعیت ندارد ولی در تصفیه سپاه و سایر ارگان‌ها با استانداری به تفاهم کامل رسید. سرانجام این کشمکش‌ها موجب استعفای فرماندهی سپاه در تاریخ ۲ اسفند سال گذشته گردید. به دنبال استعفای اجباری فرماندهی سپاه اعتراضات متعددی علیه این اقدام صورت گرفت. اما " هیئت ویژه پاکسازی" در برابر این اعتراضات اعلام داشت که حتی اگر اخراج شورای فرماندهی سپاه منجربه از دست رفتن آذربایجان غربی گردد نیز ما حاضر به پذیرش آن نیستیم!!

به‌دنبال این حرکات که به‌منظور تثبیت موقعیت حزب جمهوری اسلامی در منطقه صورت می‌گیرد، اعمال هیئت ویژه پاکسازی‌بدرستی متوجه‌تضعیف ملاحسنی‌ودار و دسته ارتجاعی او نیز گردیده است. مقالاتی که در روزنامه جمهوری اسلامی علیه ملاحسنی منتشر شد، تعویض علیزاده حاکم شرع (از نزدیکان ملاحسنی) و ... از جمله این تلاشهاست.

ملاحسنی و دارودسته ارتجاعی او تاکنون جنایات بی‌شماری علیه انقلاب و مردم ایران و به‌ویژه خلق ستمدیده کرد انجام داده‌اند مبارزه جهت دور کردن دارو دسته ملاحسنی از موضع بسیار حساسی که اشغال کرده مبارزه‌ای مثبت و به‌سود انقلاب است. اما تاسف‌آور است که این حرکات مثبت با تصفیه سپاه پاسداران ارومیه که تا امروز نقشی موثر و فداکارانه در مبارزه با عوامل توطئه‌گر امپریالیسم در منطقه حساسی مانند آذربایجان غربی داشته، همراه گردیده است! ما ضمن استقبال از هرگونه مبارزه علیه باند جنایتکار ملاحسنی، اعمال ضدانقلابی هیئت ویژه پاکسازی نسبت به تصفیه عناصر مترقی و مبارز سپاه پاسداران ارومیه را به‌شدت محکوم می‌سازیم. این اعمال مستقیما به نفع امپریالیسم آمریکا، لیبرال‌ها و حتی بطور غیر مستقیم سبب تقویت جریان ارتجاعی ملاحسنی که اکنون جمهوری اسلامی در صدد مقابله با آن برآمده تمام می‌شود.

سپاه پاسداران به‌عنوان یکی از نهادهای ضدامپریالیستی که در کشف و سرکوب توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا نقش قاطع داشته و در مبارزه علیه سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ گام‌های موثری برداشته همواره مورد انواع و اقسام توطئه‌ها و تبلیغات سوء امپریالیسم آمریکا، لیبرال‌ها و تمامی دشمنان انقلاب ایران قرار داشته است. کوشش در جهت تضعیف این نهاد از یک سو و سوق دادن آن به مقابله با توده‌های مردم و تحدید دامنه و عمق عملکردهای مردمی سپاه از طریق کنار گذاشتن مترقی‌ترین و رادیکال‌ترین عناصر آن از سوی دیگر خواسته دشمنان انقلاب است. انحصارگری و اعمال تنگ‌نظرانه حزب جمهوری اسلامی و کوشش در جهت تصفیه عناصر مترقی و مبارز درون سپاه عملا در خدمت این خواسته امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی است. این اعمال نهایتا موجب تشدید گرایشات ارتجاعی در سپاه پاسداران و تضعیف خصلت ضدامپریالیستی آن است. امری که برای انقلاب مردم میهن ما بسیار زیان‌آور می‌باشد.

از همین رو سازمان ما اعمال ضدانقلابی هیئت ویژه به‌اصطلاح پاکسازی نسبت به تصفیه عناصر مترقی سپاه را عملی بر ضدانقلاب و در خدمت امپریالیسم آمریکا و دشمنان داخلی انقلاب دانسته و آن را قاطعانه محکوم می‌کند.

به اعتقاد ما، حرکت مثبت مسئولین جمهوری اسلامی در محدود کردن قلدرمآبی‌های شخص مرتجع و معلوم‌الحالی چون ملاحسنی نمی‌تواند توجیه‌گر این اقدام ضدانقلابی باشد. ●

در هر رگِ برگ، خون یاران رفته است

درپی تقاضای سازمان مبنی بر ارسال اسامی و شرح حال رفقای شهیدی که تاکنون در کار درج نشده‌است، اسامی متعددی طی‌نامه‌هائی به ما رسیده است که ضمن گرامیداشت خاطره پرشکوه‌شان، اسامی زیر به لیست شهدای پرافتخار سازمان‌مان افزوده می‌گردد.

رفقای شهید:

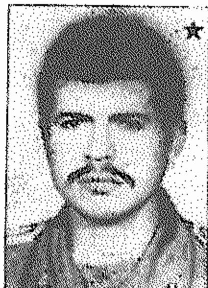
۱ـ نادرابازی

۲ـ احمد افشارنیا

۳ـ محمد پشامی

۴ـ ابراهیم خیری

۵ـ محمد کاسه‌چی



فدایی خلق
رفیق شهید نادرابازی

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

پای صحبت جلال الدین فارسی و همراهان در بازگشت از شوروی

■ در آخرین روزهای ماه آخر سال قبل آقای جلال‌الدین فارسی به‌همراه دکتر شریعتمداری و دکتر سروش بر صفحه تلویزیون ظاهر شدند تا گزارش سفر خود به اتحاد جماهیر شوروی را ارائـــه دهند. سفر این هیئت، بنا به گفته خود آقای جلال‌الدین فارسی قبل از عزیمت به شوروی به‌منظور انجام یک انقلاب شناسی تطبیقی و استفاده‌از دستاوردهای اتحاد جماهیر شوروی در زمینه مسائل فرهنگی، صورت گرفته بود. اعضای هیئت، برنامه تلویزیونی را علیرغم انتظار و خواست بسیاری از زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست میهن که منتظر ارائـــه واقعیات جامعه شوروی در زمینه‌های فرهنگ، آموزش و امور اجتماعـــی بودند، با تاخت و تاز به مبانی عقیدتی نمایندگان مردم شوروی، سوسیالیسم علمی، ارائه جعلیات و تحریفات مغرضانه پیرامون اوضاع واقعی در آن کشور آغاز نهادند و در سراسر برنامه تا پایان آن این شیوه را ادامه دادند.

عصاره این مصاحبه تلویزیونی این بود که شوروی نه‌تنها عرصه دستاوردهای عظیم انقلابی برای کارگران و زحمتکشان نبوده است، بلکه جز اختناق و اسارت و درنهایت جز نانی بخور و نمیر برای آنان فراهم نیاورده است. چکیده مصاحبه این بود که انقلاب شوروی چیزی فراتر از آنچه که سرمایه‌داری امپریالیستی "غرب" برای توده‌ها فراهم آورده است به‌بار نیاورده و خود ابر قدرتی "تجاوزگر!"، "امپریالیست!" و در نهایت خطرناک‌تر از امپریالیســم جهانی به سرکردگـــی امپریالیسم آمریکا بر کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شوروی و ملل بسیار دیگـــر برگمارده است.

واقعیات‌مربوط به مذهب آموزش، مسکن، حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی توده‌ها و ... از جمله مواردی بود که زیر "تیغ" شوروی ستیزی آقایان فارسی، سروش و شریعتمداری همراه بـــا شعبده‌بازی‌های گرداننده برنامه ــ ابوترابیان ــ به‌گونه‌ای اخته، سر و دم بریده و در نهایت افتراآمیز و بهتان‌آلود ارائه شد. ببینیم حقایق در این مورد چه می‌گویند:

مذهب در شوروی در این برنامه بیش از هر چیز مورد توجه قرار گرفت. فشرده کلام این بود که زحمتکشان شوروی علی‌الخصوص مسلمانان، فاقد آزادی مذهب هستند. گویا توده‌ها، و از نظر آقایان به‌ویژه مسلمانان شوروی، فرایض مذهبی را جز زیر شدیدترین فشار اختناق و کارشکنی مقامـــات مسئول به‌جا نمی‌آورند و ... در این‌باره چه افسانه‌ها که به‌هم بافته نشد. همـــان افسانه‌های آشنای امپریالیسم ساخته! حقایق اما، می‌گویند که:

"در شوروی هم اکنون قریب به ۲۰ هزارکلیسا و مسجد وجود دارد. کلیه مذاهب از امتیازات همانند و یکسانی‌برخوردارند. انجام مراسم مذهبی و انتشار کتب مذهبی آزاد است هر ساله عده‌ای از مسلمانان شوروی برای زیارت و انجام فرایض دینی به مکه مسافرت می‌کنند در شوروی نه‌تنها هر ساله مراسم مذهبی مذاهب گوناگون برگزار می‌شود بلکه و نکته در همین جاست، که پیروان تمام مذاهب به‌رغم اختلافات مذهبی و عقیدتی در راه پیشرفت سوسیالیسم و رسیدن به جامعه‌ای فارغ از هرگونه ستم و نشان طبقاتی دست در دست یکدیگر تلاش می‌کنند. در اصل ۵۲ قانون اساسی اتحاد شوروی آمده است که:

"برای شهروندان اتحاد شوروی، آزادی وجدان یعنی حق پیروی کردن از هر مذهب و یا پیروی نکردن از هیچ مذهب و حق انجـــام مراسم و فرایض مذهبی تضمین است."

"افاضات بیّن"! اعضای هیئت اعزامی به شوروی در زمینه آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها نیز شنیدنی است. گویـــا زحمتکشان شوروی از محرومیت شدید آزادی‌ها رنج می‌برند، فاقد حق دخالت در تعیین سرنوشت خود هستند و گویا که آنان به همین علت، زیر نظارت مقامات رسمی شوروی، نتوانسته‌اند با اعضای هیئت ایرانی تماس بگیرند و آنچه را که دلشان می‌خواهد، بیان کنند. ساخت حکومتی شوروی که بر پایه نظارت کامل شوراهای نمایندگان خلق بر اداره امور جامعه تشکیل شده است، البته خود براترین سند در رد این گونه تحریفات است. انقلاب سوسیالیستی در شوروی بر پایه محو اسارت اقتصادی انسان‌ها از هر نژاد و جنس، کامل‌ترین شرایط و شرط اساسی برای دخالت زحمتکشان در امور مربوط به سرنوشتشان را فراهم آورده است. این را دیگر هر کس که اطلاعات مقدماتی راجع به اوضاع در شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی داشته باشد، به‌خوبی می‌داند. اما شرکت کنندگان در مصاحبـــه اصرار داشتند هر آنچه راکه حقیقت است، دراین باره انکار کنند. این. اگـــر خوشبینانه برخورد کنیم، "شاید و شاید"! که ناشی از کمبود اطلاعات آقایان باشد محض اطلاع ایشان هم که شده، بد نیست سری به عرصه حقایق بزنیم. کافی است تنها نقش و حقوق زنان را در شوروی مد نظر قـــرار دهیم تا تنها جلوه‌ای از آزادی‌ها و حقوق دمکراتیـــک مردم شوروی را به‌چشـــم ببینیم:

"در اتحاد شوروی زنـــان نصف جمعیت فعال این کشور را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر زنان شوروی ۴۰٪ کارکنان علمی ۸۰٪ کارکنان امور پزشکی، اکثریت کارکنان بخش آموزش و پرورش و ۶۰٪ کارکنان بخش رادیو الکترونیک را تشکیل می‌دهند. بیش از ۲۰۰هزار زن ریاست بنگاه‌های صنعتی، مزارع اشتراکی نهادهای اداری و آزمایشگاه‌ها را برعهده دارند در حال حاضر زنان ۳۵٪ نمایندگان شوراهای عالی جمهوری‌های شوروی و ۴۸٪ نمایندگان شوراهای محلی نمایندگان خلق را تشکیـــل می‌دهند." برای مقایسه این آمار با وضع کشورهای سرمایه‌داری که آقای فارسی و همراهان کوشیدند کشورهای سوسیالیستی را همانند آنان و در برخی موارد، اگر چه بطور غیرمستقیم، بدتر از این کشورها نشان دهند، باید گفت که اصولا در کشورهای سرمایه‌داری برای زحمتکشان و از جمله زنان زحمتکش امکان شرکت فعال و کارساز در امور سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. در پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری یعنی آمریکا، زنان تنها ۵٪ کرسی‌ها را در مجالس نمایندگی فدرال و محلی در اختیار دارند و تنها ۹٪ کارکنان علمی کشور را تشکیل می‌دهند. ابعاد فاجعه زمانی روشن‌تر می‌شود که دقت کنیم همین تعداد قلیل نیز و در اکثریت قریب به اتفاق خود زنان بورژوا هستند.

در زمینه آموزش و فرهنگ نیز حقیقت خلاف آن‌چیزی است که در گزارش تلویزیونی فوق سعی بر ارائه آن بود. در شوروی ۱۳۷ هزار مدرسه با ۴۰ میلیون دانش‌آمـــوز وجوددارد. تمام کودکانی که به سن تحصیل رسیده‌اند، در مدرسه تحصیل می‌کنند. دولت کتاب‌های درسی آنها را به‌صورت رایگان در اختیارشان قرار می‌دهد. در هر مدرسه یک پزشک، چند پرستار (در بعضی مدارس دندانپزشک) حضور دارندو هر ساله بیش از ۶۰۰هزار کودک در آسایشگاه‌های ویژه درمان می‌شوند.

درصد کارگرانی که آموزش عالی و دوره متوسطه ۸ یا ۱۰ ساله را گذرانیده‌اند، در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ و ۱۹۷۷ از ۸/۴٪ کارگران به ۷۳/۱٪ ترقی کرد. این رقم در مورد کارگران صنعتی به ۷۴/۴٪ و در مورد کارگران جوان به ۹۴٪ می‌رسد.

در سال ۱۹۳۹، ۱۶٪ جمعیت روستایی (از ۹ تا ۴۵ ساله) بی‌سواد بودند. تعداد روستا نشینانی که آموزش متوسطه کامل یا ناقص دیده بودند، ۲۵٪ تعداد شهرنشینانی بود که این آموزش را دیده بودند. این رقم در سال ۱۹۵۹، یعنـــی تنها در عرض ۲۰ سال به ۵۰٪ رسید. بی‌سوادی نیز در روستاها به‌کلی ریشه‌کن شد. در سال ۱۹۷۷ بیش از ۵۶٪ کشاورزان مزارع اشتراکی آموزش متوسطه، کامل یا ناقص و یا آموزش عالی داشتند.

در سال ۱۹۶۵ نزدیک‌به سه میلیون و در سال ۱۹۶۷ نزدیک به ۴/۵ میلیون نفر کارگر مخترع و نوآور در اتحاد شوروی مشغول به کار بودند. امروزه این مخترعین و نوآوران بیش از ۵۰٪ جامعه علمی و فنی کشور شوروی را تشکیل می‌دهند.

این واقعیات روشن و در عین حال غرور آفرین، که همه بر پایه اصول سوسیالیسم علمی و نقش خلاق کارگران و زحمتکشان و حزب کمونیست اتحاد شوروی صورت گرفته است. از نظر آقای فارسی و همفکرانش تنها و تنها دلیل فقدان خلاقیت فکری، فلسفی و علمی در اتحاد شوروی است. همانطور که پیشرفت‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی، به‌زعم ایشان نشانه فقر و فاقه توده‌های کارگران و زحمتکش است.

درآمد سرانه در اتحاد شوروی بر مبنای قیمت‌های سال ۱۹۷۰ از سال ۱۹۱۳ تا سال ۱۹۷۶ بیش از ۳۰ برابر شده است. کل تولیدات صنعتی از همان سال تا سال ۱۹۷۷، ۱۴۵ برابر و میزان تولید صنایع غذایی ۲۱/۵ برابر شده است.

مصرف گوشت سرانه نیز در این مدت بطور تقریب به دو برابر و مصرف میوه به بیش از سه برابر رسیده است.

در حالی که قیمت‌ها ثابت است، دستمزد کارگران و زحمتکشان بطور فزاینده‌ای ترقی می‌کند. منابع هنگفتی همه‌ساله صرف موارد تامین اجتماعی زحمتکشان می‌شود.

هر ساله به ۱۱ میلیون تن از مردم زحمتکش آپارتمان نو داده می‌شود و یا این که شرایط خانه‌شان را بهتر می‌کنند. شوروی از نظر تعداد پزشکان مقام اول را در جهان دارد. این تعداد برای هر ۱۰۰۰۰ نفر در شوروی ۳۳/۵ نفرو بزای پیشـــرفته‌ترین کشـــور سرمایه‌داری یعنی آمریکا ۲۱ نفر است.

این‌همه، که مستقیما در اختیار کارگران و زحمتکشان شوروی است، باعث شده است که آقای فارسی و دیگر اعضای "هیئت اعزامی" به اکتشافات اعجاب‌انگیزی

بقیه در صفحه ۲۱

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ــ شماره ۱۰۳ ــ صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱۰

شورا ، سندیکا...

انقلاب و نیز متضمن تحکیم و گسترش محتوای دمکراتیک و مردمی آن بود بەنوبه خود موجب برآمد بازهم بیشتر " شورا " ها و اعتلای نقش آنها در زندگی سیاسی جامعه ، در تداوم و پیشرفت انقلاب و در تامین مشارکت فعال توده‌های خلق در اداره امور اقتصادی و دولتی شد . این موضوع بەنوبه خود سبب شد تا ایده شورا به مثابه سنگر ضدامپریالیستی توده‌ها بر ویرانه تفکر گذشته که در زیر آوار واقعیت و اصولیت مدفون شده بود ، جوانه زند و رشد کند و بەمثابه درک نوینی از شورا در مرکز تبلیغ سازمان قرار گیرد . در اینجا تذکر دو نکته در مورد درک سازمان از شوراها در این مقطع حائز اهمیت است :

نکته اول آنکه اگرچه در این زمان دیگر شوراها همچون گذشته **بەمنزله آلترناتیو قدرت** در مقابل حاکمیت جمهوری تلقی نمی‌شدند ، لیکن در ارزیابی از ظرفیت آنها ، چنان بهایی به انرژی و توان بالقوه آنها داده می‌شد که بطور طبیعی همچنان راه بر هرگونه انحرافی در تشخیص حدود و مضمون عملکرد آنها باز می‌ماند .

نکته دوم آنکه بەرغم تکیه بر وجه شورایی عملکرد این تشکل‌ها که اساسا تجلی عمل مستقیم انقلابی کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی بود ، آن وجه از عملکرد آنها نیز که متضمن دفاع از منافع صنفی ــ طبقاتی کارگران بود همچنان مورد توجه سازمان قرار داشت . و بەهمین خاطر گهگاه و تلویحا از آنها به مثابه تشکل‌های صنفی ــ طبقاتی کارگران نیز یاد می‌شد .

براساس چنین دیدگاهی سازمان ما تا چندی ، بسیاری از تشکل‌هایی را که بەنام شورا در واحدهای تولیدی و صنعتی پا گرفته بودند ، با توصیف "سنگر شورایی" مورد تائید و تاکید قرار داد ، از نقش انقلابی و موثر آنها در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته مبارزه برای دولتی کردن آنها و راه‌اندازی و اداره امور واحدهای تولیدی تعطیل شده مبارزه بەخاطر اخراج عوامل ضدانقلاب و مقابله با سرمایه‌داران ، عناصر و مدیران لیبرال ، پشتیبانی نموده و از آنها در مقابل شعار " شورا بی‌شورای " بنی‌صدر و برخوردهای انحصارطلبانه حزب جمهوری‌قاطعانه دفاع نمود و بر نقش شوراها در تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی ــ دمکراتیک توده‌ها تاکید داشت .

بەتدریج درک صحیح و علمی از ضرورت سازمان‌یابی صنفی ــ طبقاتی کارگران نیز در تفکر سازمان رشد نمود . در واقع هم‌روند با تعمیق انقلاب ، آشکارتر شدن صف‌بندی های طبقات و شکل‌گیری ابتدائی‌ترین زمینه‌های عینی وحدت و تشکل طبقه کارگر بر حول مطالبات صنفی ــ طبقاتی آن از یکسو و همپای تکامل مبانی ایدئولوژیک سازمان در همه وجوه آن و از جمله در زمینه اهمیت تشکل‌یابی توده‌ای و طبقاتی کارگران از سوی دیگر دیدگاه‌های ما در مورد تشکل‌های کارگری به مضامینی عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر تحول یافت

"با وجود اینکه شورا و سندیکا اساسا مفاهیم متفاوتی دارند ولی عملا در اینجا (ایران) بەعنوان مفاهیمی معادل و مشابه ، کاربرد داشته‌اند و در وضعیت موجود جنبش کارگری هیچگاه این دو تشکل باهم در یک کارخانه وجود نداشته است شوراها در اغلب موارد همان کار سندیکاها را می‌کردند و سندیکاها (که تعدادشان زیاد نبود) فعالیتی مشابه شوراهای موجود داشته و دارند ولی تشکل شورایی عملا عمده‌ترین تشکل موجود بوده و هنوز هست . "**هر چند ما اعتقاد داریم که کارگران باید در تدارک ایجاد سندیکاهای طبقاتی‌شان‌باشند و شوراهای موجود باید در زمینه پی‌ریزی سندیکاهای سرخ گام بردارند و این مسئله (سندیکاهای طبقاتی) از نظر اصول جنبش کارگری پذیرفته شده است**"

(کار شماره ۶۲ــ دو گرایش انحرافی در جنبش کارگری)

اگر تا این زمان ما عمده‌ترین تشکل‌های موجود را بر اساس واقعیت عینی ، تشکل‌های شورایی می‌دانستیم و در عین حال‌کارگران را به " تدارک ایجاد سندیکاهای طبقاتی " فرا می‌خواندیم و **لذا این مسئله را مسکوت می‌گذاردیم که تشکیلات واقعی طبقه کارگر چیست ؟** امروز صراحتا می‌گوئیم که سازمان یابی توده‌ای طبقاتی کارگران جز از طریق تجهیز طبقه کارگر به تشکل‌های صنفی ــ طبقاتی‌اش امکان‌پذیر نیست و هیچ تشکل طبقاتی و مستقل دیگری برای تامین و تحکیم اتحاد مبارزاتی کارگران وجود ندارد . مقتضیات پراتیک عینی و قانونمندی‌های عام مبارزه پرولتری بر ضرورت تجهیز طبقه کارگر به تشکل‌های صنفی ــ طبقاتی‌اش تاکید دارند . این قوانین عام مقولاتی نیستند که جنبش کمونیستی ــ کارگری ایران ملزم به کشف مجدد آنها باشد . با درک خلاق آموزش‌های مارکسیسم ــ لنینیسم در مورد تشکل‌های کارگری و با کاربست خلاق آن در شرایط خاص حاکم بر جنبش کارگری میهنمان می‌توان و باید سیری حقیقتا انقلابی و عاری از گرایشات رفرمیستی و آنارکوسندیکالیستی را پیش پای طبقه کارگر ایران گشود .

اینک وظیفه ماست که سمت‌آتی تحول "شوراها"ی موجود را ترسیم کنیم . نشان دهیم که چگونه از درون همین شوراها و بر زمینه بسط و تکامل مبارزه طبقاتی از یکسو هسته‌های صنفی طبقاتی کارگران به تشکل‌های سندیکایی فرا خواهند روئید و از سوی دیگر شوراهای‌مدیریت با شرکت نمایندگان کلیه کارگران ، کارمندان و مدیران واحدهای تولیدی ، تشکل‌خواهند گرفت و توضیح دهیم که **وظیفه پیشرو در قبال تشکل‌های شورایی موجود و چشم‌انداز آتی تحول آنها چیست ؟**

* * *

در شماره آینده‌در آخرین قسمت مقالات مربوط به تشکل‌های کارگری در ایران در پاسخ به ضرورت مبرم و اساسی فوق‌الذکر خواهیم کوشید .

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۲

اخبار کردستان

شدت‌گرفته ، همچنان ادامه دارد . اخیرا در تمام راه‌های این منطقه (سنندج ــ دیواندره سنندج ــ کامیاران ، سنندج ــ حسن‌آباد ، دیواندره ــ سقز ، دیواندره ــ بیجار ، کامیاران مرچش و ...) درگیری‌های زیادی صورت گرفته است و پاسداران دراین جریانات بیشترین تلفات را متحمل شده‌اند . حمله به داخل شهر سنندج و کامیاران نیز اخیرا شدت گرفته است .

در سنندج پس از پیام اول بهمن ماه امام عده زیادی خود را به سپاه معرفی و امان‌نامه دریافت داشته‌اند . اما تعدادی از افراد که امان‌نامه گرفته‌اند اخیرا از طرف سپاه مجددا دستگیر شده شده‌اند . علت این کار را پیداشدن شاکی خصوصی اعلام کرده‌اند ! دادگاه انقلاب نیز در همین رابطه اعلام نموده است که افرادی را که بدون امان‌نامه در شهر هستند بەزودی به دادگاه احضار خواهد نمود و افرادی نیز که امان‌نامه دریافت کرده‌اند ، باید سلاح بدست گرفته و به جنگ با ضدانقلابیون منطقه بروند . این اقدامات باعث ایجاد ترس در تعدادی از افرادی که قصد داشتند خود را معرفی نمایند ، شد . و از این کار خودداری کرده‌اند .

ضمنا در تاریخ نهم اسفند ماه ۵۹ یک نفر از زندانیان دادگاه انقلاب که از تابستان گذشته به جرم انفجار خانه یک نفر از جاش‌های سنندج و کشته شدن پیرمردی در این رابطه ، دستگیر شده بود اعدام شد و هراس و ترس مردم را بالا برد و جو نامساعدی ایجاد کرده است .

مریوان : پیروزی درجبهه‌های جنگ

در مریوان اخیرا جو خفقان و فشار کاهش یافته است و دستگیری‌ها کم شده است . عده‌ای از هواداران جریان‌های سیاسی به شهر بازگشته‌اند و آرامش نسبی برقرار است . در مناطق مرزی مریوان جنگ همچنان ادامه دارد و به همین علت نیروهای زیادی از ارتش و سپاه و بسیج در منطقه حضور دارند . در غرب مریوان نیروهای جمهوری اسلامی با عراق و در جنوب غربی مریوان با ارتش‌عراق و تفنگچی‌های رزگاری در حال جنگ می‌باشند . در این درگیری‌ها مرتب عده زیادی از پاسداران به شهادت می‌رسند اما پیشمرگان مسلمان کمتر به جبهه می‌روند و یا بیشتر اوقات از جبهه فرار می‌کنند و همواره تلفات کمتری نسبت‌به سپاه دارند . به دنبال تصرف رزمی نقاط دیگری از جمله پاسگاه " **زالانه** " که از مناطق مهم تحت اشغال دار و دسته رزگاری بود به وسیله نیروهای دولتی با شهادت عده زیادی از پاسداران ، تصرف شده است .

بقیه از صفحه ۱۱

کارنامه سیاه آقای...

نه اغلب نیز این حملات وحشیانه با ضرب و جرح نیروهای مترقی و مردمی همراه است .

بطور خلاصه این است کارنامه آقای " **فهیم کرمانی** " ، کارنامه ننگینی که سراسر با آزادی ساواکی‌ها ، حمایت از فئودال‌ها ، سرمایه‌داران بزرگ محاکمه کارگران و کارمندان و فرهنگیان و توهین و تهدید آنها ، محروم کردن دهقانان از آب و زمین و زندانی کردن انقلابیون جان بر کف خلق ، بکاربردن سنگسار همچون سرپوشی بر منشاء فحشاء ، دشمنی با نیروهای مردمی و ضدامپریالیست بسیج و تحریک عناصر مشکوک و ناآگاه و باندهای سیاه برای سرکوبی آنان و ... سیاه گشته‌است .

بدین ترتیب آقای " **فهیم کرمانی** "که به صورت بزرگ چماقداری کرمان عمل می‌کند ، از یک سو دست در دست لیبرال‌ها و زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران به سرکوبی زحمتکشان و توطئه علیه آنان مشغول است و از سوی‌دیگر با این اعمال‌ضدمردمی خود بهترین تبلیغاتی را برای متحدین‌ارتجاعی خود در بی اعتبار ساختن ارگان‌های انقلابی اشاعه بدبینی در میان زحمتکشان منطقه‌نسبت به جمهوری اسلامی و مایوس نمودن از ادامه انقلاب را فراهم آورده است . به همین دلیل است که ضدانقلاب در منطقه با استفاده از اعمال " **فهیم کرمانی** " تبلیغات گسترده وسیعی را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی به راه انداخته است .

کار

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰

سال سوم ــ شماره ۱۰۳ ــ صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۹

باند قاسملو...

نمی‌آوریم. بازهم تذکر می‌دهم ما قصد دستگیری شما را نداشته‌ایم، چون شما را عروسک‌های کوکی بیشتر به حساب نمی‌آوریم همین‌حالا هم دستگیری شما برایم ممکن است.

ولی حقیقتا این شانس را ندارید. یا شاید این شانس را به خودتان ندادید که با هر دوی شما در خصوص چاره‌اندوزی برای بیرون آمدن از این بن‌بست سیاسی حرفی زده شود. شماها با عقل ناقص خودتان می‌خواستید مرا گول بزنید. همچنانکه کلاه سر پیشمرگان قهرمان و خلق ستم کشیده کرد گذاشتید. خیلی تنگ‌نظرانه مسائل را بررسی می‌کنید! دستگیرکردن یا کشتن من چه تاثیری می‌تواند داشته باشد؟آیا آبروی از دست رفته شماها را باز خواهد آورد؟ دوستان‌ما شش نفر هستیم خودمان را عضو کمیته مرکزی حزب می‌دانیم. دو نفر از ما مواضع و دیدگاه‌های رفقا را در جلسه کمیته مرکزی مطرح خواهند کرد. به این آسانی هم نیست کسی را از کمیته مرکزی بیرون کنید. تازه چه بسا تصور می‌کردیم هر دوتان اهل منطق و صداقت هستید.. البته من و رفقا در اشتباه بودیم که آخر باشماهم در میان می‌گذاشتیم . حالا هم به هر دوتان توصیه می‌کنم چون راه برکشت برایتان می‌بینم.

به‌تصور بچه‌کانه شما دلسوزی ما برای خلق کرد کمتر از شماست. و خدای نخواسته قصد خیانت داریم ؟نه! هرگز! ما در صف متشکل انقلابیون ایران بوده و خواهیم ماند. ما شاه را رسوا کردیم آمریکا را به زانو در آوردیم. لیبرال‌ها را که دوستان شما هستند بی‌آبرو ساختیم و انقلاب خونبار خلق‌های ایران را همچنان به پیش‌می‌بریم و به آرمان حزب و راه اساسنامه معتقد و مومن هستیم. منطق ما تفکر علمی است راه ما تئوری علمی مبارزاتی است. ما موفق می‌شویم چون تاریخ با ماست. انسانیت و شرافت انقلابیون خط ما را که خط صداقت است تائید می‌کنند. اکر سیاست چماق و زور کار به جایی می‌برد، شاه بر ایران حکومت می‌کرد. فرصت این ماجراجویی را نداشتید. من نمی‌خواهم دیدگاه‌های خود و رفقا را برایتان بنویسم. چون فکر می‌کنم بیش از ۵۰ صفحه باشد. وابستکی شماها دلیل و سند نمی‌خواهد. حالا خودتان هم به این قناعت رسیده‌اید که حاشا نمی‌کنید. یک‌سری تبلیغات ناجوانمردانه دنبال من راه انداخته‌اید.

دوستان من از مردم نمی‌ترسم فرزند انقلاب و زحمتکشان هستم و مثل شماها ماسک به چهره نزده‌ام و خودم را تحمیل نمی‌کنم. حقیقت را به‌آنها می‌کویم. همچنان که‌آمریکا و لیبرال‌ها را رسوا و افشا کردیم ، شماها را افشا و رسوا خواهیم کرد.

البته تاریخ افشا و رسوایتان خواهد کرد. در مورد جنگ پیرانشهر حرف زده بودید. اگر غیرت و شرافت داشته باشید قبول می‌کنید که کار خودتان بود و تازه مگر در کنفرانس میشه‌دی همه آبروریزی‌های پیرانشهر را به عهده دفتر سیاسی‌تان نگرفتید؟ نوارش پیش من هست می‌خواهید برایتان بفرستم. مگر رحمان کاژه‌ای و سلیم بابانزاده به کرکوک نرفته بودند؟ و با وزیر جنگ عراق ننشسته بودند؟ و برنامه را به سفارش شما نریخته بودند؟ فقط ۴۸ ساعت مانده بود که به من ابلاغ شد. این وابستگی نیست؟

بی‌انصاف‌ها این کارهایتان بود که حزب را به این روز انداخت وآبرو و شرف سیاسی این مبارزه را بر باد داد. تازه مگر با طرح سراسری دولت بعث فاشیست هماهنگ نبودید؟ البته من خودم را مبرا نمی‌کنم. من‌هم با شما در این خیانت دست داشتم ولی موافق آن نبودم و خارج از اراده من بود. فقط نقش من شکل دادن به‌آن بود و درآنجا اگر عقل داشته باشید بدون آنکه کوچک‌ترین نقطه ضعفی داشته باشم برنامه را به نفع انقلاب ایران تمام کردم.

بی‌غیرت‌ها حالا افتخار می‌کنید و تاکتیک‌های ما را در این جنگ به‌عنوان افتخار سیاسی خودتان و فرایند سیاسی این جریان را در سخنرانی‌هایتان به‌میان می‌کشید؟

چون وابستگی در آنجا به حد ممکن خود رسیده بود، و حالا هم هست ، همیشه‌از بحث در این مورد گریز می‌ورزید. از حالا هم به شما هشدار می‌دهیم اگر کسی به اتهام دوستی و هم سنگری با ما کشته و یا زندانی شود ، ما جریان خیانت را نمی‌بخشیم. من ایمان دارم که راه ما راه حزب و قاضی محمد و اساسنامه است. و ما پیروز می‌شویم. مواظب تصمیم‌گیری‌های خودتان هم در منطقه باشید. سفارش کردم که مسئله مذاکره را از طریق مهاباد یا پیرانشهر تعقیب کنند.

عبدالرحمان کریمی ــ ۱۸ اسفند ۵۹

هیچ چیز خطرناک‌تر از فریب توده‌ها نیست

مردم مبارز پیرانشهر، اشنویه نقده ترکورومرکور!

پیشمرگان آگاه، وفاداران راه قاضی‌محمد، پویندگان خط اصیل حزب!

روند پرتوان تاریخ هنگامی که پرده از ستم‌ها و خیانت‌ها برمی‌دارد، و ستمگران و مستبدین را در سراشیب سقوط قرار می‌دهد ورشکستگان‌برای بقا و چند صباحی بیشتر زیستن‌به‌تمامی شیوه‌های جنایت‌آمیز و غیر انسانی متوسل می‌شوند. غافل از اینکه چرخ تاریخ بازگشت ناپذیر است و با هیچ تلاش و دست‌وپازدنی نمی‌توان جلوی حرکت تاریخ را سد کرد و حقیقت را برای همیشه از توده‌ها پنهان ساخت.

باند مزدور و منحرف از برنامه حزب که مدتهاست کوس رسوائی‌شان زده شده ، اکنون به منجلاب خیانت در غلطیده اند. این بزدلان مدتی است جعل ، دروغ ، عوامفریبی و فضای خفقان و ترور را پیشه خود کرده‌اند، ترور مشکوک سرکرد عباسی را پرده‌پوشی کرده ، پرویز قصری را به‌کلوله می‌بندند پیرانی‌ها را در اطراف بوکان به قتل می‌رسانند و کروبی‌ها این وفاداران صدیق حزب را در مهاباد شهید می‌کنند و این بار نیز در صدد ترور مسئولین تشکیلات‌ها و پیشمرکان منطقه برآمدند و برای به‌اجرا در آوردن این جنایت شوم در اطراف اشنویه کمین‌های متعددی کذاشته بودند که با هوشیاری انقلابی پیشمرگان آگاه خنثی گردید.

باند خیانت و جنایت که مرکب‌از مشتی مامور سیا و ناتو ، نوکران رژیم جنایتکار بعث، افسران طاغوتی و زمینداران منطقه هستند ، از هیچ گونه تلاش ناجوانمردانه برعلیه نیروهای مترقی ، انسان‌های صادق و پیرو برنامه حزب روگردان نیستند. و علیرغم چپاولگری‌ها و رعب و وحشت به شیوه ساواک به شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی مشغول هستند. و هیچ تهمت و برچسب ناروایی نمانده است که بر ما وفاداران به مشی سنتی و اصیل حزب نزنند. این مزدوران بعث و ناتو در منطقه با تحریک عناصر ناآگاه کوشیده و می‌کوشند تا اعضای صادق حزب و پیشمرگان آگاه را با بازی‌خوردگان رودررو قرار دهند و درگیر سازند تا با ایجاد بلوا و خونریزی هم اوامر اربابان بعثی را اجرا کرده و هم مدتی دیگر به عمر ننگین چماق و سرنیزه خود ادامه دهند.

مردم مبارز ، پیشمرگان و اعضای صادق حزب!

شما نیک می‌دانید این خیانتکاران در برچسب زدن‌ها ، تهمت‌ها و عوامفریبی‌ها بر ساواک پیشی گرفته و گوی سبقت را برده‌اند! تمام مسئولین اعضا و پیشمرگان سوما ، برادوست انول ، قطور ، ماکو و "هیزی قهرمان و شهید سرگرد عباسی" را به باد تهمت و افترا گرفته و به‌عناوین مختلف بر علیه آنان شایعه پراکنی می‌کنند. به هیزهای پیشمرگه " نحو ، آواره و سمکو" حمله می‌کنند و به شیوه‌های ناجوانمردانه دسته آنهارا محاصره و به زندان‌ها روانه می‌کنند.

چیست که منحرفین این چنین به‌دست و پا افتاده و به کثیف‌ترین اعمال شیوه فاشیست‌های بعثی عراق به‌سوی وفاداران مشی اصولی حزب حمله‌ور می‌شوند وآنها را می‌ربایند؟

دمکرات‌های راستین چه می‌گویند ؟می‌گویند : مردم را نباید فریب داد، نباید واقعیت را از توده‌ها پنهان کرد. درحالی که انقلاب خونبار خلق‌های ایران در ستیز و نبرد با توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی و خارجی است در حالی که انقلابیون در جبهه نبرد سرنوشت ساز با متجاوزین رژیم صدامی و سرسپرده امپریالیسم آمریکا می‌رزمند، در حالی‌که انقلاب در روند تعمیق و گسترش دستاوردهای خود گام برمی‌دارد، نه‌تنها نباید همدوش و همسنگر متجاوزین بعثی و ضدانقلاب باشیم ، بلکه باید با تمام نیرو و امکانات لوله تفنگ خود را در جهت انقلاب و برعلیه ضدانقلاب به‌کار بریم.

راه مبارزه حزب قطع کامل نفوذ امپریالیسم به‌ویژه امپریالیسم تبهکار آمریکا در تمام زمینه‌ها از میهن انقلابی است نه راه احیای نفوذ امپریالیسم و ضدانقلاب دست‌پرورده‌اش در میهنمان.

خلق کرد چه می‌گوید ؟پیشمرگان مبارز و آگاه چه می‌گویند ؟ می‌گویند : راه مبارزه خلق کرد راه پیوندی و همسنگری با دیگر خلق‌های ایران است نه راه جدایی و تفرقه و نفاق ، نه راه سوختن خانه و کاشانه خلق برادرآذری.

مبارزین واقعی ، دمکرات‌های راستین چه می‌کویند ؟ می‌گویند : مشی حزب ما تشکیل جبهه و هماهنگی و وحدت با نیروهای مترقی و انقلابی است نه راه همسنگری و متحد شدن با ضدانقلاب لیبرال‌ها و مائوئیست‌های مطرود.

اساسنامه حزب نظامنامه داخلی است و اجازه ورود شبکه افسران طاغوتی و همکاران بختیار و اویسی و فئودال‌ها و زمینداران بزرگ ، مزدوران بعث عراق و ساواکی‌ها را به حزب راه نمی‌دهد! اما اینک مهم‌ترین پست‌های حساس به دوستان ناتو و همکاران رژیم جنایتکار بعث عراق و افسران وابسته به بختیار و اویسی و ساواکی‌ها گذارده شده است.

مبارزین وفادار به راه قاضی‌محمدها ، یوسفی‌ها ، آواره‌ها ، معینی‌ها و شریف‌زاده‌ها چه می‌گویند ؟ می‌گویند : باید از اصول و الفبای مبارزه آموخت‌و از تجارب تلخ مبارزات ملت‌ها به‌ویژه جنبش کردستان عراق درس عبرت گرفت و از وابستگی به دولت‌های امپریالیستی و مرتجعین منطقه چون رژیم جنایتکار صدامی نه‌تنها پرهیز کرد، بلکه باید در راه مبارزه بر علیه متجاوزین به‌خاک میهن با تمام قدرت جانفشانی کرد.

اینک تمام اسلحه و مهمات‌ودینار و وسایل عیش و نوش این خائنین به حزب و خلق کرد و انقلاب ایران از رژیم فاشیستی عراق در حالی دریافت می‌شود که با توپخانه و موشک‌های ۹

بقیه در صفحه ۲۲

کار

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰

سال سوم ـ شماره ۱۰۳ ـ صفحه ۲۱

کمکهای مالی دریافت شده

آ و الف

۵۲۱۱
۱۳۵۵۵
۱۰۶۶۶
۱۰۱۹۲
۱۳۳۶
۱۳۸۴
۲۲۳۳
۶۵۳۶
۲۶۲۰
۲۰۱۴
۵۹۹۹
۲۳۳۳
۵۰۲۳
۱۰۲۶۵
۱۲۶۴
۵۰۲۲
۷۲۰
۱۱۰۰ ـ ۴
۱۰۱۱
۲۰۰۶۰
۲۰۷۵
۴۰۰
۱۱۱۱
۸۰۱
۱۰۱۲۱
۵۱۱۳
۵۱۵۹
۳۲۲۳
۱۰۱۶۸
۵۳۰۰
۵۵۹۹
۵۱۱۳
۳۰۶۰
۱۱۱۱ ر
۹۱۲

ب

۵۰۰۲
۱۱۲۳
۸۰۰۸
۱۱۱۱
۱۱۴۲
۱۰۱۵
۴۴۰۰
۲۳۱
۴۴۴
۷۵۵
۴۰۰۳
۵۲۰
۶۳۸۰
۲۵۰۰
۱۱۱۱
۵۰۳۳
۲۱۰۰
۵۴۰۰
۲۰۲۰
۵۵۵۵
۱۵۶۸۰

پ

۲۰۱۱
۵۱۲۳
۵۱۷۴
۱۲۶۲
۵۲۱۹
۱۱۲۳

—

۳۷۷۷
۲۳۴۶
۱۲۰۴
۵۳۷۹
۴۰۲۷۸
۱۰۵۹۳
۸۲۲۲
۷۰۵۵ الف
۸۵۱۷

ت

۱۰۲۰
۶۰۱۰۰
۵۱۵۵
۱۰۲۰
۳۲۶۹
۱۹۰۰
۱۳۳۳۳
۲۰۷۷ ن

ث

۵۳۲۹
۱۰۱۲۰
۱۰۰۳

ج

۲۰۰۷
۱۲۲۲
۱۳۳۳۳
۵۲۰۹
۱۰۰۱۹
۷۱۰
۱۰۰۱۹
۵۰۵۰
۱۰۱۵۰
۱۵۳۱
۱۰۶۶۶
۱۰۶۰۰

چ

۲۴۲۰۷
۵۱۱۷
۳۰۳۵۰

ح

۲۶۲۳
۱۰۲۷۱
۴۰۰۹
۵۴۴۴
۱۵۵۵۵
۱۸۸۱
۶۰۳
۳۵۰ د
۲۶۲۳
۱۱۲۵
۹۴۳
۴۱۱۱
۵۵۰۵
۱۰۵۵۵
۵۱۰۰
۳۳۷۴
۲۱۲۲
۱۵۵۵
۳۳۳۳
۲۱۵۹
۵۳۰۳

—

۲۱۱۵
۵۰۱

خ

۲۵۵۵۵
۱۰۱۱۰
۷۵۵۵
۲۸۲۳
۱۲۳۱
۲۹۹۹
۱۰۵۲۱
۱۲۳۱
۱۰۵۲۱
۲۵۲۳
۳۰۹۲

د

۵۲۲۲
۲۰۰۱۳۷
۱۰۱۲۳
۶۱۳
۵۰۳۴
۳۳۳۳
۵۲۳۵
۱۴۴۴
۲۸۵۱۲۳
۱۰۱۴
۱۴۴۴

ذ

۳۹۹۹

ر

۲۳۰۲
۷۰۰
۲۰۲۱۱
۱۰۱۰
۱۱۱۱
۱۲۰۰۱
۵۹۰۲
۵۷۷۷
۲۸۵۰ الف
۷۰۰۱
۱۹۲۲۹

ز

۱۰۱۹
۲۱۱۱
۲۰۰۱۰ ب
۱۰۰۰
۱۰۷۹۳ ق
۲۳۳۳
۲۱۳
۵۹۹۵۲
۱۵۶۳۲

ژ

۳۰۵۰
۳۶۶۶
۱۷۱۴
۶۹۲۰

س

۵۴۳۸
۱۱۱۱
۴۱۲۳
۳۱۰۱
۶۳۳۳
۱۶۱۰
۲۲۸۱
۱۱۱۱
۵۵۰۰
۱۰۰۱
۱۰۱۲۳
۱۵۳۶۵
۲۰۲۰
۱۰۱۸۳
۶۰۱۰
۴۳۲۱

ش

۱۷۰۰
۵۵۰
۵۵۵۵
۵۱۲۰
۹۴۴
۱۰۲۶۲
۲۱۲
۱۱۵۷
۱۵۳۰۰
۱۲۵۰
۴۱۰۱
۶۴۶۷

ص

۱۶۰۳
۳۰۵۳۱
۳۱۳۵
۲۰۴۳۴
۳۳۳۳
۷۱۵
۱۰۰۵
۵۱۴۹
۵۳۳۳
۲۱۰۱
۲۱۰۱

ط

۲۷۲۱

ع

۱۱۲۳
۱۰۷۲۷
۶۴۳۴
۲۵۰۳
۱۸۸۴
۵۰۸۴
۲۲۰۰ ب
۱۰۲۷۷
۱۰۰۶ ع
۳۰۰۰
۲۱۱۱
۳۸۱۳۸
۲۶۶۶
۲۱۲۲
۲۵۳۲
۲۲۲۲
۸۳۳

غ

۳۰۳۱

ف

۳۲۳۷
۲۵۰۱۳
۲۰۴۸
۶۲۱
۳۳۲۷
۵۱۱۱
۲۱۳۷ د
۲۱۱۳
۵۶۷۸
۳۱۲۳
۲۰۰۷
۱۹۵۶
۲۲۲۲
۱۵۰۰
۲۶۵۰
۵۲۲
۱۰۶۰۶
۵۸۲۲
۵۵۰
۴۸۰۰
۷۱۰۰
۵۱۶۴
۲۱۶۴
۸۵۱۳
۲۹۶۸
۱۰۱۰۰

ق

۲۰۳۷
۵۱۰۰
۵۵۲۱
۱۳۳۳
۱۰۵۵
۲۰۷۹
۳۰۰۵۴

ک

۵۴۳۷
۱۰۵۲۷
۱۵۱۱۸
۱۶۰۰
۴۱۰۰
۱۱۰۰
۵۱۲۶
۱۱۰۰
۵۵۳۹
۶۲۷۱
۱۰۲۳۰
۳۰۰ ی

گ

۱۰۲۵۳
۵۱۸۸
۱۱۲۳
۱۰۱۲۳
۱۰۰۴
۵۳۲۷
۷۱۱۱

ل

۵۳۷۹
۲۳۳۳
۳۳۳۳

م

۵۹۲۵
۵۴۳۱
۴۰۰۵
۱۵۷۷۷

—

۲۲۲۲
۱۰۹۸۷
۱۲۱۸
۱۱۲۳
۳۲۲۵
۴۲۲۳
۵۲۴
۳۰۳۵
۲۰۰۲ ف
۳۴۵۱
۱۸۸۸
۱۲۰۸
۵۵۰
۷۱۱۴
۳۱۲۳
۵۵۲۵
۱۰۰۰ ر
۲۵۴۱
۱۰۱۰۰
۶۲۲۲
۲۱۰۲
۱۵۳۷
۲۱۱۵
۵۵۰۰
۸۰۰
۲۱۳۷
۵۲۴
۱۱۴۵
۱۱۲۱۳
۴۱۲۱
۲۰۰
۶۸۰۴
۱۹۵۴
۴۲۳۲
۳۶۴۴
۳۰۰۰
۶۲۲۲
۵۱۰۱
۱۱۳۴
۱۰۱۴
۳۰۰۴
۱۰۵۵۵
۵۹۸۷
۱۰۰۰۰
۴۳۳۳
۵۱۲۱
۳۷۴۳
۲۰۱۰۰
۵۴۴۴
۳۰۵۷۵
۵۳۳۳
۵۰۰ ح
۱۳۳۳
۱۵۰۹۲
۹۴۴
۱۷۰۶۶
۱۰۳۳

ن

۱۸۹۰
۲۸۹۰
۱۲۲۰
۱۰۰ ک
۲۲۱۰
۵۳۲۱
۳۰۰۲
۱۱۵۶۰
۲۰۱۱۵

و

۱۰۰۰۱

ه

۱۶۸۰
۲۵۰۱
۵۱۰۷
۵۱۰۵
۲۰۰۲
۱۱۵۰
۱۱۲۳
۱۳۳۲

—

۱۰۲۵۴
۷۰۰
۲۷۷۹
۱۰۲۲۲

ی

۲۴۲۴
۵۲۴۹
۳۰۰۵
۸۵۰

—

۵۹۸۷
۳۳۳۳

بدون حرف اول نام

۹۹۱
[illegible]
[illegible]
[illegible]
۵۱۳۱

هواداران و ـ دارایی ۲۸۰۰۰ ریال
کتاوه ـ الف ـ ۵۶۷ هدیه شما رسید
رفقای دختر مشکین‌شهر ۱۰۰۰۰ ریال
اولدوز ۱۰۰۰ ریال
پیشگام دبیرستان ابن‌سینا همدان ۲۰۰۰ ریال
هدیه عروسی م و هما ۱۰۰۰۰ ریال
جبهه سومار ۴۵۰۰ ریال
۱۱۱ ـ دامون ۸۰۰۰ ریال
پیشگام دبیرستان تربیت کرمانشاه ۲۰۰۰ ریال
لیلا از کرمانشاه ۱۰۰۰ ریال
رفیق سیما ـ ک هدیه شما رسید
رفیق فرزانه از کرمانشاه هدیه شما رسید
رفقای ح ـ ۵۰ ـ ۶۵۰۰ ریال هدیه شما رسید
صدیق معلم ۵۰۰۰ ریال
رفیق روسک هدیه و نامه‌ات رسید
علیرضا بیسرو ۱۵۰۰ ریال
روستای حسین‌آباد بیرجند ۲۰۰۰ ریال
ایلام ـ ۳۱۵۲
س ـ امید ۱۰۰۰ ریال و هدیه رسید
دوستان کرمانشاه عکسها رسید
هواداران بانک ملت ۳۱۰۰ ریال
جبران ۴۰۰۰ ریال
رفیق مادر هوادار (م) ۵۰۰ ریال و شعر شما رسید
رفیق علیرضا (م) ۵۰۰ ریال و نامه شما رسید
ف ـ ۲۳۶ مقالات و گزارش رسید
پیشگام هدف ۲ ـ ۴۷۵ ریال
پیشگام ندای آزادی ۱۰۰۰۰ ریال
ارشاد ۳۰۰۰ ریال
رضا ـ ن ـ ۳۰۰ ریال
انجمن دانشجویان ایرانی در شاخه فرانسه ۴۵۰۰۰ ریال
انجمن دانشجویان ایرانی در شاخه فرانسه ۵۰۰۰ ریال
رفیق زندانی قزلحصار ۲۰۰۰ ریال شما رسید
رفیق کارگر مواد غذایی ۲۶۰۰ ریال رسید
دبیرستان شاهنگ ۳۵۰ ریال
پیشگام کیهان نو ۵۵۰ ریال
ح ـ ۲۰ رسید
دبیرستان سپهرآرا ۱۲۰۰۰ ریال
غلام دانش‌آموز پیشگام کرمانشاه ۳۰۰ ریال
لاله، ۱۰۰ ریال رسید
رفیق مادر ۴۰۰ ریال رسید
رفقای آلمان غربی، پوشاک و وسایل پزشکی شما برای جبهه‌های مقاومت جنوب به وسیله رفیق فریده رسید با درود
احمد ـ ۲۶ ـ ۱۰۰۰ ریال
ف ـ ۱۶۴ هدیه شما رسید
س ـ فرسپر ـ ۵۰۰ ریال
رفیق سوکند ۲۰۰۰ ریال رسید
۱۲۰ ریال پس‌انداز رفیق مروارید رسید
ستاره سرخ ۲۰۰۰ ریال
جعفر ـ ۲۱۱۳
محسن ـ آمل ـ ۱۱۱۲
هدیه نسیم رسید
هواداران سازمان در ایتالیا ۲۰۰۰۰۰ ل
افسر وظیفه از تبریز ۲۵۰۰۰ ریال رسید
سرباز ـ ۲ از تبریز ۱۰۰۰ ریال رسید
پیشگام خوی ـ پروین اعتصامی ۳۰۰ ریال
و ـ د ـ سرباز شهید ۸۲۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۱۸

پای صحبت جلال الدین فارسی و همراهان...

دست بیابند. از جمله کشف "زاغه‌ها" گویا در تاشکند شوروی و این کشف ـ بخوان اختراع ـ بدیع که گویا مردم شوروی برای به‌دست آوردن مسکن تن به ازدواج‌های مصلحتی می‌دهند و پس از گرفتن مسکن از هم جدا می‌شوند، در حالی که خود آقایان هم قبول دارند و در سخنانشان به‌صراحت می‌گویند که در کشور شوراها برای هر نفر ۱۷ متر مربع فضای سکونت تامین شده است.

مقامات رسمی شوروی در برابر این افتراپراکنی‌ها و پرده‌پوشی حقایق اعلام کردند که اگر کسانی حتی یک زاغه نه‌تنها در تاشکند بلکه در سراسر اتحاد شوروی پیدا کنند یک کارخانه ذوب‌آهن جایزه خواهند گرفت. این مطلب به‌ویژه می‌تواند قابل توجه آقای جلال‌الدین فارسی و اعضای هیئت همراه ایشان باشد. به‌راستی می‌شود محاسبه کرد که آنان با "کشفیات داهیانه!"شان چند کارخانه ذوب‌آهن جایزه خواهند گرفت؟!

جوایز ایشان به‌ویژه سربه‌فلک خواهد کشید اگر که تحریف اوضاع افغانستان را نیز به دیگر تحریفاتشان بیفزاییم!

آقای فارسی بسیار کوشیدند که گروه‌های امپریالیسم ساخته به‌اصطلاح "مجاهدان افغانی" را، برخاسته از متن خلق زحمتکش افغانستان و حامی منافع آن جلوه دهند تا در مقابل، حکومت مردمی و مترقی افغانستان، "رژیمی کودتایی"!، تحمیلی! و ضدخلقی ارائه شود. ایشان بدون آنکه از مداخلات ضد انقلابی امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و چین و پاکستان، توسط همین به‌اصطلاح "مجاهدین" در امور داخلی افغانستان، حتی کلمه‌ای سخن بگویند، با تحریف حقایق مربوط به حضور نیروهای شوروی در افغانستان، عملا بر جنگ اعلام نشده امپریالیسم به سرکردگی آمریکا در افغانستان آب تطهیر ریختند. ایشان در مقایسه آمریکا و شوروی گفتند که در زمان انقلاب با وجودی که آمریکا در ایران حضور فعال داشت در ارتش مستشاران آمریکایی بودند. به‌مجرد شروع انقلاب‌ایران مردم ما را به حال خود گذاشتند و رفتند حال اینکه شوروی با وجود قیام مردم افغانستان به‌آنجا لشکر کشیده است. آقای فارسی به این ترتیب عملا می‌گویند که خطرناک‌تر از آمریکا، شوروی است.

به‌راستی بر امپریالیسم آمریکا و لیبرال‌های جاده‌ـ صاف‌کنش‌در ایران که بلندگوهای ریز و درشت خود را از رادیوهای بیگانه گرفته تا مطبوعات "میزان"منش به‌کار می‌اندازند، خرجی نیست، اما کسانی که خود را مدافع و دلسوز انقلاب ضدامپریالیستی مردم ایران معرفی می‌کنند، کسانی که برای گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی می‌خواهند در عرصه مبارزه با امپریالیسم و متحدین لیبرال آن گام بردارند و بالاخره کسانی که به‌منظور انجام یک "انقلاب شناسی تطبیقی" و استفاده از دستاوردهای عظیم مردم شوروی به این کشور مسافرت می‌کنند!، چطور؟

آیا این دیگر روشن نیست که "شوروی ستیزی"، جعل حقایق امور در کشورهای سوسیالیستی، به‌ویژه اتحاد شوروی، افتراپراکنی و بهتان ضد کمونیستی سلاح امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است تا با هر جنبش ترقیخواه و ضدامپریالیستی به بهانه نفوذ کمونیسم، مقابله کند دامی است که امپریالیسم به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا در جهان و در ایران به یاری لیبرال‌های "هم‌خطش" گسترده است تا نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست را در آن بیندازند، آنها را از نزدیکی به متحدان بین‌المللی خود و در راس همه اردوگاه سوسیالیسم، به‌ویژه اتحاد شوروی باز دارند، آنها را منزوی کنند و سرانجام در شرایط مساعد ضربت قطعی را وارد آورند؟ اعضای هیئت شرکت کننده در برنامه تلویزیونی "بازگشت از شوروی"! اگر بسیار خوش‌بینانه برخورد کنیم، اگر سالها "تحقیق"! آقای فارسی و همفکران ایشان را در خصوص اوضاع امور در کشورهای سوسیالیستی نادیده بگیریم، اگر انبان پر گرایشات ضدکمونیستی و ضد شوروی ایشان و امثال ایشان را به‌دیده اغماض بنگریم، در این دام امپریالیست ساخته افتاده‌اند! کامل و تمام عیار افتاده‌اند! اغتشاش مرز بین دوستان و دشمنان بین‌المللی انقلاب ما، عمده کردن خطر شوروی به جای خطر آمریکا ـ ولو بطور غیر مستقیم تلاش مذبوحانه برای محروم کردن زحمتکشان انقلابی میهن از تجارب، امکانات و هم‌یاری عظیم کشورهای اردوگاه سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی، کم‌ترین نتایج سوء این‌گونه برخورد است. تداوم این روش انقلاب ما را با خطرات به‌مراتب بزرگ‌تری روبرو می‌کند و این به‌واقع هشدار برانگیز و بازهم هشدار برانگیز است!

باند قاسملو...

بقیه از صفحه ۲۰

متری رژیم صدام هم‌میهنان ما را در جنوب و جنوب غربی کشور عزیزمان ایران در خون غلطانده و خانه‌های مسکونی و عصاره حیات اجتماعی و اقتصادی ما را مورد ناجوانمردانه‌ترین حملات خود قرار داده است.

مردم مبارز، دمکرات‌های راستین، پیشمرگان هیزی نحو، آواره، سمکو افشین، قهرمان، سرگردعباسی، با درک واقعیت و با پیروی از مشی اصولی حزب و در وفاداری به راه شهدا بکوشید، با شناخت دقیق از ماهیت باند منحرفین‌تا شایعه‌سازی. توطئه‌ها و دام‌های آنها را با صبر و هوشیاری انقلابی برملا سازید و اجازه ندهید با استفاده از نام مقدس و پرافتخار حزب دمکرات کردستان ایران مشتی افسران بختیاری و نوکران بعثی و ناتو به چماق‌داری و قلدری خود در جهت فریب توده‌ها ادامه دهند.

با اتحاد و یگانگی صفوف خود را فشرده‌تر سازید و برای طرد کامل منحرفین بکوشیم. و همه باهم در راه قطع کامل نفوذ امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و برای دفع تجاوزات رژیم جنایتکار صدامی و برچیدن بساط ضدانقلاب و برای گسترش دستاوردهای انقلاب و تحقق خواست‌های برحق خلق کرد به مبارزه اصولی خود ادامه دهیم.

ما پیروز خواهیم شد فقط و فقط اگر حقیقت را به‌توده‌ها بگوئیم
مرگ بر امپریالیسم به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا
مرگ بر رژیم تجاوزکار صدامی و نوکران داخلی‌اش
پیش به‌سوی حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان و تامین خواست‌های برحق خلق کرد!
ننگ و رسوایی بر منحرفین و شایعه‌سازان و تفرقه افکنـــــــان
درود بر پیروان راستین حزب دمکرات کردستان ایـــــــران

عبدالرحمن کریمی عضو کمریته مرکزی حزب و مسئول سیاسی و نظامی منطقه ترگور و مرگور
رحمان پیروتی کادر سیاسی و نظامی منطقه پیرانشهر و اشنویه

شاخه کردستان سازمان، به مناسبت آغاز سال ۶۰ بیانیه‌ای پیرامون تحولات یکساله گذشته در کردستان و چگونگی حل مسئله کردستان انتشار داده که به‌علت تراکم مطلب این شماره، در شماره‌بعدی چاپ خواهد شد.

بیانیه ۱۰ماده‌ای ...

بقیه از صفحه ۲

تشنج و درگیری‌های سیاسی مورد توافق قرار گرفته است و این توافق به‌گونه‌ای انجام گرفته که برای دولت رجائی و دیگر دست‌اندرکاران طراز اول خط امام فرصت و زنگ تنفسی فراهم آورده که موقعیت سیاسی خود را تحکیم نمایند.

ما بدون آنکه نسبت به پایداری این حالت تعادل موقت چندان خوشبین باشیم، تاکید می‌کنیم که دولت رجائی باید از آرامش سیاسی به دست آمده، با سرعت و شتابی که لازمه سرعت تحولات در جامعه کنونی ماست، درجهت تعمیق انقلاب ایران حرکت کند. آرامش سیاسی به‌دست آمده هرگاه بدون اتخاذ سیاست‌هائی سپری شود که باید به نیازهای اساسی و مبرم وسیع‌ترین اقشار خلق پاسخ دهد، دولت رجائی را با بحرانی در سطح گسترده‌تر و عمیق‌تر مواجه خواهد ساخت.

ما در پیام نوروزی به خلقهای میهن، اقداماتی را که در شرایط امروز از ضرورت حیاتی برخوردارند، برشمردیم. بار دیگر تاکید می‌کنیم که تنها با حرکت درجهت پاسخگوئی به نیازهای اساسی انقلاب است که این زمینه فراهم می‌آیدْ تا نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران در صفوفی فشرده و یکپارچه گرد آمده و نیروهای ضدانقلاب هرچه منزوی‌تر گردند. بیانیه امام و اقداماتی که پس از آن صورت گرفته، به خودی خود تنها می‌توانند برای مدتی کوتاه بحران‌های سیاسی را در حکومت جمهوری اسلامی تخفیف دهند، اما آنچه حیاتی‌است و انقلاب می‌طلبد، آنچـــــه توده‌های مردم ایران خواهان آنند، حرکت درجهت تحقق هدف‌های اساسی انقلاب است. فقط نیروهائی که بتوانند خود را با این ضرورت‌های حیاتی سازگار سازند، در صفوف نیروهای خلق موقعیت مستحکم و پایداری خواهند داشت.

خبر یکشنبه ۹ فروردین کیهان مبنی بر انشعاب در سازمان ما دروغ محض است

مطلبی که در زیر می‌خوانید، توضیحی است پیرامون خبری که تحت عنوان "در ظرف کمتر از ۸ ماه برای سومین‌بار سازمان‌چریکهای‌فدائی‌خلق‌ایران دچار انشعاب شد" در روزنامه کیهان مورخ یکشنبه ۹ فروردین‌ماه به چاپ رسیده است. ما عین توضیح را برای روزنامه کیهان ارسال داشته‌ایم و بی‌مناسبت ندانستیم که در کار نیز به درج آن اقدام کنیم:

سردبیر محترم روزنامه کیهان

اطلاع دارید که در روزنامه کیهان یکشنبه ۹ فروردین ماه، صفحه ۲ خبری درج شده است مبنی بر اینکه گویا" در ظرف کمتر از ۸ ماه برای سومین بار در سازمان چریکهای فدائی خلق انشعاب" شده است. ضمن تکذیب این خبر که از اساس نادرست است، جهت اطلاع تحریریه محترم آن روزنامه و خوانندگانی که خبر نادرست فوق را شنیده و یا خوانده‌اند، طبق قانون مطبوعات ضروری است که توضیحات زیر را در همان صفحه و با همان حروف به چـــاپ رسانید.

قبل از هرچیز لازم به تذکر است که جز انشعاب فراکسیون اقلیت که ۸ ماه پیش صورت‌گرفته است و خبر آن نیز در همان زمان رسما توسط سازمان اعلام گردیده است، هیچ انشعاب دیگری در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همان وقت عنوان "اکثریت" بدان افزوده‌شد، صورت نگرفته است. علاوه بر این باید خاطرنشان ساخت که علیرغم آنچه که از خبر روزنامه کیهان مستفاد می‌شود، در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هیچگاه به‌یک‌جناح به‌اصطلاح" چپ" وجود داشته و نه چنین جناحی در سازمان ما می‌تواند وجود داشته باشد. مسئله باز می‌گردد به اخراج چند تن از اعضاء که براساس پایبندی سازمان به مشی انقلابی و اصولیت انقلابی، شش ماه پیش از سازمان اخراج شدند. بریده نشریه‌کار شماره ۸۴ که خبر این اخراج در آن به چاپ رسیده است، ضمیمه این نامه است.

اطلاع یافته‌ایم که عده‌ای از این افراد اوراق و نشریاتی را با امضای جعلی" جناح چپ اکثریت" علیه رهبری سازمان و علیه مشی انقلابی آن منتشر می‌کنند. این مسئله بگونه‌ای در کیهان درج شده است که این توهم را پدید آورده که گویا اخیرا در سازمان انشعاب‌های دیگری رخ داده است. لغو عضویت عناصر مزلزل و مرددی که ضوابط سازمان را زیر پا می‌نهندوشیوه‌ضدتشکیلاتی در پیش می‌گیرند و یا رانده‌شدن افرادی که در دفاع از انقلاب و حفظ اصولیت عقیدتی خویش از خود ناپیگیری نشان می‌دهند، در یک سازمان انقلابی نه‌تنها امری غیرطبیعی نیست بلکه نشانه‌ای است از اصالت انقلابی و اصولیت ایدئولوژیک. درست به همانگونه که گرویدن روزافزون انقلابیون راستین به سوی سازمان ما، آنان که در عمل به انقلاب وفادارند، آنان که دفاع از منافع و مصالح خلق و توده‌های زحمتکش و محروم جامعه را مقدم بر دفاع از منافع شخصی و گروهی خویش می‌شمارند، امری است کاملا طبیعی و غرورانگیز.

تجربیات تاریخی باید به همه سازمان‌های انقلابی بیاموزد که چنانچه با نطفه‌هائی که درسازمان‌های انقلابی بسته می‌شود تا به کانون تردید و تزلزل در دفاع از انقلاب و آرمان مردم بدل گردند، از همان آغاز با قاطعیت برخورد نشود، هرگاه مصالح گروهی موجب شود عناصری در سازمان‌های انقلابی باقی بمانند که در ادامه راه و دفاع از منافع مردم در برابر دشمنان مردم از خود یاس، ناپیگیری و تزلزل نشان می‌دهند، آنگاه چه تضمینی وجود خواهد داشت که فردای این میهن کنونی ما تداوم و تعمیق و پیشرفت و پیروزی نهائی‌انقلاب خویش را جشن بگیرند؟ سازمان ما عزم آن دارد که از تجربه تاریخی درس بگیرد. سازمان ما درآینده نیز همچون گذشته با قاطعیتی انقلابی و با عزمی استوار باچنین عناصری برخورد خواهد کرد. ما همواره به این ویژگی انقلابی سازمان خویش در حراست از آرمان انقلابی بنیانگزاران و سازندگان شهید سازمان افتخار کرده‌ایم و می‌کنیم و خواهیم‌کرد. ایمان داریم که تاریخ ما و خلق آگاه و انقلابی ما نیز این اصولیت و اصالت را می‌ستایند و بر آن صحه می‌نهند. مطلقا به سود مصالح جنبش و انقلاب نمی‌دانیم که بر اخراج عناصر ضدتشکیلات که با عمل خویش ثابت کرده‌اند که شایسته عضویت در پیگیرترین سازمان‌های انقلابی نیستند، نام انشعاب نهاده شود، نامی که قبل از هرچیز نوعی تفرقه و تجزیه را تداعی می‌کند. رانده شدن افراد مردد و متزلزل نه‌تنها نشان از تجزیه و تفرقه نیست بلکه در یک سازمان انقلابی دقیقا نشانه‌ای است از استحکام و انسجام و بلوغ سیاسی و عقیدتی آن. هر سازمان انقلابی به همان میزان که از خود پیگیری انقلابی و پاسداری از آرمان مردم نشان می‌دهد، به همان میزان عناصر مردد، متزلزل و سردرگم را از خود می‌راند و به میزان روزافزونی عناصر مصمم، پیگیر و انقلابی را در صفوف خود جای می‌دهد. این تحولات هم‌اکنون در سطح جنبش انقلابی خلق ما و ازجمله در سطح سازمان ما به همانگونه که شاهد آن هستیم، به چشم می‌خورد و جریان دارد. آیا عدم توجه به این حقایق و انشعاب نامیدن این‌تحولات ناشی از عدم توجه به عمق مسائل نیست؟!

سازمان‌چریکهای‌فدائی‌خلق‌ایران (اکثریت)
دهـــم فروردین ۱۳۶۰

توضیح راجع به نادرستی خبر مربوط به سیدطه محدث

در کار شماره ۱۰۱ خبری مبنی بر شهادت سیدطه‌محدث درج شده است که ما پس از انتشار آن دریافتیم این خبر صحت نداشته و چاپ آن در کار نتیجه تسامح ما و مجموعه اطلاعات نادرست‌گزارش شده،بوده است.

ما ضمن پذیرفتن انتقادات جدی به نشریه کار و سایر ارگان‌هائی که در این زمینه‌مسئولیت دارند، از آقای‌سیدطه‌محدث خانواده نامبرده و دوستان آنها صمیمانه پوزش می‌طلبیم. احتمال اشتباه در اینگونه موارد آن هم در شرایطی که هزاران هم‌میهن ما در جنگ مقاومت به شهادت رسیده‌اندو همچنین در اوضاع و احوالی که هزاران عضو و هوادار سازمان ما در جبهه‌ای وسیع علیه تجاوزگران پیکار می‌کنند، امری‌بعید نیست.

این احتمال به‌ویژه زمانی بیشتر می‌شود که کم‌دقتی رفقای مسئول و تشابهات اسمی با گزارشات تحریف شده و مغرضانه نهادها و عناصری که با جعل خبر در پی کاستن از اعتبار نیروهای انقلابی هستند، همراه گردد. در خبر نادرست کار شماره ۱۰۱ همه این عوامل دست به دست هم داده و نتیجتا موجبات اشتباه مذکور را فراهم آورده‌است.

ما همه توان خویش را به‌کار خواهیم گرفت که درآینده چنیـــــن اشتباهاتی تکرار نشود.

ایجاد تشنج درقزوین...

بقید از صفحه ۱۲

در قزوین تضعیف جبهه براندازی انقلاب است، پس چرا نیروهای طرفدار انقلاب را زیر ضرب‌برده‌اند؟ مقامات مسئول باید بدانند این شیوه‌های برخورد نه‌تنها ضد انقلاب را تضعیف نمی‌کند بلکه بهترین زمینه را برای رشد آنها فراهم می‌کنند و کار به‌جائی می‌رسد که بختیار خائن و طرفدارانش هم جرات پیدا کرده و علنا نقش دایه دلسوزتر از مادر را بازی می‌کنند و با حربه دفاع از آزادی! مردم را فریب بدهند .... ما محدود کردن آزادی‌های سیاسی نیروهائی را که مدافع انقلابند و خواهان اجرای قانون اساسی هستند را به ضرر انقلاب و به نفع ضدانقلابیون می‌دانیم"

اطلاعیه هواداران سازمان در قزوین با تاکید بر این واقعیت که در شرایط کنونی شکستن آرامش قانونی و دامن زدن به اختلافات غیرعمده از سوی هر نیروئی که باشد، عملا اجرای سیاست‌های مطلوب امپریالیسم است، با این جملات پایان می‌پذیرد:

" ما در اینجا یکبار دیگر به تمامی نیروهائی که خواهان استمرار و پیروزی انقلاب هستند هشـــــدار می‌دهیم: امپریالیسم امریکا در کمین انقلاب نشسته است همه قلمها و دستها را علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا به‌کار گیریم."

بقیه از صفحه ۳

چگونه می توان...

و افزایش قیمت بلیط اتوبوس را که هم‌اکنون بیش از حد بالاست مطرح کرد . از سویی دیگر ، کارخانه اتوموبیل سازی رنو به جای آنکه در پی ایجاد تغییری در محصول کارخانه خود باشد اعلام داشت که سفارش خرید اتوموبیل می‌پذیرد و آنچنان که گفته‌شده چندین‌هزار نفر تقاضای خرید رنو کرده‌اند . و هریک ۵۰ هزار تومان ودیعه داده‌اند (این که این رقم به حدود یک میلیارد تومان رسیده است و کارخانه رنو با چنین رقم سرسام‌آوری چه می‌خواهد بکند خارج از بحث کنونی‌ما است) . **اما این که دولت در کارخانه دولتی شده رنو به جای اقدامات اساسی در پی جمع کردن مشتری برای محصول این کارخانه وابسته است سئوال برانگیز است که مسئولان جمهوری اسلامی باید بدان پاسخ گویند .**

برنامه اصولی در جهت قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید با تبدیل کارخانه‌هایی که محصول آن برای‌حمل و نقل عمومی بار و مسافر مورد نیاز است ، همراه باشد این سیاست یکی از الزامات رشد اقتصادی کشور در زمینه صنعت و کشاورزی است و نیز فراهم آورنده رفاه بیشتر برای کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی است . همانطور که گفتیم دنبال کردن این سیاست ، از یک سوی مستلزم قطع پیوندهای وابستگی صنایع اتوموبیل سازی است (که در زیر بدان خواهیم پرداخت) ، و ازسوی دیگر باید با برنامه‌ای گسترده و جامع برای ایجاد شبکه حمل و نقل عمومی و به‌ویژه برای گسترش شبکه راه‌آهن و اتصال شهرها و روستاهای کشور به این شبکه ، همراه باشد .

۲ ـ همانطور که در شماره پیشین دیدیم ویژگی صنعت وابسته اتوموبیل سازی این‌است که صنایع جنبی آن (مانند لاستیک‌سازی) صنایعی اساسا وابسته بوده که زنجیر سلطه سرمایه‌های امپریالیستی بر اقتصاد ایران را تحکیم بخشیده است ، خصوصیت وابستگی این صنعت مانع از آن بوده است که صنایع غیر وابسته جنبی داخلی به‌ویژه صنایع کوچک ، بتوانند در کنار آن‌بوجود آیند و رشد کنند در مواردی که صنعتگران و کارخانه‌های کوچک غیروابسته کوشیده‌اند علیرغم سیاست‌های این انحصارات و دولت وابسته شاه ، از کنار صنعت اتوموبیل سازی بوجودآیند و برخی از آلات و ادوات اتوموبیل را تهیه کنند ، دیری نپاییده است که در نتیجهٔ عملکرد این صنایع ورشکست شده و از میدان به در رفته‌اند .

درشماره پیشین گفتیم که شرکت‌های امپریالیستی که بر تمامی پروسه تولید صنعت وابسته اتوموبیل نظارت می‌کنند قطعات منفصل اتوموبیل را در بسته‌بندی‌های یکدست " غیر منفصل و "کاملا منفصل " (موسوم به بسته‌های " اس. کی.دی " و " سی.کی. دی") به شرکت‌های وابسته می‌فروشند . برای‌این که قطعه‌ای در داخل کشور تولید شود شرکت انحصاری "چند ملیتی "باید آن را از بسته‌بندی خارج کند از آنجا که این کار موجب کاهش سود انحصار امپریالیستی می‌شود ، انحصار حاضر به قبول آن نیست . در شماره پیشین قضیه جانشین کردن کمک فنر ساخت داخل به جای کمک‌فنر تولید شده در شبکه انحصار " چند ملیتی " را در یکی از کارخانه‌های کامیون سازی ، پس از انقلاب ، نقل کردیم و از این موارد بسیار است تا زمانی که روابط صنعت اتوموبیل سازی (و دیگر صنایع وابسته) با انحصارات برقرار بماند . از این نمونه‌ها بسیار خواهد بود .

علاوه بر این گفتیم که انحصارات امپریالیستی بنا بر الزامات رشد سرمایه‌خود ، در تولید محصولات صنایع تغییر بوجود می‌آورند . در صنعت اتوموبیل سازی وضع عموما بدین ترتیب است که هنگامی که بازار اتوموبیلی رو به اشباع است (مانند بازار اتوموبیل ژاپن) ، یا بازار برای عرضه محصول پرسودتری بوجود آمده است (مانند بازار بیوک و کادیلاک) انحصارات امپریالیستی محصول کارخانه را تغییر می‌دهند . این کار علاوه بر هزینه‌های سنگینی که دربر دارد و به خریدار اتوموبیل انتقال می‌یابد ، باعث زیان صنایع جنبی غیر وابسته و حتی سبب از بین رفتن آنها می‌شود .

این وضع بدون تغییر در خط تولید و نوع محصول نیز بوجود می‌آید . خواننده " کار " می‌تواند به شکل ظاهری اتوموبیل پیکان سال ۵۹ توجه کند و چراغ‌های جلو و عقب آن را با چراغ‌های پیکان ۵۷ و ۵۸ مقایسه‌کند . تغییری محسوس درشکل چراغ‌ها دیده می‌شود . علاوه‌بر این ، خواننده می‌تواند از فروشندگان لوازم یدکی پیکان قیمت چراغ‌های پیکان ۵۸ و۵۹ را بپرسد و مقایسه کند . تفاوت بسیار قابل ملاحظه است ؟ چرا ؟ چراغ‌های پیکان که برای چند سال تغییر نیافته بود ، و در داخل تولید می‌شد و قیمتی به نسبت ارزان داشت ، در سال ۵۹ کارخانه کرایسلر انگلستان تصمیم گرفت شکل چراغ‌ها را تغییر دهد و این کار را بطور یکجانبه انجام داد . بسته‌های " نیمه منفصل " و " کاملا منفصلی " که این شرکت انحصاری امپریالیستی برای کارخانه ایران‌ناسیونال می‌فرستاد ، از آغاز سال جدید (۵۹) چراغ‌های‌جدید را درخود داشت نتیجه این شد که چراغ‌هایی که با قالب‌های قبلی تولید می‌شد به کارپیکان‌های جدید نیاید . قیمت چراغ یدکی افزایش یافت و این کار در زمانی رخ داد که شرکت ایران ناسیونال سازنده پیکان ، دولتی نیز شده بود

بنا بر این می‌بینیم سیاست انحصارات امپریالیستی ، که صنعت اتوموبیل سازی ایران بدان‌ها وابسته‌است همواره مانع آن بوده‌است **که صنایع جنبی داخلی بتوانند بدون قرار گرفتن در پیوندهای وابستگی رشد یابند** . علاوه بر آن می‌بینیم که به علت وجود پیوندهای عمیق میان صنعت وابسته داخلی و انحصارات امپریالیستی ، حتی ملی کردن آنها به خودی خود و بدون قطع کامل کلیه این پیوندها ، نمی توانده‌باعث ایجاد صنعتی مستقل به جای این صنعت وابسته شود . همچنان که در سال اخیر ، با آن که این صنعت ملی شده و از سرمایه‌داران وابسته آنها خلع ید شده (هرچند تکلیف سهامداران خارجی ، در مواردی که سهامدار خارجی وجود داشته هنوز تعیین نشده اما در هر صورت اداره صنعت به دست دولت بوده است) هنوز پیوندهای وابستگی این صنعت بر جای مانده است . و این مانعی اساسی در مقابل رشد صنعت مستقل اتوموبیل سازی و ایجاد پیوندهای ارگانیک میان آن و صنایع جنبی آن بوده است .

سیاست قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید مبتنی بر قطع کامل پیوندهای میان این صنعت و انحصارات امپریالیستی باشد . در شماره آینده به بحث درباره چگونگی اجرای این سیاست مهم خواهیم پرداخت .

■

بقیه از صفحه ۱

پیام سازمان...

" جبهه ساندینیست طومار یکی از سفاک‌ترین رژیم‌های تروریستی وابسته به امپریالیزم یانکی را درهم پیچید و اینک با تحکیم صفوف خود مصمم است تا نقش شایسته خویش را در تداوم پیروزمندانه روند انقلاب خلقی ـ ضد امپریالیستی‌اش و شالوده‌ریزی تحقق آرمان‌های متعالی سوسیالیزم ایفا نماید . خلق قهرمان نیکاراگوئه که‌مرحله نخست انقلاب پرشکوه خود را به پیروزی رساند ، اینک از همه سو با دسایس و تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم امپریالیزم جهانی بسرکردگی امپریالیزم آمریکا و ضدانقلاب داخلی برای بازپس گرفتن مواضع از دست‌رفته‌اش روبروست . خلق دلاور نیکاراگوئه مصمم است که با وحدت خلل‌ناپذیر خود پوزه ضدانقلابیون توطئه‌گر و امپریالیست‌های حامی آنها را به خاک مالیده و با تثبیت دستاوردهای انقلاب خود ، راه تحقق و تداوم وقفه‌ناپذیر آن را به سوی افق‌های روشن صلح استقلال ملی ، دموکراسی و سوسیالیزم هموار سازد .بدون شک طبقه کارگر نیکاراگوئه و شما که نمایندگان سازمان‌های توده‌ای ـ دموکراتیک آن هستید ، در این کارزار با حضور متحد و یکپارچه خود ضامن پیروزی های بازهم درخشانتر آینده خواهید بود .

رفقا ! طبقه کارگر میهن ما نیز که دوشادوش دیگر زحمتکشان میهن‌مان در انقلاب بهمن نقشی غرورآفرین ایفا نمود با سرنگونی رژیم شاه ، بزرگترین مانع در راه ایجاد تشکل‌های صنفی ـ طبقاتی‌اش از میان برداشته شد و اکنون در تشکیل و تحکیم سندیکاها و اتحادیه‌های نوین خود قرار گرفته و مصمم است به رهبری پیشروان خود بر سی‌سال تشتت و پراکندگی حاکم بر جنبش کارگری ایران غلبه کند و موجبات پیروزی قطعی انقلاب ایران را فراهم نماید . اینک که انقلاب ما در مسیر پیشرفت و تعالی خود راه می‌سپرد می‌رود تا به پیروزی‌های سرنوشت سازش دست یابد. جبهه ضدانقلاب جهانی بسرکردگی آمریکای جهانخوار بادستیاری ضدانقلاب داخلی بورژوازی لیبرال و ارتجاع منطقه و در راس آن رژیم ضدمردمی عراق ، می‌کوشند انقلاب شکوهمند ما رابه شکست کشانند .

کارگران دو کشور ما بخشی از طبقه کارگر جهانی بوده و رشته‌های وحدت و همبستگی انترناسیونالیستی،آنها را به هم پیوند می دهد . تحکیم این همبستگی به خاطرتحقق آرمان‌های سترگ پرولتاریای جهانی و تدوام پیروزمندانه روند انقلاب در هر یک از دو کشور ما ، وظیفه‌ای تخطی‌ناپذیر است که باید با عزمی راسخ بدان پاسخ داد . ما با ایمان خلل‌ناپذیر به‌ادای این وظیفه انقلابی ، درودهای گرم و صمیمانه طبقه کارگر ایران را از این سوی اقیانوس‌ها به شما و از طریق شما به طبقه کارگر قهرمان نیکاراگوئه می‌فرستیم و تحقق ظفرمندانه اهداف این کنفرانس را در تحکیم رشته‌های همبستگی بین‌المللی با طبقه کارگر و زحمتکشان نیکاراگوئه آرزومندیم .

پیروزباد همبستگی بین‌المللی
کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
(اکثریت)
۲۹ اسفند ۱۳۵۹

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

سه‌شنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۰
سال سوم ــ شماره ۱۰۳ ــ صفحه ۲۴

ایجاد تشنج در قزوین عیدی به امپریالیزم و ضد انقلاب بود

در صفحه ۱۴

برندهٔ اصلی درگیری‌های رامسر، امپریالیسم امریکاست

طی روزهای اخیر شهر رامسر شاهد درگیری‌های وسیعی بین‌باندهای سیاه و بخش‌هائی از سپاه پاسداران با گروه‌های سیاسی چپ‌رو بوده است. برطبق اطلاعات واصله یک تن‌از هواداران مجاهدین در این درگیری‌ها به قتل رسیده است. رادیو گیلان نیز ادعاکرده که یکی از اعضای بسیج در حوادث اخیر رامسر کشته شده‌است.

آغاز درگیری‌ها به هنگام‌رژه افراد اعزامی سپاه به جبهه، در شهر رامسر و حمله عده‌ای عناصر معلوم‌الحال به‌نمایشگاه عکس گروه‌های سیاسی آغاز شد. پس از این حمله مجاهدین خلق و سایر گروه‌های چپ‌رو نیز به مقابله پرداختند و در نتیجه جو شهر به آشوب کشیده شد.

آنچه در این میان قابل تاکید است، نقش فعال کمیته" باقرآباد" رشت در درگیری‌های اخیر رامسر می‌باشد. این کمیته تا کنون مسبب جنایات بسیاری بوده است. هواداران سازمان ضمن محکوم ساختن حوادث اخیر و عملکرد غیرمسئولانه‌سپاه وگروه‌های سیاسی چپ‌رو از جمله مجاهدین خلق به افشای نقش توطئه‌انگیز این کمیته پرداخته‌اند.

به دنبال این حوادث، تعداد زیادی از هواداران سازمان ما و سایر نیروهای سیاسی دستگیر شده*و هم‌اکنون در زندان به‌سر می‌برند. همچنین به دنبال این حادثه تاسف‌بار، روابط عمومی سپاه پاسداران رامسر طی‌اطلاعیه‌ای کوشید با تحریف واقعیت عملکردهای غیرمسئولانه سپاه را در دامن‌زدن به‌آشوب‌های این شهر از چشم مردم پنهان داشته و با تهمت و بهتان به گروه‌های سیاسی از جمله فدائیان خلق (اکثریت) افکار عمومی را علیه آنها متوجه سازد. پخش‌چنین جعلیاتی علیه سازمان ما اگر نشانه نفوذ دست‌ها و قلم‌های مشکوک در سپاه پاسداران رامسر نباشد، نشانه آن است که مسئولین سپاه‌همچنان چشم‌های خود را به روی واقعیات بسته و به عبث می‌کوشند تا واقعیات را به نفع تنگ‌نظری‌های خویش تغییر دهند.

ما ضمن ابراز تاسف از بروز درگیری‌های اخیر در رامسر، برخوردهای تفرقه‌افکنانه سپاه پاسداران رامسر را شدیدا محکوم ساخته وشرکت نیروهای سازمان را در این درگیری‌ها تکذیب می‌کنیم.

سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله‌گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پرافتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیزی را در راه انقلاب نثار می‌کنند.

خون پاک رفقا، دشت‌ها و دمن‌های میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دمکراتیک فردای جمهوری زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

اکبر بدلی	عالم عباس بخرد	کاظم عبدی
اکبر صبور	عباس‌الله رئیسی	علیرضا کاظمی
اصغر امانی	محمدرضا آذرتاب	علی حاتم‌زاده
علی مصاف	سهیلا سیمان زاده	ایرج حسن‌نیا
جواد کمیجی	حبیب‌الله فرحبخش	لطیف علیزاده
البرز یوسفی	ابراهیم شکرچی	پرویز کرمیان
مریم رشتی	عبدالحسین شاه‌سر	اسحاق بابازاده
رحیم سعیلی	محمود اشرف‌آبادی	مرتضی دارایی
صمد کوشش	فریدون مرتضی‌زاده	زهره موسویون
بهرام وراسمی	محمدقاسم فتاح‌بیگی	وحید نیک‌سیر
محمود ابجو	محمدمهدی ثابت‌اندام	شهریار باقرزاده
خسرو کریمی	محمداسدالله نژادرودبنه	کورش پاک‌بین
حسن سرمی	محمدحسن صدرآبادی	حمید ولادوست
عبدالله مرادی	رحمت‌الله (امیر) انصاری‌پور	غلامرضا صفرنژاد
محمد سرداردار	نوری نساکان	محمدرضا جعفری
مهدی اسکویی	سعید (عباس) آقاپور	منصور دهقانی
حسن صالحی	علیرضا خلیلی	

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

سوءِ قصد به جان آیت‌الله ربانی شیرازی را محکوم می‌کنیم

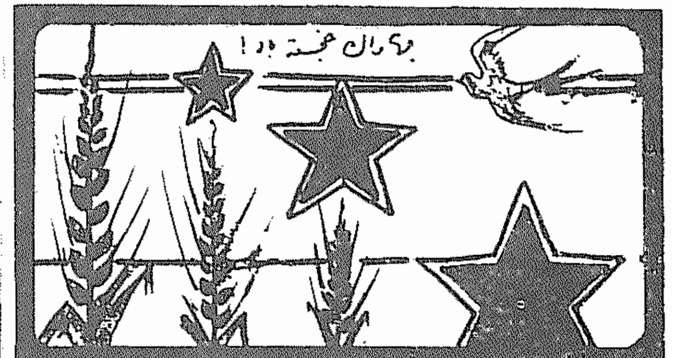
در صفحه ۱۵

خبر یکشنبه ۹ فروردین کیهان مبنی بر انشعاب در سازمان ما دروغ محض است

در صفحه ۲۲

پیام نوروزی رفقای ما از زندان اوین

رفقای ما در زندان اوین به مناسبت نوروز ۱۳۶۰ کارت‌پستال‌هائی که خود نقاشی کرده بودند، برای خانواده و دوستان و رفقا ارسال داشتند. ما ضمن تقدیم رفیقانه‌ترین شادباش‌های نوروزی، کارت‌پستال زیبای آنها را به چاپ میرسانیم:



اول ماه مه روز تجلی وحدت و همبستگی جهانی کارگران را هرچه پرشکوه‌تر برگزار کنیم

اول ماه مه عید همبستگی کارگران سراسر جهان، روز تجلی وحدت اراده طبقه کارگر و نمایش قدرت بیکران اتحاد طبقاتی پرولتاریاست. روزی که کارگران سراسر جهان از هر نژاد و رنگ و از هر ملیت و مذهب، میثاق تاریخی‌شان را در تحکیم وحدت و مبارزه برای استثمار و ستم طبقاتی تجدید می‌کنند.

طبقه کارگر ایران با تحکیم هرچه استوارتر صفوف خود، با تقویت فزاینده اتحاد ضدامپریالیستی خود با دهقانان و زحمتکشان ایران و با تعمیق پیوندهای انترناسیونالیستی‌اش با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان، این سنت انقلابی و تاریخی را پاس خواهد داشت.

مستحکم باد همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر